بسم الله الرحمن الرحيم

**فهرست مطالب**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **درس** | **قرآن و حديث** | **قواعد** | **شماره‌ی صفحه** |
|  | هدايات لازم |  | 2 |
|  | معرفی آکادمی |  | 4 |
|  | مقدمه |  | 7 |
|  | اهداف این برنامه (کورس) | هُوَ، هُمْ، ... | 9 |
|  | سُورَةُ الْفَاتِحَة، آيات: 1-3 | هُوَ مُسْلِم، هُمْ مُسْلِمُون، ... | 11 |
|  | سُورَةُ الْفَاتِحَة، آيات: 4-5 | رَبُّهُ، رَبُّهُم، ... | 14 |
|  | سوره‌ی فاتحه، آيات: 6-7 | دِينُهُ، ...، كِتَابُهُ،... ، هِيَ، رَبُّهَا... | 16 |
|  | هدف از نزول قرآن (سوره ی ص: 29) | لِ، مِنْ، عَنْ، مَعَ | 19 |
|  | قرآن آسان بوده، و آموختن آن برترین کارها است | بِ، فِي، عَلَى، إِلَى | 23 |
|  | دعای آموختن قرآن، و روش آموزش | هٰذَا، هٰؤلاء، ذٰلِكَ، أُولٰئِكَ | 26 |
|  | سُورَه‌ی الْعَصْر | مَاضِي: فَعَلَ، فَعَلُوا، فَعَلْتَ، فَعَلْتُمْ، فَعَلْتُ، فَعَلْنَا | 29 |
|  | سُورَةُ النَّصْر | مُضَارِع: يَفْعَلُ، يَفْعَلُونَ، تَفْعَلُ، تَفْعَلُونَ، أَفْعَلُ، نَفْعَلُ | 34 |
|  | سُورَةُ الْإِخْلَاص | اِفْعَلْ، إِفْعَلُوا، لاَ تَفْعَلْ، لاَ تَفْعَلُوا | 38 |
|  | سُورَةُ الْفَلَق | فَاعِل، مَفْعُول، فِعْل | 42 |
|  | سُورَةُ النَّاس | فَتَحَ، جَعَلَ | 46 |
|  | سُورَةُ الْكَافِرُون | نَصَرَ، خَلَقَ، رَزَقَ، ذَكَرَ | 50 |
|  | دعاهای بعد از اذان و وضوء | عَبَدَ، دَخَلَ، كَفَرَ | 55 |
|  | ثناء، ركوع، سجده | ضَرَبَ، ظَلَمَ، صَبَر، غَفَرَ | 60 |
|  | تشهّد | سَمِعَ، عَلِمَ، عَمِلَ، رَحِمَ | 65 |
|  | درود | وَعَدَ، وَجَدَ، وَلَدَ | 69 |
|  | بعد از درود | قَالَ، قَامَ | 74 |
|  | ادعیه‌ی مأثوره | كَانَ، تَابَ | 76 |

بعد از این کتاب دفتر مشق داده شده که شامل دو بخش می‌باشد: در بخش نخست سوال‌های درباره‌ی سوره‌های قرآنی و اذکار آمده و در بخش دوم تمرین گرامر است، صفحات دفتر مشق از:WB-1 شروع می‌شود.

**هدایات لازم**

**شرائط فراگرفتن دوره‌ی آموزشی**: لازم است شما قرآن را به زبان عربی خوانده بتوانید، و هم‌چنین با زبان فارسی آشنا باشید.

برای فراگرفتن این دوره به نحو احسن، نکات ذیل را به یاد داشته باشیم:

* این دوره کاملا تعاملی (interactive) است، لذا آن را به غور بشنوید، و به طور مسلسل در آن عملی شرکت داشته باشید.
* همیشه تمرین نمائید، اگر اشتباه کردید جای نگرانی نیست.
* هر که بیشتر تمرین کند بهتر فرا می‌گیرد، این قاعده‌ی زرّین را از یاد نبریم:

I listen, I forget. I see, I remember. I practice, I learn. I teach, I master.

هفت کارخانگی ذیل را هر گز فراموش نفرمائید:

**دو در هنگام تلاوت**

1. تلاوت کردن حد اقل 5 دقیقه از روی قرآن مجید.

2. خواندن از حفظ بدون نگاه‌کردن به قرآن‌کریم حد اقل 5 دقیقه.

**دو در خواندن (study)**

3. حد اقل 5 دقیقه مطالعه‌ی درس قبلی و بعدی این کتاب، در حالی که معانی و صیغه‌های گرامری را می‌نویسید. نوشتن خیلی مهم است؛ زیرا الله متعال در نخستین آیات وحی خویش فرموده: «ذاتی که (به انسان، نوشتن) با قلم (را) آموخت».

۴. مطالعه‌ی حد اقل 5 دقیقه (اگر امکان دارد قبل و یا بعد از نماز، و یا هر وقت مناسب)، صرف برای 30 ثانیه یعنی نیم دقیقه الفاظ و معانی را از روی ورق (که به همراه این دوره داده شده) مطالعه نمائید.

**دو در شنيدن و شنواندن**

5. شنیدن ترجمه‌ی لفظی آیات و اذکار از ضبط‌صوت و یا CD .

6. صحبت‌کردن حد اقل یک دقیقه با دوستان هم‌کلاسی –همه روزه- درباره‌ی درس.

**و يكی در مورد استعمال كردن:**

7. سوره‌های را که حفظ دارید حتما در نماز بخوانید.

دو کارخانگی دیگر را هم به یاد داشته باشید: (1) برای خویش دعا کنید که (رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا: بار الها! بر دانشم بیفزا)، و (2) و برای خود و دوستان خویش دعا کنید که الله متعال برای ما توفیق ادا کردن حقوق قرآن را عطاء فرماید.

معرفی آکادمی "اندرستند القرآن"

www.understandquran.com

**اهداف آکادمی**: ابتعاد از قرآن را از بین برده، و برای پرورش نسلی که قرآن بخواند، مفاهیم آن را دانسته، و بدان عمل نماید و آن را به دیگران برساند تلاش همه جانبه دارد، و می‌کوشد کتاب، سی‌دی و پوستر که در این میدان مورد ضرورت است را به مدارس، مکاتب و عموم مردم برساند.

هدف آکادمی تقدیم مفسرین قرآن به جامعه نیست، این کار را مدارس دینی به خوبی انجام می‌دهند؛ هدف اصلی اداره‌ی ما اینست که یک مسلمان پیغام اساسی قرآن را بفهمد. به خواست خدا در این برنامه برخی احادیث نیز آموزش داده می‌شود. در این روش آموزشی اسالیب جدید تدریسی به کار گرفته شده است.

**مأموريت:** قرآن به روش بسیار آسان آموزش داده شود. برای اطفال، نوجوانان و بزرگ‌سالان سه روش مختلف آموزشی فراهم شده است. در نظر داریم قرآن کریم به حیث کتاب دلچسپ ، مؤثر و به حیث برنامه‌ی همه روزه‌ی یک مسلمان و راه کامیابی در دنیا و آخرت تقدیم گردد.

**چرا اين همه تلاش؟** اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان غیرعرب معنای قرآن را نمی‌دانند، بلکه حتی یک سطر را هم ترجمه کرده نمی‌توانند. برای نسل امروزی شناسائی مفاهیم قرآن نهایت ضروری و مفید است؛ زیرا از یک جانب تندباد بی‌حیائی آنقدر با شدت می‌وزد که جز کلام الهی سخن کسی دیگر توان بازداشتن آن را ندارد، و از جانب دیگر از هر طرف دشمنان اسلام، این دین، پیامبر مهربان و قرآن‌کریم را مورد حمله قرار می‌دهند، تمام تلاش خویش را به کار می‌برند که مسلمان ایمان به الله را رها کند و یا لااقل ایمانش سست گردد. پس بر ما لازم است که قرآن کریم را به نسل جدید بیاموزیم، و در وجود آنان این قابلیت را پیدا کنیم که برای اعتراضات دشمن پاسخی قانع‌کننده داشته باشند. اگر قرآن را درست بیاموزند –به خواست خدا- در زندگی دنیا و آخرت خویش کامیاب شده و این فراخوان را به دیگران نیز می‌رسانند.

برنامه: تلاش برای رساندن پیغام قرآن به یک ملیارد مسلمان غیرعرب، و توسط آنها به تمام بشریت. اکنون ما تصمیم داریم این برنامه را به تمام زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه کرده و به مدارس، مکاتب، ادارات، تنظیم‌ها و حرکت‌های اسلامی برسانیم.

**جانب ويژه‌ی اين برنامه‌ی آموزشی**: (1) آموزش هر مضمون دو جانب دارد: 1- ایجاد شوق، 2- انتخاب روش درست آموزشی.

برای ایجاد شوق استفاده از آیات، احادیث، داستان‌ها، مثال‌ها و استفاده از روش‌های جدید تدریسی (همانند NLP) توصیه می‌شود. (2) آماده‌نمودن روش مؤثر برای آموزش پیغام قرآن و قواعد زبان عربی با استفاده از روش‌های نوین آموزشی(3) استفاده از هر وسیله‌ای که در این میدان مفید باشد؛ مانند ضبط‌صوت، نوارهای ویدیوئی، کارت‌ها، پوسترها، مسابقات، بازی‌ها و غیره.(4) برنامه‌های تمرینی برای اساتذه.

**2 قدم مهم برای دانستن قرآن‌کريم:**

دوره‌ی -1: به وسیله‌ی اذکار نماز 125 لفظی که 40,000 دفعه در قرآن‌کریم آمده، آموزش داده می‌شود!

دوره‌ی -2: به وسیله‌ی آیات و اذکار بیشتر 125 واژه‌ای که15,000 دفعه در قرآن‌کریم آمده آموزش داده می‌شود!

بعد از پایان یافتن این دوره آموختن قرآن بسیار آسان است؛ زیرا بطور متوسط در هر سطر از هر 9 واژه صرف 2 تا 3 واژه باقی می‌ماند.

**افتتاح اين پروژه‌ی بزرگ:**

در سال 1998 م (12 سال قبل) در سایت انترنتی: www.understandquran.com

سال 2000: 80 فيصد الفاظ قرآن‌کریم(كتاب)، 2000: برخی از افعال مهم که در قرآن به کار رفته(كتاب)

سال 2004م: نشر کتاب قرآن را به روش آسان فرا گیرید (مشتمل بر 60 درس) و شروع سلسله‌ی دوره‌ها در سال: 2005م.

**تاريخ مختصر اين دوره‌ها:** این دوره تقریبا در تمام شهرهای بزرگ هندوستان تقدیم شده است؛ مثلاً در: حيدرآباد، مدراس، بمبئی، بنگلور، دهلي، اورنگ آباد، پونا، اعظم‌گرهـ، بريلي، بيدر و غيره . و در سطح جهانی دو بار در ام‌القراي جهان يعني مكه‌ی مكرمه، و در دیگر شهرهای بزرگ عربستان سعودی، از جمله: (مدينه، جده، رياض، دمام، خبر، خفجي، أبها) چندین بار، و در ديگر ممالک خليجي (بحرين، امارات، قطر، عمان و كويت)، در انگلستان (لندن، ريدنگ، مانچستر، برمنگهم، ايدن برا)، در افریقای جنوبی (شهر شيخ احمد ديدات یعنی شهر دربن و در پريتوريا)، نائجيريا و سریلنكا نیز این دوره‌ی مفید بر پا شده است.

برعلاوه، عده‌ای از شائقین این دوره‌ی آموزشی را فرا گرفته و آن را در شهرهای مختلف كانادا و امريكا، سويدن، مالزیا، اندونيزيا، جرمني، فرانسه و غيره تدریس می‌کنند.

**ترجمه به زبان‌های هندی:** هندي، مليالم، تامل و تلگو.

**ترجمه به زبان‌های جهانی**: فارسی، ترکی، انگلیسي، فرانسوي، اسپانیایي، اندونيزي، چيني، بنگالي، بوسني و غيره.

**بر سطح تلويزيون:** دوره‌ی 1 و 2 (در هر هفته 6 پروگرام) بر تلویزیون جهانی پیس تی وی، و در ماه رمضان بر کانال چهارم تلویزیون حيدرآباد تدریس شده است. و اداره در تلاش است که تلویزیون‌های بیشتری این دوره را پخش و نشر کنند.

**انترنت:** در سال: 2004 م این دوره شروع شد که در همان سال 4000 نفر در 50 کشور از آن استفاده نمودند. امروزه در سطح جهانی نخستین وبسایت قرآن‌فهمی همین سایت است. اگر شما در گوگل quranic arabic يا learn quran ياunderstand quran را جستجو کنید، قطعا مقام نخست را [www.understandquran.com](http://www.understandquran.com) بدست می‌آورد که این دوره‌ها را خدمت شما تقدیم می‌کند.

**خواهش:** رسول الله ج فرموده اند: «بلّغوا عنّي وَلَو آية: از طرف من برسانید اگر چه یک آیه هم باشد». پس بیائید همه به کمک یکدیگر این برنامه‌ی زیبا و مفید را جلو ببریم.

از الله بزرگ استدعا داریم که این کار اندکی که در راستای خدمت به قرآن عظیم‌الشأن انجام داده‌ایم قبول فرموده، و ما را از ریاء و کارهای زشت دیگر باز دارد، و هر اشتباهی که از ما سر زده، ما را در تصحیح آن کمک فرماید.

ربّنا تقبل منّا إنّك أنت السميع العليم، وتُب علينا إنّك أنت التّواب الرّحيم، واغفر لنا، إنّك أنت الغفور الرّحيم.

وجزاكم الله خيرًا.

**مقدمه**

الحمدُ لله وحده والصّلوة والسّلامُ على من لا نبيّ بعده وعلى آله وصحبه أجمعين. أما بعد!

رسول الله صلی اﷲ علیه وسلم فرموده‌اند: «خیرکم من تعلّم القرآن وعلّمه: بهترین شما آنست که خود قرآن آموخته و آنرا به دیگران نیز بیاموزد».

از یک طرف تعلیم و آموزش قرآن این همه فضیلت دارد، و از جانب دیگر بیشتر ما عجم‌ها حتی معنای نماز خویش و آیات و سوره‌‌های که همه روزه در آن می‌خوانیم را به طور درست درک کرده نمی‌‌توانیم. به خواست خدا این دوره که برای آموزش نماز به روش آسان و هم‌چنین آموزش عربی قرآنی ترتیب یافته، همه‌ی این موارد را به ما آموزش خواهد داد.

با وجودی که صرف چند سال از زمان ترتیب و تدوین این دوره‌ی آموزشی گذشته، این دوره در کشورهای مختلف جهان از جمله: هند و پاكستان، بنگله‌ديش، اندونيزیا، سنگاپور، استراليا، امريكا، انگلیس، آفريقای‌جنوبی، نايجريا، سري لنكا، کشورهای خلیجی وغيره تدریس می‌شود، و هزاران تن از آن استفاده می‌کنند. هم چنین این دوره به زبان‌های زنده‌ی دنیا از جمله: انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، تركي، فارسی، بنگالي، بوسني، اندونزي، چيني، پرتقالي، هندي، مليالم، تامل و غيره ترجمه شده است.

ویژگی خیلی بارز این دوره اینست که بیشتر حصه‌ی آن مشتمل بر آیات قرآنی، اذکار و دعاهای است که مسلمان عموما آن را تلاوت می‌کند. یک مسلمان تقریبا یک ساعت در شباروز (هنگام نمازهای پنجگانه) با آفریدگار، مالک و پروردگار خویش مصروف گفتگو می‌باشد؛ لذا ما تلاش ورزیدیم که مسلمان از ابتداء معانی این گفتگو را به خوبی درک نموده و از آن لذت ببرد، و این روش چند فایده دارد، از جمله:

۱. تمرین (Practice) برای فراگرفتن و دانستن یک زبان نقش اساسی دارد. در دوران نمازها و ادعیه ما تقریبا 150 تا 200 واژه یا تقریبا 50 جمله را همه روزه تکرار می‌کنیم. فراگرفتن این جملات ما را در روش و طریقه‌ی یادگرفتن زبان معاونت می‌کند.

۲. از درس نخست فایده‌ی این دوره را احساس می‌کنیم؛ زیرا کم کم معنای نماز خویش را می‌فهمیم.

۳. در هنگام نماز جذبات روحی، توجه، خشوع و خضوع ما بیشتر می‌شود.

این فوائد را با فراگرفتن دوره‌ای دیگر احساس نمی‌کنیم.

ویژگی دیگر این دوره اسلوب آموزش گرامر (صرف و نحو عربی) در آن است، از آنجا که هدف از این دوره اینست که دانش‌جویان با استفاده از ترجمه‌های موجود قرآن‌کریم معانی آن را بفهمند، لذا بیشتر توجه این دوره بر علم «صرف» مرکوز شده است. برای آموزش صرف یک روش بسیار ساده و عام‌فهم (TPI: Total Physical Interaction) انتخاب نموده‌ایم. باید خاطر نشان ساخت که این دوره بالکل ابتدائی است، بعد از فراگرفتن آن حتما کتاب‌های دیگر عربی را بخوانید.

با پایان یافتن این دوره شما -به خواست الله- تقریبا معنی و مفهوم 125 واژه‌ی قرآنی که بیش از 40,000 مرتبه در قرآن آمده (از مجموع تقریباً 78,000 واژه‌ی قرآنی، یعنی 50% از الفاظ قرآن) را خواهید دانست.

ان شاء الله شما این دوره را آسان، دلچسپ و با اسلوب مؤثر خواهید یافت، از الله متعال خواهانیم کوشش‌های ما را بپذیرد. و از شما خواهش می‌کنیم هر چقدر امکان دارد این دوره را در مسجد، مدرسه، مکتب، محله و بین افراد فامیل و دوستان خویش معرفی کنید تا فرزندان امت اسلامی مفهوم و هدف از نمازخواندن خویش را دانسته، و در پهلوی آن معنی و پیغام قرآن را نیز فرا گیرند.

در ترجمه‌ی آیات قرآن‌کریم از ترجمه‌ی شاه ولی الله محدّث دهلوی –با تصرف- استفاده شده است. این ترجمه را تمام فرقه‌های فقهی اهل سنت و جماعت قبول دارند.

و از بارگاه الهی خواستاریم اشتباهاتی که از ما سر زده را به فضل و کرم خویش معاف فرماید، و اگر اشتباه و یا نقصانی در این کتاب متوجه شدید حتما با این ایمیل در تماس شوید، ما قبلا از شما سپاسگزاریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

**درس نخست: پیشکش**

با پایان یافتن این درس شما **6** واژه فرا می‌گیرید

که **1295**بار در قرآن‌کریم آمده است!

**اهداف دوره:**

* به نمازخواندن به طور مؤثر عادت بگیریم؛ نماز را از صمیم قلب، با خشوع و خضوع و آرامش خوانده، و آثار نماز در زندگی روزمره‌ی ما نمودار شود.
* فراگرفتن قرآن آسان شود.
* بعد از دانستن معانی قرآن، با شوق فراوان آن را تلاوت کنیم.
* تعامل با قرآن (Interaction) يعني هنگام تلاوت تدبّر نموده و پند بگیریم. روش آوردن قرآن در زندگی روزمره را متوجه شویم.
* روح کار اجتماعی در وجود ما پیدا شود.

فرق‌های کلیدی بین فراگرفتن زبان عربی و فهم قرآن در این دوره:

* فرق نخست: ابتدا با نماز؛ زیرا ما همه روزه تقریبا یک ساعت را در فضای نماز و نیایش‌های عربی سپری می‌کنیم.
* فرق دوم: توجه بیشتر به شنیدن و خواندن؛ چرا که ما روزانه قرآن می‌شنویم و می‌خوانیم.
* فرق سوم: توجه بیشتر بر الفاظ معانی؛ زیرا این یک روش فطری است، طفل خوردسال به همین روش زبان مادری‌اش را فرا می‌گیرد.

**گرامر**: در این درس ما شش واژه فرا می‌گیریم: هُوَ، هُمْ، أَنْتَ، أَنْتُمْ، أَنَا، نَحْنُ. این شش لفظ 1295 بار در قرآن آمده است، آن‌ها را با روش TPI خوب تمرین کنید (TPI :Total Physical Interaction يعني تعامل جسماني كامل). هدف اینست که شما از تمام وجودتان استفاده کرده، با چشمها ببینید، با گوشها بشنوید، با زبان صحبت کنید، با دست اشاره کنید، و در پهلوی آن با فکر خود خوب متوجه باشید و از دل با شوق بخوانید. این همه را انجام دهید ان شاء الله خیلی زود همه‌ی کورس (دوره‌ی آموزشی) را فرا خواهید گرفت. روش اشاره با دست در ذیل نشان داده خواهد شد.

1. وقتی که شما **هُوَ** (او) گفتید با انگشت اشاره‌ی دست راست به جانب راست اشاره کنید، گویا که آن شخص به جانب راست شما نشسته است. و هنگامی که **هُمْ** (آنها) می‌گوئید با چهار انگشت به جانب راست اشاره کنید.
2. وقتی که **أَنْتَ** (تو) گفتید با انگشت تشهد دست راست به جانب شخص نشسته در مقابل خویش اشاره کنید.- و چون **أَنْتُمْ** (شما) گفتید با چهار انگشت به جانب مقابل اشاره کنید. (اگر کلاس درس بود استاد به طرف شاگرد و شاگرد به طرف استاد اشاره کند).
3. و وقتی که **أَنَا** (من) گفتید با انگشت تشهد دست راست خویش به جانب خود اشاره کنید. و چون **نَحْنُ** (ما) گفتید با چهار انگشت به جانب خود اشاره نمائید.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| Detached / Personal Pronouns ضمایر | | *شماره* Number | Person |
| او | هُوَ | sr. واحد | 3rd  *غائب* |
| آن‌ها | هُمْ | pl. جمع |
| تو | أَنْتَ | sr. واحد | 2nd  *مخاطب* |
| شما | أَنْتُمْ | pl. جمع |
| من | أَنَا | sr. واحد | 1st  *متكلّم* |
| ما | نَحْنُ | pl. جمع dl. مثنى |

**درس دوم: سورة الفاتحة (آيات : 1-3)**

در سطر نخست جدول ذیل عبارت عربی، و در سطر دوم ترجمه‌ی لفظی آن، و در سطر سوم تشریح الفاظ و در آخر ترجمه‌ی سلیس آن آمده، و بعد از آن درسهای داده شده است. پس از خواندن سبق ترجمه‌ی لفظی آن را تمرین کنید. یعنی نخست عبارت عربی را بخوانید، و بعدا یک واژه‌ی عربی با ترجمه‌ی آن، و در اخیر تنها ترجمه را بخوانید.

با پایان یافتن این درس شما **8** واژه فرا می‌گیرید

که **3216** بار در قرآن‌کریم آمده است!

قبل از شروع نمودن سوره‌ی الفاتحة و یا خواندن قرآن‌کریم «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم» می‌خوانیم. لهذا ما نخست ترجمه‌ی آن را می‌آموزیم.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| أَعُوذُ | بِاللهِ | | مِنَ الشَّيْطَانِ | الرَّجِيمِ |
| پناه مي‌برم | به اﷲ | | از شیطان ِ | رانده شده |
| در پناه الله یعنی در حفاظت الله | بِ | اللهِ | مِنْ: از  (مِنْ در قرآن تقريبًا 3000 دفعه آمده است! | آیا شیطان به رحمت الهی نزدیک است؟ نه، شیطان مردود است.لهذا معنای رجیم: مردود و رانده شده می‌باشد. |
| كي | الله |
| ترجمه: پناه می‌برم به الله از شیطان رانده شده | | | | |

* قبل از همه خود را در معرض خطر احساس کرده و تصور کنیم كه شيطان به ما حمله‌ور شده است، و این حمله تنها یک علاج دارد: گفتنِ «اعوذ بالله».
* آموزش حفاظت از خود قبل از شروع هر کار (Safety first! Buckle up!)
* هر گاه یادی از خدا شد نزدیکی به الله را احساس کنیم، و با وجود اطمینان بر رحمت الهی به سبب گناهانمان، از الله خوف نیز داشته باشیم.
* به همراه هر یک از ما شیطان وجود دارد، این دشمن معاند را احساس کنیم، و علاوه از آن وجود دو فرشته با خود را نیز احساس نمائیم.
* رجیم چرا ذکر شده؟ تا که ما همیشه خواری و رسوائی او را متوجه باشیم، و احساس کنیم که او می‌خواهد ما را نیز همانند خود گرداند.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* سورة الفاتحہ آیات 1-3 \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* | | | | |
| بِسْمِ | | اللهِ | الرَّحْمٰنِ | الرَّحِيْمِ ٪﴿1٪﴾ |
| به نام | | اﷲ | گسترده‌مهر | مهرورز |
| بِ | اِسْم | اللہ : نام ذاتی الله است ،  نامهای دیگر صفتی اند  مانند: الرّحيم، الكريم، الغفور | اینگونه واژه‌های عربی برای اظهار مبالغه است، مانند عطشان: خیلی تشنه ، جوعان: نهایت گرسنه.  رحمن : گسترده‌مهر | در این گونه واژه‌های عربی اشاره به تسلسل می‌باشد، مانند: جميل يعني زیبا (آن شخصی که دیروز زشت بوده را جمیل گفته نمی‌توانیم!) ، كريم يعني بزرگوار و صاحب اخلاق نیکو.  رحيم: همیشه رحم‌کننده |
| به | نام |
| ترجمه: به نام الله گسترده‌مهر بخشایشگر | | | | |

* نخست رحمت گسترده‌ی الله را تصور کنیم، بعدا رحمتِ الله را احساس نمائیم.
* هنگام گفتن «بسم الله» در نفس خویش یقین کامل پیدا کنیم که الله رحمن و رحیم با ما است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| اَلْحَمْدُ | لِلهِ | رَبِّ | الْعٰلَمِيْنَ ٪﴿2٪﴾ۙ |
| همه‌ی حمد و ستایش | ویژه‌ی الله | پروردگار | جهانیان است |
| دو معنای حَمْد: تعريف ، شكر | لِ: ویژه‌ی | پرورش دهنده | عَالَم: جهان ، جمع عَالَم: عَالَمُون، عَالَمِين  عَالِم: دانا |
| ترجمه: همه­ی حمد و ستایش ویژه­ی الله، پروردگار جهانیان است | | | |

* از ته دل حمد الله را بجا آوریم. احسان‌های که بر ما نموده را به یاد داشته و شکرگذار باشیم.
* **احتساب**: تا اکنون چند بار اتفاق افتاده که از تلوّن دنیا، مردم و شخصیت‌ها متأثر شده ام، اما فراموش می‌کنم الحمدلله بگویم؟ و چند دفعه شکر الله را به جا آورده‌ام؟.
* او پروردگار است یعنی هر نیاز ما را بر آورده ساخته و پروردگار ما است. تصور کنیم که الله رب ‌العزت چگونه در هر ثانیه وسایل پرورش ملیونها انسان را مهیا می‌کند.

|  |  |
| --- | --- |
| الرَّحْمٰنِ | الرَّحِيْمِ ٪﴿3٪﴾ۙ |
| گسترده‌مهر | مهرورز |
| ترجمه: بخشایشگرِ مهرورز | |

* تشریح این الفاظ قبلا با «بسم الله» گذشت.
* رحمت الهی را به صورت نعمت‌های دائمی الله بر خویشتن -با وجود نافرمانی‌های همیشگی که ما انجام می‌دهیم- احساس کنیم!
* بر دیگران ترحم کرده و اظهار همدردی نمائیم تا الله متعال بر ما رحم فرماید. رسول الله ﷺ فرموده اند: «هر که رحم نکند، مورد رحمت قرار نمی‌گیرد».
* الله خیلی رحیم است و مسلسل رحم می‌فرماید، و این هر دو با هم اند یعنی پی‌در پی خیلی رحم می‌کند.

**گرامر:** در هر زبان برای جمع‌ساختن قواعدی وجود دارد، در انگلیسی این قاعده است که بر لفظ واحدی اگر "s" بیفزائیم جمع می‌شود، مثلاً جمع Muslim =Muslims می‌آید. همین طور در عربی این قاعده وجود دارد که در آخر لفظ "ون" يا "ين" می‌افزاییم. تقریباً 60٪ الفاظ جمع در زبان عربی این‌گونه ساخته می‌شود. به یاد داشته باشید هر درس گرامر را به روشTPI تمرین کنید تا واژه‌ها را به آسانی و سرعت فرا گیرید.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| جمع |  | واحد |  | جمع |  | واحد |
| كَافِرُون ،كَافِرِين | ← | كَافِرٌ |  | مُسْلِمُون، مُسْلِمِين | ← | مُسْلِمٌ |
| مُشْرِكُون، مُشْرِكِين | ← | مُشْرِكٌ |  | مُؤمِنُون، مُؤمِنِين | ← | مُؤْمِنٌ |
| مُنَافِقُون، مُنَافِقِين | ← | مُنَافِقٌ |  | صَالِحُون، صَالِحِين | ← | صَالِحٌ |

اکنون این الفاظ را با هُوَ، هُمْ یکجا کرده و تمرین کنید همانطوری که در پائین داده شده است، از روشTPI استفاده فرمائید:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| *Personal Pronouns (Masculine)* ضمیر (به همراه مثال) | | *No.* | *Person* |
| او (یک) مسلمان است | هُوَ مُسْلِمٌ | *sr. واحد* | *3rd*  *غائب* |
| آنها مسلمان اند | هُمْ مُسْلِمُون | *pl. جمع* |
| تو مسلمان هستی | أَنْتَ مُسْلِمٌ | *sr. واحد* | *2nd*  *حاضر* |
| شما مسلمان هستید | أَنْتُمْ مُسْلِمُون | *pl. جمع* |
| من مسلمان هستم | أَنَا مُسْلِمٌ | *sr. واحد* | *1st*  *متكلّم* |
| ما مسلمان هستیم | نَحْنُ مُسْلِمُون | *dl. مثنى pl. جمع* |

اکنون بدون از ترجمه تمرین کنید. اشار‌ه‌ی دست به شما می‌گوید مراد چی است؟ نخستین فایده‌ از فواید استعمال روش اشاره همین است. اینطور نه صرف آموختن آسان می‌شود بلکه درس و روش تدریس دلچسپ هم می‌باشد. در هفت دقیقه تمرین شما این شش لفظی که در قرآن‌کریم 1295 بار آمده را به نحو احسن –إن شاء الله- فرا خوهید گرفت! امکان دارد که در اشاره‌ی اول شما کمی دچار مشکل شوید، اما این روش در آموختن واژه‌های قرآن، صیغه‌های مختلف افعال و ابواب گوناگون آن خیلی مفید است. به جرئت گفته می‌توانیم الفاظی که به کمک اشاره‌ها در این درس می‌آموزید تقریبا 25% از قرآن‌کریم را تشکیل می‌دهد.

**درس سوّم:** سورۃ الفاتحة **(آيات: 4-5)**

أَعُوْذْبِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيْمِ

با پایان یافتن این درس شما **4** واژه فرا می‌گیرید

که **1479** بار در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مٰلِكِ | يَوْمِ | الدِّيْنِ ٪﴿4٪﴾ؕ |
| مالک | روز | جزا |
| مٰلِكِ : مالک، فرمانروا  (مَلَكَ: فرشته، مانند: ملك الموت) | يوم الجمعة، يوم القيامة  جمع يَوْم = أَيَّام | دين دو مفهوم دارد:  1. جزا 2. نظام زندگی (دينِ اسلام) |
| ترجمہ : مالکِ روز جزا | | |

* در آن روز هیچ کس هیچ توانی ندارد. تنها الله رب‌العزت مالک و حاکم، اما برترین و عادلترین حاکم است.
* در آن هنگام هیچ کس شفاعت کرده نمی‌تواند، به جز آنکه الله برایش اجازه داده باشد.
* هول آن روز را تصور کرده و تلاش ورزیم متوجه آن همه ترس و لرز باشیم، روزی که انسان از برادر، مادر، پدر، و از همسرش فرار می‌کند. در آن روز هر کس صرف به فکر خودش است.
* بر این آیت‌کریمه امید هم داشته باشیم و از آن ترس هم داشته باشیم. الله صرف به رحمت خویش و بدون اینکه زحمتی کشیده باشیم ما را مسلمان آفریده است. اکنون ما از او تعالی درخواست آمرزش نموده و جنت می‌خواهیم، و امید داریم که او حتما دعای ما را مورد اجابت قرار می‌دهد. در پهلوی آن از ارتکاب معاصی نیز خوف داریم که در آن روز مجازات نشویم، و از همین حالا اراده می‌کنیم خوب باشیم و کارهای خوب انجام دهیم.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| اِيَّاكَ | | نَعْبُدُ | وَاِيَّاكَ | | | نَسْتَعِيْنُ ٪﴿5٪﴾ؕ |
| تنها تو را | | می‌پرستیم | و تنها از تو | | | یاری می‌جوییم |
| **إِيَّا** | **كَ** | عِبَادَة : پرستش  **عَابِد**: عبادت کننده **مَعْبُود**: آنکه مورد پرستش قرار گرفته | وَ | اِيَّا | كَ | الفاظی از همین باب: استعانت، اعانت، عون،تعاون، معاون... |
| از تو | تنها | و | صرف ، تنها | از تو/ تو را |
| ترجمه: (پروردگارا!) تنها تو را می­پرستیم و تنها از تو یاری می­جوییم. | | | | | | |

* عبادت هدف زندگی ما است. این mission statement زندگی مسلمان است. الله متعال فرموده: و انسان‌ها و جن‌ها را تنها برای این آفریدم که مرا عبادت و پرستش نمایند. (سوره‌ی الذاريات، آیه: 56)
* عبادت چی است؟. عبادت عبارت از نماز، روزه، زکوة، حج، دعوت، نصيحت، جهاد، طلبِ علم، مکاسب حلال، خدمت خلق و غيره می‌باشد. اما از همه مهمتر نماز است هر که نماز را رها کرد دین را شکسته است.
* ما آنقدر ناتوان هستیم که بدون از کمک الله تشنگی خویش را هم رفع کرده نمی‌توانیم، پس چطور عبادت کرده می‌توانیم؟. لذا برای عبادت تو هم به مدد تو نیاز داریم، به ویژه عبادتی که مورد رضای تو باشد. از صمیم قلب به درگاه او تعالی نیایش کنیم که ما را توفیق عبادت عطا فرماید.

**گرامر** : ما در درس گذشته الفاظ عربی واژه‌های: "او، آنها، تو، شما، من و ما" را آموختیم. در این درس معادل عربی واژه‌های "از او ، از شما، از تو، از آنها، از من و از ما" را می‌آموزیم. این ضمائر عبارت از: (--ه،ا ، -- هُمْ، --كَ، --كُمْ، --ي، --نَا) می‌باشند. چونکه این ضمائر همیشه با لفظی دیگر چسپیده می‌آیند لذا آوردن معنای دقیق فارسی آن مشکل می‌باشد. این واژه‌ها تقریبا در هر سطر قرآن مجید دیده می‌شوند، یعنی تقریبا 10 هزار بار در کتاب‌الله آمده اند. آنها را با روشTPI با اشتیاق فراوان بیاموزیم.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رَبّ + ... | | | ضمائر متصلة | | No. | Person |
| پروردگار او | رَبُّهٗ (رَبِّهٖ) | | از او | ـهٗ ـهٖ | *sr.* | *3rd* |
| پروردگار آنها | رَبُّهُمْ (رَبِّهِمْ) | | از آنها | ـهُمْ ـهِم | *pl.* |
| پروردگار تو | | رَبُّك | از تو | ــكَ | *sr.* | *2nd* |
| پروردگار شما | | رَبُّكُمْ | از شما | ـكُمْ | *pl.* |
| پرودرگار من | | رَبِّي | از من | ــِي | *sr.* | *1st* |
| پروردگار ما | | رَبُّنَا | از ما | ـنَا | *dl.,*  *pl.* |

درس چهارم: سورۃ الفاتحة (آيات: 6-7)

أَعُوْذْبِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيْمِ

با پایان یافتن این درس شما **6** واژه فرا می‌گیرید

که **3128** بار در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| اهْدِنَا | | الصِّرَاطَ | الْمُسْتَقِيْمَ ٪﴿6٪﴾ۙ |
| ما را هدایت فرما | | به راه | راست |
| اِهْدِ | **نَا** | **الْ** : آن خاص، the  الصِّراط: به آن راه ویژه | خط مستقیم: خط راست |
| هدایت بده | ما را |
| ترجمه: ما را به راه راست، هدایت فرما. | | | |

* آیا مجرد مسلمان‌بودن خود هدایت است؟ اگر صرف همین مطلب می‌بود این دعا برای غیرمسلمان‌ها می‌بود. در اصل مسلمان بودن قدم نخست هدایت است.
* هدايت به معني "نشان‌دادن راه" آمده و به معنای" بردن بر راه " نیز. در بین این دو فرق بسیار است. ما هر قدم به هدایت الله نیاز داریم.
* هدايت از کجا بدست می‌آید؟. از قرآن و سنت، قرآن **هُدًى للمُتَّقِين** و **هُدًى للنَّاس** می‌باشد! اگر فردی برای فراگرفتن معانی قرآن تلاش نکند و یا به فکر خواندن احادیث شریف نباشد آیا صرف این دعا برایش کافی است؟ احتساب کنید و برنامه بریزید.
* به یاد داشته باشیم هر نماز به ما تذکر می‌دهد که فراگرفتن قرآن لازم بلکه ضروری است.
* این معنی را نیز دارد که در این نماز، امروز، در این هفته و ... هر کاری که من انجام می‌دهم بارالها! راه صواب را در آن به من بنما.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| صِرَاطَ | الَّذِينَ | أَنْعَمْتَ | عَلَيْهِمْ٪لا۟ | |
| راه | کسانی که | نعمت داده‌ای | به آنان | |
| صِرَاط: راستہ  در آیت گذشته این واژه آمده بود | الَّذِينَ: در قرآن‌کریم تقریبا 1080 دفعه تکرار شده | انعام، نعمت | عَلَى | هِمْ |
| آنان | بر |
| ترجمه: راه کسانی که به آنان نعمت داده‌ای | | | | |

* ربّ‌العزت بر چه کسانی انعام کرده است؟ بر انبياء، صدّيقين، شهداء و صالحين؛ زیرا آنان راهی را اختیار کرده اند که الله متعال دستور داده است.
* راه الله کدام است: (1) راه عمل؛ اعمال قلب همانند: ايمان، اخلاص، محبت، توكّل، و اعمال دیگر مانند: نماز، روزه، زكوة و غيره، (2) راه دعوت و اصلاح (3) راه تزکیه و تربیت (4) تنفيذ: يعني اعلای كلمة الله، شهادت علي النّاس، جهاد في سبيل الله و امر بالمعروف و نهي عن المنكر.
* بعد از دعا خویشتن را مورد حساب قرار دهیم که ما بر کدام راه در حرکت هستیم؟ و برای رفتن به راه درست برنامه‌ریزی کنیم.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| غَيْرِ | الْمَغْضُوبِ | عَلَيْهِمْ | | وَلاَ | | الضَّآلِّيْنَ ٪﴿7٪﴾ۧ | |
| نہ (راه) | (آنانی که)خشم شده است | بر آنها | | و نہ (راه) | | | گمراہان |
| نه ، واژه‌ی:  (غَيْرِ در قرآن: 147 مرتبه آمده) | معنای این واژه همانند کلمه‌ی: "مظلوم "است.  مَظْلُوم: آنکه بر او ستم شده  مَغْضُوب: آنکه مورد خشم واقع شده | **عَلَى** | هِمْ | وَ | لاَ | | ضَالّ: گمراه  جمع ضَالّ= ضَالِّين  واژه‌ي مصدر همین ماده: ضلالت |
| آنها | بر | و | نہ | |
| ترجمه: نه راه کسانی که بر آنان خشم گرفته ای و نه راه گمراهان. | | | | | | | |

* «مغضوب» چه کسانی اند؟ آنهائی که می‌دانند مگر عمل نمی‌کنند. ما در چه حال هستیم؟ اگر علم داریم باید بر آن عمل کنیم و اگر نمی‌دانیم باید علم به دست آوریم.
* تصور کنید اشخاصی که مورد غضب الله باشند، در دینا و آخرت چه انجامی خواهند داشت؟
* ما کسانی را که قهرمان و یا رهبر می‌‌دانیم و از آنها پیروی می‌کنیم، آیا آنها از زمره‌ی آنهائی اند که الله بر آنها انعام کرده است؟ و یا در گروه دیگر شامل اند؟
* ضالّين: به معنای گمراهان از راه راست. (ما در چه حالی هستیم؟) اینطور نباشد که قرآن در خانه‌ی ما باشد و ما تشنه‌لب بگردیم؟ آیا ما از قرآن کریم به این وجه دور هستیم که زبان عربی را نمی‌دانیم؟ از همین امروز تصمیم بگیریم که ما این درسها و آموزش عربی قرآنی را به هیچ‌وجه اهمال نمی‌کنیم. و در پهلوی تلاش و کوششی که داریم خواهان توفیق مزید الهی نیز هستیم.
* لازم است که در پهلوی دعا و نیایش احتساب، برنامه‌ریزی و تبلیغ هم باشد.

**یک مشوره‌ی مهم:** هنگام خواندن سوره‌ی فاتحه این حدیث را به یاد داشته باشیم! در صحيح مسلم از ابو هريره رضي الله عنه روایت شده كه رسول الله ﷺ فرمودند: الله متعال فرموده است: من نماز را بین خود و بين بنده‌ام تقسیم نموده‌ام. نیمی از من است و نیمی از بنده‌ام، و من برای بنده‌ام آن چیزی را می‌دهم که از من بخواهد. آنگاه که بنده بگوید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الله تعالی می‌فرماید: "حمدني عبدي" يعني: بنده‌ام مرا ستایش کرد، وقتی می‌گوید: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ الله تعالی می‌فرماید: "اثنی عليّ عبدي" يعني: بنده‌ی من ثنایم گفت، آنگاه که می‌گوید: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، الله بزرگ می‌فرماید: "مجّدني عبدي" يعنی: بنده‌ام بزرگی‌ام را بیان کرد. و چون می‌گوید : ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ الله مهربان می‌فرماید: این در بین من و بین بنده ام است، و او هر چه از من بخواهد من به او می‌دهم. و وقتی که می‌گوید: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلا الضَّالِّينَ﴾. ربّ‌العزت می‌فرماید: این برای بنده‌ام است، او هر چه بخواهد به او می‌دهم.

**گرامر:** ما در درس گذشته واژه‌های عربی " از او، از شما، از تو، از آنها، از من و از ما" را آموختیم. در این درس تکرار آن را با الفاظ دیگر می‌آوریم، و از جمله: صیغه‌ی مؤنث و روش ساختن واژه‌های مؤنث از مذکر . این همه را به روشTPI می‌آموزیم.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| كِتَاب | | دِين | | ضَمَائِر مُتَّصِلَة | | No. | Person |
| کتابِ او | كِتَابُهٗ | دین / روش زندگی او | دِينُهٗ | از او | ـهٗ ـهٖ | *sr.* | *3rd* |
| کتاب آنها | كِتَابُهُمْ | دین / روش زندگی آنها | دِينُهُمْ | از آنها | ـهُمْ ـهِم | *pl.* |
| کتاب تو | كِتَابُكَ | دین / روش زندگی تو | دِينُكَ | از تو | ــكَ | *sr.* | *2nd* |
| کتاب شما | كِتَابُكُمْ | دین / روش زندگی شما | دِينُكُمْ | از شما | ـكُمْ | *pl.* |
| کتاب من | كِتَابِي | دین / روش زندگیِ من | دِينِي | از من | ــِي | *sr.* | *1st* |
| کتاب ما | كِتَابُنَا | دین / روش زندگی ما | دِينُنَا | از ما | ــنَا | *dl.,*  *pl.* |

چون هِيَ (آن زن) یا هَا (از آن) گفتید با انگشت اشاره‌ی دست چپ به جانب چپ اشاره کنید ، گویا "آن زن" در جانب چپ شما است.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| کتابِ آن زن | كِتَابُهَا | دینِ آن زن | دِينُهَا | از آن زن | ـهَا | آن زن | هِيَ |

مؤنث از مذكر و جمع آن: **در زبان عربی روش مؤنث ساختن واژه‌ی مذکر اینست که در اخیر آن تای مدور "ۃ" علاوه می‌کنیم. مانند مسلمة از مسلم، كافرة از كافر، صالحة از صالح و غيره. و اگر واژه‌ی مؤنثی را جمع می‌ساختید "ۃ"را از بین برده و به عوض آن"ات" علاوه کنید. مثالهای ذیل را مشاهده فرمائید:**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| جمع مؤنّث | واحد مؤنّث |  | واحد مذكّر |  | جمع مؤنّث | واحد مؤنّث |  | واحد مذكّر |
| كَافِرَات | كَافِرَة | ← | كَافِر |  | مُسْلِمَات | مُسْلِمَةٌ | ← | مُسْلِمٌ |
| مُشْرِكَات | مُشْرِكَة | ← | مُشْرِك |  | مُؤْمِنَات | مُؤْمِنَة | ← | مُؤْمِن |
| مُنَافِقَات | مُنَافِقَة | ← | مُنَافِق |  | صَالِحَات | صَالِحَة | ← | صَالِح |

**درس پنجم: هدف از نزول قرآن (سوره ی ص: 29)**

با پایان یافتن این درس شما 10واژه فرا می‌گیرید

که **8031** بار در قرآن‌کریم آمده است!

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| كِتٰبٌ | اَنْزَلْنٰهُ | | اِلَيْكَ | | مُبٰرَكٌ |
| (این) کتابی است | آن را نازل کرده‌ایم | | به سوی تو | | خجسته و مبارک |
| جمع كِتَاب =كُتُب  261 دفعه در قرآن‌کریم آمده است | **أَنْزَلْنَا** | **هُ** | **إِلَى** | **كَ** | الفاظ فارسی: عِيد مُبَارَك، حج مبارك، كاميابي مبارك |
| نازل کرده‌ایم | آن را | به سوی | تو |
| ترجمه: ما به سوی تو کتابی مبارک و خجسته نازل کرده‌ایم | | | | | |

* الله متعال از ابتدا گفته این کتاب با برکت است، اما آن را چرا نازل کرده؟ پاسخ این سوال را در آیه‌ی بعدی می‌دهد. یعنی اگر می‌خواهید برکت این کتاب را به طور کامل به دست بیاورید همان کاری را انجام دهید که ما قرآن را برای آن فرو فرستاده‌ایم.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| لِّيَدَّبَّرُوْۤا | | اٰيٰتِه | | وَلِيَتَذَكَّرَ | | | اُولُوا الْاَلْبَابِ | |
| تا بیندیشند | | در آیاتش | | و پند بگیرند | | | خردمندان (ص: 29) | |
| **لِ** | **يَدَّبَّرُوا** | **آيَات** | **هٖ** | **وَ** | **لِ** | **يَتَذَكَّر** | **أُوْلُوا ، أُولِي** | أَلْبَاب |
| تاکہ | بیندیشند | آیات | آن | و | تاکہ | پند بگیرند | صاحبان | خرد |
|  | | **آيَة**: آیت ، نشانی. جمع آیة: آيات | |  | | | أَلْبَاب جمع لُبّ: عقل | |
| ترجمه: تا در آیاتش بیندیشند و خردمندان پند بگیرند. | | | | | | | | |

از آیه‌ی فوق دانسته می‌شود که قرآن‌کریم برای دو مقصد ناز ل شده است: (1) تدبّر و (2) تذكّر .

* تدبريعني غور كردن. برای مطالعه‌ی اخبار نیاز به تدبر نیست، یک دفعه اخبار را بخوانیم مضمون آن‌را می‌فهمیم. اما آیا کتاب ساینس یا ریاضی و حساب را به همان نحو خوانده می‌توانیم؟ نه! باید خوب غور کنیم، از فکر کار بگیریم. این یک مثال برای تدبر است.
* هرگاه فردی مسئله‌ی را دانست بعدا می‌تواند در مورد آن غور و تدبر کند. لذا برای تدبر در قرآن نیاز داریم که نخست آن را خوب فرا گیریم.
* تذكُّر: پند‌گرفتن ... يعني در زندگی خویش عمل کردن به فرموده‌های آن!
* هرگاه ما به این دو مورد عمل نمائیم، ان شاء الله به وسیله‌ی این کتاب تمام برکت‌های دنیا و آخرت را به دست آورده می‌توانیم.

قبل از صحبت کردن از تدبُّر، رابطه‌ی خویش با قرآن را متوجه شویم:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 1. مستقیم Direct | 1. شخصي Personal | 1. برنامه‌ریزی‌‌ Planned | 1. تعلق Relevant |
| ما هر گاه قرآن‌کریم می‌خوانیم و یا این کلام انسان‌ساز را می‌شنویم به یقین می‌گوئیم کلام خدا می‌باشد. مفهوم گفته‌ی ما اینست که الله متعال مستقیما ما را مورد خطاب قرار داده است. هرگاه اقرار کردیم که الله متعال ما را مستقیما مورد خطاب قرار داده، پس باید یقین داشته باشیم که او می‌بیند بنده‌اش با شنیدن کلام او چه گونه عمل می‌کند؟ | هر آیتی را که می‌خوانیم و یا می‌شنویم باید با این احساس باشد که این آیت برای من است. اینطور نباشد که بگوئیم فلان آیت برای کافران است، فلان در مورد مشرکین است، فلان آیت در باره‌ی منافقین، فلان آیه در مورد مسلمانان مدینه ‌می‌باشد. نه، بلکه همیشه باید در نظر داشته باشیم حتما در این آیت برای شخص ما پیغام و هدایت است. | در دنیائی که هر چیز بر اساس نظم و برنامه است! ما می‌دانیم که هر آیه‌ی قرآن‌مجید برای آنانی است که با غور آن را شنیده و از برنامه‌ریزی‌های ربانی آن منظم استفاده نمایند. | قرآن‌کریم تذكر است. هرگاه قرآن خوانده می‌شود و یا آن را می‌شنویم حتما برای ما پیغامی دارد؛ زیرا تذکر الله متعال نمی‌شود که متعلقی نداشته باشد! ما باید فکر کنیم كه ای پروردگار! تو امروز این سخن را چرا برای ما گفتی؟ |

هرگاه تعلق دانسته شد ... برای تدبّر و تذکّر چند نکته‌ی مهم را به یاد داشته باشیم:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 4. احساس | 3. تصوّر | 2. فهم | 1. توجّه |
| اگر یادی از نعمت‌ها و احسانات الهی باشد با احساس کامل آن را بخوانیم، اگر نامی از بهشت برده شد با اشتیاق و آرزو باشد و اگر ذکری از دوزخ بود با ترس و خوف باشد. | هر گاه یادی از قدرت بی‌چون الله باشد، و یا ذکری از تاریخ باشد آن را خوب تصور کنیم، و نتایج آن را با غور مورد بررسی قرار دهیم. | اگر معانی قرآن را ندانستیم از الله متعال طلب مغفرت کنیم، و هم آن وقت عهد کنیم "از امروز برای فهم و فراگیری قرآن تلاش و کوشش می‌کنیم". | حتی اگر تمام آیت را متوجه نشدیم باز هم با توجه آن را بشنویم، و هر لفظی را که دانستیم برای عمل کردن به آن تمام توان خویش را به کار ببریم. |

**يک روش برای تدبُّر و تذكُّر:**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 4. تبليغ | 3. پلان | 1. احتساب | 1. دعا |
| رسول‌ اللهﷺ فرموده‌اند: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَة: از سوی من حتی اگر یک آیت باشد هم برسانید!» | برنامه‌ی یک روز و یا یک هفته‌ی آینده را به طور منظم بریزیم. | هفته‌ی که گذشت را در پرتو دعا مورد احتساب دهیم. | بخاطر اینکه هر آیت از آیات قرآن کریم برخی خواست‌های از ما دارد، برای تکمیل این خواست‌ها به حضور پروردگار دعا و نیایش انجام دهیم. |

تصور، احساس و دعا در موارد دوازده‌گانه‌ی فوق از همه بیشتر اهمیت دارد. این روش را حالا ما در درسهای بعدی بیان می‌کنیم که چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**گرامر:** الفاظی را که ما می‌نویسیم، می‌خوانیم و می‌شنویم بر سه قسم است: (1) اسم (2) فعل (3) حرف.

**اسم :** نام شیئ، مکان و یا نام و یا صفت انسان است، مانند: رَجُلٌ (مرد)، زَيْدٌ (نام فرد معین)، مُسْلِمٌ (مسلمان) و غیرہ.

**فعل** : که از آن کردن و یا شدن کاری ظاهر شود. مانند: فَتَحَ (باز کرد)، ذَهَبَ (رفت)' يَشْرَبُ (می‌نوشد) و غیرہ.

**حرف** : آنست که اسم و یا فعل را به یکدگر ارتباط دهد، مانند: لَ، مِنْ، عَنْ، مَعَ و غیرہ.

در این درس ما چهار حرف می‌آموزیم:

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| لَ: برای، ...for | | | مِنْ : از، ...from | | | عَنْ: از، درباره‌ی،..in, with | | | مَعَ: به همراه، ...with | | | 4960 دفعه در قرآن کریم آمده است.  برای حفظ کردن معانی این چهار واژه مثالهای آن را خوب فرا گیریم:  لَ: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِين،  مِن: أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَان،  عَن: رَضِيَ اللهُ عَنهُ، عَنِ النَّعِيم  مَعَ: إنَّ الله َ مَعَ الصَّابِرِين  به یاد داشته باشیم هر گاه این حروف با فعل، اسم فاعل و یا اسم مفعول استعمال شود، امکان دارد معنای آن تغییر بیابد.  سه حرف نخست آن از حروف جاره است و حرف آخر ظرف مکان می‌باشد. |
| لَهٗ | | برای او | مِنْهُ | | از او | عَنْهُ | | از او | مَعَهٗ | | با (به همراه) او |
| لَهُمْ | | برای آنها | مِنْهُمْ | | از آنها | عَنْهُمْ | | از آنها | مَعَهُمْ | | با آنان |
| لَكَ | | برای تو | مِنْكَ | | از تو | عَنْكَ | | از تو | مَعَكَ | | با تو |
| لَكُمْ | | برای شما | مِنْكُمْ | | از شما | عَنْكُمْ | | از شما | مَعَكُمْ | | با شما |
| لِي | | برای من | مِنِّي | | از من | عَنِّي | | از من | مَعِي | | به همراه من |
| لَنَا | | برای ما | مِنَّا | | از ما | عَنَّا | | از ما | مَعَنَا | | به همراه ما |
| لَهَا | برای آن زن | | مِنْهَا | از آن زن | | عَنْهَا | از آن زن | | مَعَهَا | به همراه آن زن | |

**درس ششم: قرآن آسان بوده و فراگرفتن آن بهترین کارها است**

با پایان یافتن این درس شما **10** واژه فرا می‌گیرید

که **6002** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَلَقَدْ | | | يَسَّرْنَا | الْقُرْاٰنَ | لِلذِّكْرِ | |
| و به‌راستی | | | آسان نمودیم | قرآن را | برای پند گرفتن | |
| **وَ** | **لَ** | **قَدْ** | **يُسْر :** آسانی  **عُسْر:** مشکل | قُرآن : آنچه زیاد خوانده می‌شود | **لِ** | **الذِّكْر** |
| و | بہ | تحقیق | برای | ذكر |
| لَ: البتہ، يقينًا، برای تاكيد indeed  قَدْ: به تحقیق انجام شده، already، قَدْ قَامَتِ الصَّلوة: نماز بر پا شد  لَ : به راستی indeed (ولقد يسرنا القرآن)  لِ : تا کہ so that (لِيدّبَّرُوا .. لِيتذكر...) | | | (قمر: 17، 22، 32، 40 ) | |
| ترجمه: و به‌راستی قرآن را برای پند گرفتن آسان نمودیم | | | | | | |

* ذِكر دو معني دارد: (1) یاد کردن (2) دانستن و نصیحت‌پذیری. برای فتوی‌‌دادن و استنباط احکام از قرآن لازم است علوم دیگری نیز فرا بگیریم، اما قرآن‌کریم برای اندرزگرفتن بسیار آسان است.
* با عمل به قرآن شکر خداوند را به جا آوریم، با این نیت و برنامه‌ریزی که به زودترین فرصت قرآن را خوب فرا می‌گیریم.
* هر که به شما گفت فراگرفتن قرآن مشکل است، رک و صریح برایش بگوئید این سخن تو مخالف فرموده‌ی الله است. در آینده هرگز به کسی اجازه ندهید این سخن را بر زبان آورد.
* قرآن‌کریم آسان است، اما خود به خود دانسته نمی‌شود، برای حصول این هدف باید تلاش ورزید. در حدیث قدسی‌ای الله متعال فرموده است: «هر که به طرف من قدم‌زده بیاید من به طرفش می‌دوم»، آیا بعد از این هم به سوی الله نمی‌رویم؟
* قرآن خودش آسان، و برای نصیحت‌کردن دیگران نیز آسان است. قرآن‌کریم را خوب فرا گیریم تا اسلوب شیوا و رسای آن و حجت‌ها و دلایلش را به طرز بهتر حفظ کرده و به دیگران نیز رسانده بتوانیم.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| خَيْرُكُمْ | | مَّنْ | تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ | وَعَلَّمَهٗ (صحیح بخارى) | | |
| بہترین شما | | آنست (که) | قرآن آموخت | و آن را به دیگران تعلیم داد | | |
| خَيْرُ | كُمْ | مَنْ: آنست (خَيركُمْ مَّنْ تَعَلَّمَ القرآن وعلّمه)  مَنْ:**کِی، چه کسی؟**  (مَنْ رَبُّكَ؟ سوال نخست قبر) | تَعَلَّمَ : آموخت  عَلَّمَ : آموزش داد | وَ | عَلَّمَ | ه، |
| برترین،بہترین | از شما | و | آموزش داد | آن را |
| ترجمه:بهترین شما آنست که خود قرآن بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد | | | | | | |

* این حديث را امام بخاري روایت نموده است. نخستین مطلبی که از این حدیث دانسته می‌شود اینست که تعلیم و تعلّم قرآن بهترین کارها می‌باشد.
* در این حدیث مبارک نخست سخن از طالبِ‌علم گفته شده، سپس از استاد که این تقدیم خود اکرام محصل علوم قرآنی را می‌رساند. و هم چنین دانسته می‌شود بهترین فرد کسی است که این هر دو کار را انجام دهد؛ یعنی هم خود، قرآن فرا گیرد و هم آن را به دیگران بیاموزد. نکته‌ی جالب دیگری نیز از حدیث مبارک گرفته می‌شود و آن اینکه علومی که از کتاب الله استنباط می‌گردد پایانی ندارد، لذا شایسته است هر فرد تا هنگام مرگ از این کتاب احکام و فوائدی به دست آورد.
* الله متعال هر عمل انسان را می‌بیند، لذا همین اکنون نیت کنیم و با خویشتن عهد نمائیم این سلسله را رها نمی‌کنیم، تمام قرآن را می‌آموزیم و سپس آن را به دیگران آموزش می‌دهیم. تنها روخوانی قرآن نه، بلکه فهم معانی قرآن و تدبّر در آیاتش را نیز فرا می‌گیریم. این کار را به روش اجتماعی انجام می‌دهیم تا پیغام قرآن همگانی شود.

|  |  |
| --- | --- |
| إِنَّمَا الْأَعْمَالُ | بِالنِّيَّاتِ (صحیح بخارى) |
| دار و مدار اعمال | بر نیت‌ها است. |
| إِنَّمَا : بس، صرف، محض (به یاد داشته باشید)  جمع عَمَل = أَعْمَال | بِ + النَّيَّات  جمع نِيَّة = نِيَّات |
| ترجمه:دارومدار اعمال (انحصار قبولیت آن)بر نیت‌ها است. | |

* در روز قیامت قبل از همه سه گروه مورد محاسبه قرار می‌گیرند، که یکی از آن‌ها قاری و معلّم قرآن است که برای ریا و سمعت قرآن آموخته و هم بدین منظور به دیگران ‌آموخته است. برای اینکه نیت درستی نداشته به جهنم انداخته می‌شود؛ زیرا الله متعال عملی که برای ریا و نمایش‌دادن به دیگران انجام گرفته باشد را نمی‌پذیرد.
* ان شاء الله ما تنها و تنها برای رضای الله متعال قرآن را فرا می‌گیریم، تا آن را آموخته و معانی آن را دانسته و به آن عمل کنیم.
* قرآن را به این هدف فرا می‌گیریم که برای رضای الله به دیگران نیز آن را بیاموزیم؛ زیرا اکثریت قاطع مردم از فهم معانیِ قرآن دور هستند. و نیز به این خاطر فرا می‌گیریم که امت اسلامی را بر اساس قرآن و سنت یک‌جا و متحد نمائیم.

نکته‌ی مهم: سه واژه‌ی ذیل: 2071 دفعه در قرآن‌کریم آمده است. برای حفظ آن مثالهای مشهوری از همان الفاظ آورده شده است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إنْ: اگر | إنَّ: همانا | إنَّمَا: تنها، صرف ، محض |
| إِنْ شَاءَ الله | إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرين | إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ |

**گرامر**: در این درس ما برخی دیگر از حروف جر را می‌آموزیم.

**حرف**: واژه و یا کلمه‌ای است که اسم یا فعل را با هم ارتباط دهد، همانند: بِ، فِي، عَلَى، اِلَى و غیرہ.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| بِ: به، با | | | فِي : در | | | عَلَى: بر | | | | إِلَى: به سوی | | | برای حفظ معانی چار حرف جر که اینجا بطور مثال آورده‌ایم مثال‌های آن را نیز به خوبی حفظ کنید.  بِ: بِسْمِ الله  فِي: فِي سَبِيلِ الله  عَلَى: السَّلامُ عَلَيْكُمْ  إِلَى: إنَّا ِللهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُون  به یاد داشته باشیم چون این حروف جر با اسم فاعل و یا اسم مفعول بیاید امکان دارد که معنای آن تغییر یابد. |
| with, in | | | In | | | on | | | | to, toward | | |
| بِهٖ | | به او | فِيهِ | | در آن | عَلَيْهِ | | | بر او | إِلَيْهِ | | به او/ به سوی او |
| بِهِمْ | | به آنان | فِيهِمْ | | در آنها | عَلَيْهِمْ | | | بر آنان | إِلَيْهِمْ | | به سوی آنان |
| بِكَ | | به تو | فِيكَ | | در تو | عَلَيْكَ | | | بر تو | إِلَيْكَ | | به سوی تو |
| بِكُمْ | | به شما | فِيكُمْ | | در شما | عَلَيْكُمْ | | بر شما | | إِلَيْكُمْ | | به سوی شما |
| بِي | | به من | فِيَّ | | در من | عَلَيَّ | | | بر من | إِلَيَّ | | به سوی من |
| بِنَا | | به ما | فِينَا | | در ما | عَلَيْنَا | | | بر ما | إِلَيْنَا | | به سوی ما |
| بِهَا | به آن زن | | فِيهَا | در (باره‌ی) آن زن | | عَلَيْهَا | بر آن زن | | | إِلَيْهَا | به سوی آن زن | |

**درس هفتم: دعای آموختن و روش آموزش**

با پایان یافتن این درس شما **7** واژه فرا می‌گیرید

که **1295** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

1. مکررا دعا کنیم:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| رَّبِّ | زِدْنِىْ | | عِلْمًا |
| ای پروردگارم! | بیفزا برایم | | دانش |
| رَبّ:ذاتی که مراقب همه چیز باشد،  پرورش دهنده. | زِدْ | نِىْ | سورہ ‌ی طہ: 114 |
| بیفزا | برایم |
| ترجمه: ای پروردگارم! بر دانشم بیفزا. | | | |

* نیایش فوق در سوره‌ی طه آمده است، این دعا را الله متعال برای پیامبرش آموزش داده، به ویژه برای آموختن و حفظ قرآن کریم. لذا برای ما شایسته است این دعا را به کثرت بخوانیم. و به این نیت بخوانیم که الله متعال برای ما توفیق آموختن قرآن و عمل به آموزه‌های ناب آن را عطا فرماید.
* در پهلوی دعا بر ما لازم است که برای آموختن قرآن‌کریم وقت زیاد بدهیم، وگرنه تنها دعا کردن و اهمالِ جانب تلاش و کوشش به مسخره‌گرفتنِ دعا است. تصور کنیم شاگردی به حضور الله بزرگ برای کامیابی‌اش صرف دعا کند، اما به مکتب نرود و نه هم کتابی بخواند، آیا در دعایش صادق است و در امتحان کامیاب می‌شود؟.
* چرا دانش فرا می‌گیریم؟ علم به این خاطر می‌آموزیم که بدان عمل نمائیم (به طور شخصی و هم اجتماعی) و آن را گسترش دهیم.
* شخصی که از چند روز گرسنه باشد، چگونه درخواست طعام می‌کند؟ و یا شخص مریض یک روز قبل از جراحی بزرگ، چگونه به حضور الله بزرگ زاری و نیایش می‌کند؟ با عجز و ناله و به طور مکرر ... . پس با همین اسلوب از الله متعال بخواهیم که ما را از بیماری جهالت برهاند و برایمان علم عطا فرماید (که فراگرفتن قرآن بزرگترین علمها است).

1. ازقلم (و وسائل دیگر) استفاده کنید:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| الَّذِىْ | عَلَّمَ | بِالْقَلَمِ | |
| ذاتی که | آموخت | با قلم (العلق: 4) | |
| الَّذِىْ : ذاتی که  **الَّذِي : الَّذِين**(جمع) | **عَلِمَ**: دانست،  **عَلَّمَ**: آموخت | **بِ** | **الْقَلَم** |
| با | قلم |
| ترجمه: ذاتی که (به انسان، نوشتن) با قلم (را) آموخت. | | | |

* لذا فورا قلم را بردارید! قبل از این نیز شما ملیون‌ها واژه نوشته اید، و اکنون برای فراگرفتن قرآن و عربی قلم بر دارید. این کار را عادت خویش بگردانیم. اگر ما به نوشتن عادت کنیم نیاز داریم مطالعه کنیم، بشنویم و بدانیم.
* از امروز تعهد کنیم همه روزه علی الأقل پنج دقیقه معانی الفاظ و صیغه‌های گرامری را بنویسیم، نه این که فقط بنویسیم بلکه با اشتیاق و اخلاص کامل این کار را انجام دهیم.
* کجا بنویسیم؟ در دفترچه‌ی یادداشت. لذا بیائید نوشته‌های‌مان را نگهداری کنیم. با نوشته‌های مان بکوشیم کتابخانه‌ی شخصی ایجاد کنیم.
* امروزه متأسفانه امت از علوم قرآنی بهره‌ای کمتری دارند، حال آنکه نخستین آیه‌ی قرآن‌کریم در مورد خواندن نازل شده است: **﴿ ﴾** (ای محمدﷺ) بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید.

1. با اشتیاق فراوان مسابقه بدهید!!!

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| اَيُّكُمْ | | اَحْسَنُ | عَمَلًا٪ط |
| کدام‌یک از شما | | بهتر است | در عمل |
| اَيُّ | كُمْ | حَسَن : **خوب**  أحْسَن : **بهترین** |  |
| کدام یک | از شما |
| ترجمه: عمل کدام‌یک از شما بهتر است؟ | | | |

* هنگام نمازخواندن و دیگر عبادات کدام یک از ما بهتر است؟ در خانه‌ و زندگی فامیلی کِی برتر است؟ در محل کار و زندگی اجتماعی چه کسی بهتر است؟ در کارهای شخصی چه کسی والاتر است؟ در کارهای دینی- اجتماعی (اصلاح امت، دعوت، امر بالمعروف و نهي عن المنكر) کی تلاش بیشتر دارد؟
* و در اینجا در کلاس آموزش قرآن چه کسی از دیگران نشاط بیشتری دارد؟ الله متعال تمام تلاش‌های ما را مشاهده کرده و می‌بیند!! برای بدست آوردن رضای او تلاش همه جانبه داشته باشیم.
* شیطان فتنه‌ها را شعله‌ور می‌گرداند. چرا؟ برای اینکه شما آموختن قرآن را شروع کرده‌اید. و او تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرد که شما را از این کار نیک باز دارد. به یاد داشته باشید شیطان تجربه‌ی فراوانی دارد، اما کمک الهی با شما است. فرشته‌ها نیز آماده اند، قلم آنان نیز برای نوشتن اعمال شایسته‌ی شما آماده است. آیا شما نیز آمادگی عمل را دارید؟

**گرامر:**  در درسهای گذشته ما 7 حرف جر خوانده بودیم. چند تذکر مهم در باره‌ی این حروف:

1. ترجمه‌ی حرفِ جر که به همراه فعل بیاید، منحصر به اصل زبان و زبان ترجمه است؛ زیرا هر زبان قواعد ویژه‌ی خود را دارد. مثلاً:   
   **آمَنْتُ بِاللهِ**: من به الله ایمان آوردم: I believed in Allah . این سه جمله در سه زبان مختلف یک مطلب را بیان نموده است اما در هر زبان یک حرف جر استعمال شده است.
2. گاهی در زبان عربی به حرف جر نیاز پیدا می‌شود اما در زبانهای دیگر نیاز پیدا نمی‌شود! مانند **اِغْفِرْ لِي** : forgive me (در اینجا ترجمه‌ی " لِ" نیامده است!).

هنگام ترجمه‌ی انگلیسی **يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ** واژه‌ی "در" نمی‌‌آید، يعني: (entering the religion of Allah).و گاهی در زبان عربی نیازی به حرف جر نیست مگر در زبان‌های دیگر نیاز پیدا می‌شود، مانند: **وَارْحَمْنِي:** و بر من رحم فرما (در اینجا واژه‌ی "بر" را زیاد می‌کنیم). و در **قِنِي عَذَابَكَ**: از عذاب خویش راهئیم ده (واژه‌ی "از" را اضافه می‌کنیم).

1. با تغییر حرف جر معنی نیز تبدیل می‌شود، مانند: با چوب زد یا چوب را زد. (get, get in, get out, get on, get off)
2. آنگاه که حرفِ جر بر اسمی داخل شود، بر اسم دو زیر می‌آید، مانند: فِي كِتَابٍ، إِلَى بَيْتٍ.  
   و اگر به همراه اسم، الـ (تعریف) باشد یک کسره می‌آید، مانند: فِي الْكِتَابِ، إِلَى الْبَيْتِ، بِاللهِ، لِلهِ، مِنْ الشَّيْطَانِ.

کدام حرف جر در کجا می‌آید، کدام واژه ترجمه‌ی کدام حرف است؟ اینها همه در ترجمه موجود است. به فکر انس بیشتر با قرآن باشیم، ان شاء الله هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد.

**اسمای اشارہ:** (Demonstrative Pronouns): در هر زبان برا ی اشاره نمودن الفاظ ویژه‌ای موجود است، مانند واژه‌های: "این" "اینها" "آنها " در زبان فارسی.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هٰذَا | این | این چهار واژه در قرآن‌کریم**902** بار آمده است. بعد از دانستن این الفاظ چهارگانه آن را توسط روش TPIتمرین نمائید: هنگام گفتن هذَا، هؤُلآءِ با یک انگشت و چهار انگشت به کتاب‌های که زیر دست شما قرار دارد اشاره کنید. هنگام گفتن ذلِكَ، أُوْلئِكَ با یک انگشت و چهار انگشت، مگر نه به طرف راست که از هُوَ، هُمْ است، و نه به جانب مقابل که ویژه‌ی أَنْتَ، أَنْتُمْ است بلکه بین هر دو اشاره کنید. پنج دقیقه تمرین، برای شما الفاظی که**902** بار در قرآن‌کریم آمده است را می‌آموزد. إن‌شاء الله! |
| هٰؤُلآءِ | این‌ها |
| ذٰلِكَ | آن |
| أُولـٰئِكَ | آنها |

**درس هشتم: سورة العصر**

**پیشکش:** در این سوره‌ی بسیار کوچک روش نجات انسان از ضرر و زیان تشریح شده است.

با پایان یافتن این درس شما **4** واژه فرا می‌گیرید

که **1029** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |
| --- |
| وَالْعَصْرِ ٪﴿1٪﴾ۙ |
| سوگند به روزگار |
| وَ دو معنی دارد: (1) و (2) سوگند است. عصر: زمانه (مثال فارسی: عصرِ حاضر) |

* تعدادی از سوره‌های قرآن با سوگند شروع شده است، مانند: وَالْفَجْر، وَالضُّحَى، وَاللَّيْل وَالنَّجْم، وَالسَّمَاء، و غيره.
* سوگند به زمانه؛ زیرا روزگار بر کارهای که صورت می‌پذیرد شاهد است.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اِنَّ | الْاِنْسَانَ | لَفِىْ خُسْرٍ ٪﴿2٪﴾ۙ | | |
| بی‌گمان | انسان | در زیان است. | | |
| اِنَّ در قرآن 1297 بار آمده است!  مثال آسان: إن اﷲ َمَعَ الصَّابِرِين  همانا الله با صابران است. | نَاس جمع اِنْسَان | لَ | فِي | خُسْر |
| البته indeed | در | خساره، زیان |
| ترجمه: که بی‌گمان انسان‌ها در زیان هستند. | | | | |

* در اینجا سه دفعه تأکید شده است: (1) وَ: (برای) قسم (2) إنَّ (3) لَ
* تأکید چهارمی نیز به صورت إلّا وجود دارد. در این صورت اگر از 100 طالب علم 95 تای آنها ناکام شوند ما نمی‌گوئیم که همه کامیاب شدند مگر 95 تا! الله متعال هنگامی که فرمود انسان در زیان است، ما باید با شنیدن این آیه‌ی کریمه تلاش ورزیم خویشتن را از خساره و زیان برهانیم.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اِلَّا | الَّذِيْنَ | اٰمَنُوْا | وَعَمِلُوا | الصّٰلِحٰتِ |
| مگر | کسانی که | ایمان آوردند | و انجام دادند | (کارهای) شایسته و پسندیده |
| لاَ إِلهَ إِلّا اﷲ  به جز الله معبودی دیگری نیست | صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ  راه کسانی كه به آنان نعمت داده‌ای | امَنُواایمان آوردند  فارسی: ايمان، مؤمن | عَمِلُوا:انجام دادند | الله متعال کدام اعمال را می‌پذیرد، زشت یا نیک ؟  لذا معنای صالحات: (کارهای) نیک است |
| ترجمه: مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند | | | | |

* ای الله مهربان! ایمان صحیح و عقیده‌ی درست به ما عطا فرما! ما ایمان داریم مگر چگونه ایمانی؟ در اثنای کارهای روزمره خداوند را چقدر به یاد می‌آوریم؟.
* ایمان ما به آخرت و به غیب (به طور ویژه دو فرشته‌ای که با انسان است و شیطان و جن) چگونه است؟ ایمان به تقدیر و کتاب چطور است؟ آیا صرف صحبت ایمان است یا علاقه و ارتباطی با آن نیز وجود دارد؟
* در قرآن‌کریم تفصیل مسایل ایمانی آمده است، و قرآن ایمان را مستحکم می‌گرداند، احادیث نیز در این راه کمک می‌کنند.
* تنها ایمان کافی نیست، عمل نیز همراه آن لازم است. نماز، روزه، زكوة، اخلاق، دعوت، امر بالمعروف ونهي عن المنكر در عمل شامل اند.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَتَوَاصَوْا | | بِالْحَقِّ٪لا۟ | | وَتَوَاصَوْا | | بِالصَّبْرِ ٪﴿3٪﴾ۧ |
| و یکدیگر را سفارش کردند | | به حق (توحید) | و یکدیگر را سفارش کردند | | به شکیبایی | |
| وَ | تَوَاصَوْا | حَقّ **:** راستی | تَدَارَسُوا : یک‌دیگر را درس دادند  **تَوَاصَوْا :** یکدیگر را سفارش کنند | | صَبْر: ثابت قدمی، استقلال، پایداری | |
| و | یک‌دیگر را وصیت کردند |
| ترجمه: و یکدیگر را به حق (توحید) و شکیبایی سفارش کنند | | | | | | |

* صرف إیمان‌آوردن و عمل نیکو کافی نیست، بلکه در پهلوی آن تواصی بالحق و تواصی بالصبر نیز لازم می‌باشد. این گفته غلط است که دوستِ الله به کسی کاری ندارد. اگر با مردم تعامل نداشته باشد چطور می‌تواند تواصی را انجام دهد؟ تمام قرآن کریم مملوء از این است که انبیای کرام چگونه تواصی بالحق و تواصی بالصبر نمودند، گویا قرآن ما را بر این کار تمرین می‌دهد.
* حق را در کجا بدست آورده می‌توانیم؟ حق و حقیقت را صرف در قرآن و سنت می‌توانیم بیابیم. اگر قرآن را ندانیم این مطالب چطور در ذهن ما جا بگیرد؟ و به مردم دیگر چی می‌گوئیم؟ آنگاه که حق معلوم شد، انسان بر آن عمل می‌کند و در پهلوی حق قرار می‌گیرد و حقیقت‌جویان را اعانت می‌کند.
* آنگاه که به فرزند خود می‌گوئیم «علم بیاموز»، پلان دقیق داریم که به مکتب برو، بعدا پوهنتون/ دانشگاه بخوان و ... . آیا برای تواصی بالحق نیز این گونه برنامه‌ریزی جامع داریم؟.
* در این جا صیغه‌ی جمع آمده است، یعنی: «انسانهای که این کار را انجام دهند». این جمله اجتماعیت و کار دسته‌جمعی را به ما می‌آموزد، در اسلام باید شانه به شانه‌ی یکدیگر کار کنیم، تواصی به تنهائی مؤثر شده نمی‌تواند.
* هدف از کار انفرادی ما چی است؟ اصلاح و دعوت. مقصد اجتماعی ما کدام است؟ دعوت إلی الله، شهادت علی النّاس، اعلای كلمة الله.
* یکی از صورت‌های مهم تواصي بالحق: دوستان خویش را انتخاب کنیم و مداوم یکدیگر را به این کلاس تذکر دهیم، همت خویش را بلند ببریم، فضیلت بردباری را بیان کنیم.
* انواع سه‌گانه‌ی صبر: صبر بر نیکی، صبر بر اجتناب از گناهان، بردباری در مقابل تحمل مشکلات.

**گرامر:** ما قبلا در باره‌ی حروف جر خوانده بودیم، در این درس درباره‌ی فعل می‌خوانیم. فعل کلمه‌ای است که کردن کار یا شدن کاری از آن ظاهر گردد. مثلاً فَتَحَ (باز کرد)، ذَهَبَ (رفت)، يَشْربُ (می‌نوشد) و غیره.

تمام کلمات زبان عربی (اسم باشد یا فعل) تقریبا از سه حرف درست می‌شود، مانند: فَ عَ لَ، ن ص ر ، ض ر ب و غیره.

در زبان عربی به طور اصولی دو زمانه می‌باشد: ماضی و مضارع. در این درس ما شش صیغه‌ی داده‌شده‌ی فعل ِماضی (زمان گذشته) را به وسیله‌ی TPI تمرین می‌کنیم. این روش در ذیل داده شده است.

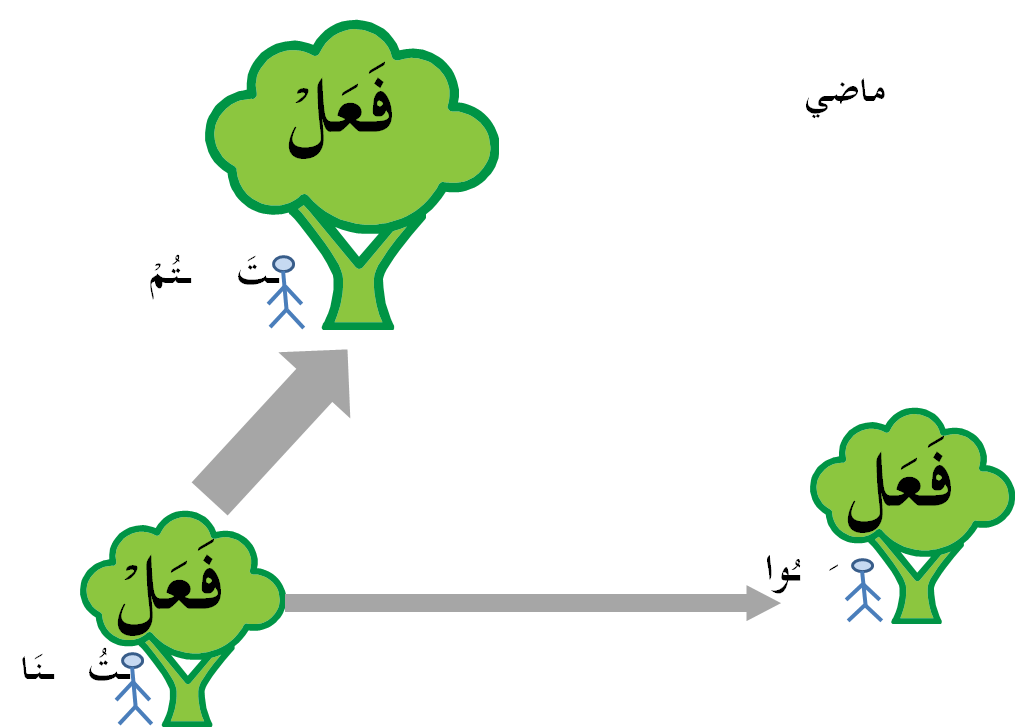
* هنگامی که **فَعَلَ** (او انجام داد) می‌گوئید انگشت تشهد دست راست خویش را به جانب راست اشاره کنید، گویا آن شخص در جانب راست شما نشسته است. و هنگامی که **فَعَلُوا** (آنها کردند) گفتید هر چهار انگشت دست راست را به جانب راست اشاره کنید.
* چون **فَعَلْتَ**  (تو کردی) گفتید انگشت تشهد دست راست خویش را به جانب فردی که مقابل شما نشسته است اشاره کنید. بعدا وقتی که **فَعَلْتُمْ** (شما کردید) گفتید با هر چهار انگشت دست راست به جانب مقابل اشاره کنید. اگر در کلاس درسی بودید استاد به سوی شاگرد و شاگرد به طرف استاد خویش اشاره کند.
* وقتی که **فَعَلْتُ**  (من کردم) گفتید انگشت تشهد دست راست خویش را به جانب خود اشاره کنید. و هنگامی که **فَعَلْنَا** (ما کردیم) گفتید با هر چهار انگشت دست راست خویش به جانب خود اشاره کنید.

font صیغه‌های فعل ماضی را *italic* گذاشتیم، برای اینکه الفاظ آن را تشخیص داده باشیم.

در حالت‌های مختلف فعل ماضی حروف اخیرصیغه‌های (غائب، حاضر، یا متکلم برای: واحد، مُثَنَّی و جمع) آن را تغییر می‌دهیم. با تغییر این حروف دانسته می‌شود که این فعل واحد است یا جمع، حاضر است یا متکلم و غیره. برای تسهیل دانستن این مطلب از تصاویر استفاده شده است. اگر شما در خیابانی ایستاده باشید صرف قسمت آخر یک موتر/ ماشین، جیپ و یا تویوتا را می‌بینید، با دیدن حصه‌ی اخیر یک وسیله‌ی نقلیه شما گفته می‌توانید وسیله‌ی که گذشت از کدام نوع بود- اگر شما بر خط پرواز ایستاده باشید صرف قسمت آخر طیاره‌ی که پرواز کرده باشد (رفته باشد = گویا ماضی شده) را مشاهده می‌کنید. که بعد از آن این تغییرات (-، وا، تَ، تُمْ، تُ، نَا) گفته می‌شود.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **Past Tense** فِعْل مَاضِي | | No. | Person |
| او کرد (انجام داد) | *فَعَلَ* | sr. | 3rd |
| آنها کردند | *فَعَلُوا* | pl. |
| تو کردی | *فَعَلْتَ* | sr. | 2nd |
| شما کردید | *فَعَلْتُمْ* | pl. |
| من کردم | *فَعَلْتُ* | sr. | 1st |
| ما کردیم | *فَعَلْنَا* | dl.,  pl. |

- وْا، تَ، تُمْ، تُ، نَا .

****

با یک مثال دیگر نیز شما آن را حفظ کرده می‌توانید. فرض کنید کسی درخت میوه‌داری غرس کرده باشد. حالا آن درخت (که کار آن شخص است) خوب بلند شده، و آن شخص در سایه‌ی آن ایستاده است. نخستین چیز مهم که مشاهده می‌کنیم (فعل) است، و بعد از آن شخصی که آن را کرده (انجام داده) است. اگر چند نفر درخت غرس کرده باشند کار آنها (فعل) و بعدا علامت "وا" يعني فَعَلُوا. همین طور اگر خود شما این کار را کرده باشید، ما فَعَلْتَ می‌گوئیم، نخست فعل و بعدا "تَ" از اَنْتَ يعني فَعَلْتَ. اگر همه‌ی تان مشترکه انجام داده باشید، نخست فعل و بعدا "تُم" از أَنْتُم، يعني فَعَلْتُم. همین طور اگر من کرده باشم نخست فعل و بعدا تُ يعني فَعَلْتُ. و در اخیر برای ساختن جمله‌ی: «ما کردیم» به فعل و نا برای جمع (نَحْنُ) نیاز داریم، يعنی: فَعَلْنَا.

اگر هدف نفی کردن کاری باشد (مثلا: او نکرد، من نکردم، ما نکردیم، ...) در این صورت می‌گوئیم: مَا فَعَلَ، مَا فَعَلُوا، مَا فَعَلْتَ، مَا فَعَلْتُمْ، مَا فَعَلْتُ، مَا فَعَلْنَا.

**درس نهم: سوره ی النصر**

**مقدمه:** از عبد الله بن عبّاس رضي الله عنه روايت شده که سوره‌ی النصر آخرین سوره‌ی قرآن مجيد است (صحیح مُسلم، سنن نسائي). يعني بعد از این هیچ سوره‌ی کامل دیگری بر رسول الله ﷺ نازل نشده است.

با پایان یافتن این درس شما **3** واژه فرا می‌گیرید

که **935** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| اِذَا | جَآءَ | نَصْرُ اللهِ | | وَالْفَتْحُ ٪﴿1٪﴾ۙ | |
| هنگامی | فرا رسد | یاریِِ | اﷲ | و پیروزی (فتح مکه) | |
| إِذْ، إِذَا: آنگاه | جَاءَ: آمد إِذَا جَاءَ : هنگامی که بیاید  هر گاه بعد از إذا ماضی بیاید معنای آن به مضارع تبدیل می‌شود. | نَصْر : یاری، نصرت | | وَ | **الْفَتْحُ** |
| و | پیروزی، کامیابی و بازشدن |
| ترجمہ : هنگامی که یاریِ الله و پیروزی (فتح مکه) فرا رسد. | | | | | |

* مراد از نصرت غلبه‌ی حق و مراد از فتح، فتح مکه است. و چون پیروزی‌ها تنها به یاریِ پروردگار صورت می‌پذیرد نصرُالله گفت.آنگاه که مسلمانها همه چیز را در راه الله تقدیم می‌کنند آنگاه نصرت الهی نیز نازل می‌شود.
* دعا: ای الله مهربان! به ما نیز نصرت و پیروزی عطا فرما.
* خویشتن را مورد محاسبه قرار دهیم که ما برای نصرت دین الهی چه کارهای انجام داده ایم؟ نبي‌کریم صلي الله عليه وسلم همه‌ی زندگی شان را وقف نمودند، آنگاه بعد از 23 سال این آیات کریمه نازل شد!!
* امروز، این هفته در اینجا چکار کرده می‌توانیم؟ برنامه‌ی فردی و دسته‌جمعی درست کنیم تا پیروز و سرفراز شویم. برای پیشبر کارهای دینی وقت، پول و امکانات خویش را به مصرف برسانیم.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَرَاَيْتَ | | النَّاسَ | يَدْخُلُوْنَ | فِىْ دِيْنِ اللهِ | | | اَفْوَاجًا ٪﴿2٪﴾ۙ |
| و تو ببینی | | مردم را | وارد می‌شوند | در دینِ الله | | | گروه‌گروه |
| وَ | رَأَيْت | ناس جمع إِنْسَان | دُخُول: داخل شدن  خُرُوج: بیرون آمدن | فِىْ | دِيْنِ | اللهِ | جمع فَوْج = أَفْوَاج |
| و | تو ببینی | در | دین | اﷲ |
| و تو ببینی | | دین : روش گذراندن زندگی | | |
| ترجمہ : و مردم را ببینی که گروه‌گروه وارد دین الله می‌شوند (بدان که زمان مرگت نزدیک شده است). | | | | | | | |

* دين دو معنی دارد: (1) پاداش (2) سیستم یا روش گذراندن زندگی
* برای فتح و نصرت كدام نتیجه ذکر شده است؟ داخل شدن مردم در دین. آیا ما با این نیت فتح می‌خواهیم که برای هدایت مردم راه‌ها را باز و آماده کنیم؟ آیا ما در شرایط کنونی برای هدایت مردم کار دعوت و اصلاح را به پیش می‌بریم؟

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| فَسَبِّحْ | | بِحَمْدِ | | رَبِّكَ | | وَاسْتَغْفِرْهُ٪نبيؕ | | |
| پس به پاکی یاد کن | | با حمد و ستایش | | پروردگارت را | | و از او آمرزش بخواه | | |
| فَ | سَبِّحْ | بِ | حَمْدِ | رَبِّ | كَ | وَ | اِسْتَغْفِرْ | هُ |
| پس | به پاکی یاد کن | با | حمد و ستایش | پروردگار | خود را | و | آمرزش بخواه | از او |
| تسبيح : نفی نقائص | | حمد : ستایش/ بیان خوبی‌ها | | پروردگار خود را | | الفاظ دیگر مستفاد در فارسی: استغفار، مغفرت، غفور ، مغفور | | |
| ترجمہ : پس پروردگارت را با حمد و ستایش به‌پاکی یاد کن و از او آمرزش بخواه. | | | | | | | | |

* «سبحان الله»، يعني الله از تمام عیوب و نقایص پاک و مبرّا است. یعنی در ذات او کوچکترین نقص و کمی‌ای راه ندارد. الله به کمک کسی نیاز نداشته و نه هم کسی بر او فشاری وارد کرده می‌تواند. نه فرزندی دارد و نه از کسی زاده شده. او تعالی در ذات، صفات، الوهیت، ربوبیت، حقوق، اختیارات و توانائی‌ها یکتا است.
* اگر ما «سبحان الله» می‌گوئیم، این معنا را نیز دارد که ما از ورقه‌ی زندگی کاملا راضی‌ هستیم، ما از الله کوچکترین شکایتی نداریم. صرف این قدر دعا می‌کنیم که آزمایش‌های زندگی را برای ما آسان کند.
* حمد و تسبیح ما هر دو ناقص است، بر این نیز باید استغفار نمائیم. و هر گاه توفیق کار نیک و مبارکی را یافتیم باید ستایش و تسبیح الله متعال را به جا آورده و از کوتاهی‌ها و نواقص استغفار کنیم.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| اِنَّهٗ | | كَانَ تَوَّابًا ٪﴿3٪﴾ۧ | |
| بی‌گمان او | | توبه‌پذیر است | |
| اِنَّ | هٗ | كَانَ | تَوَّابًا |
| بی‌گمان | او | بود | توبه‌پذیر |
| **معنای «إِنَّ» برای تأکید،** إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرين | | كَانَ : بود مفهوم کانَ در اینجا: است  تَابَ**:** باز گشت تَائِب**:** رجوع‌کننده تَوَّاب**:** بسیار توبه‌پذیر | |
| ترجمہ : بی‌گمان او تو‌به‌پذیر است. | | | |

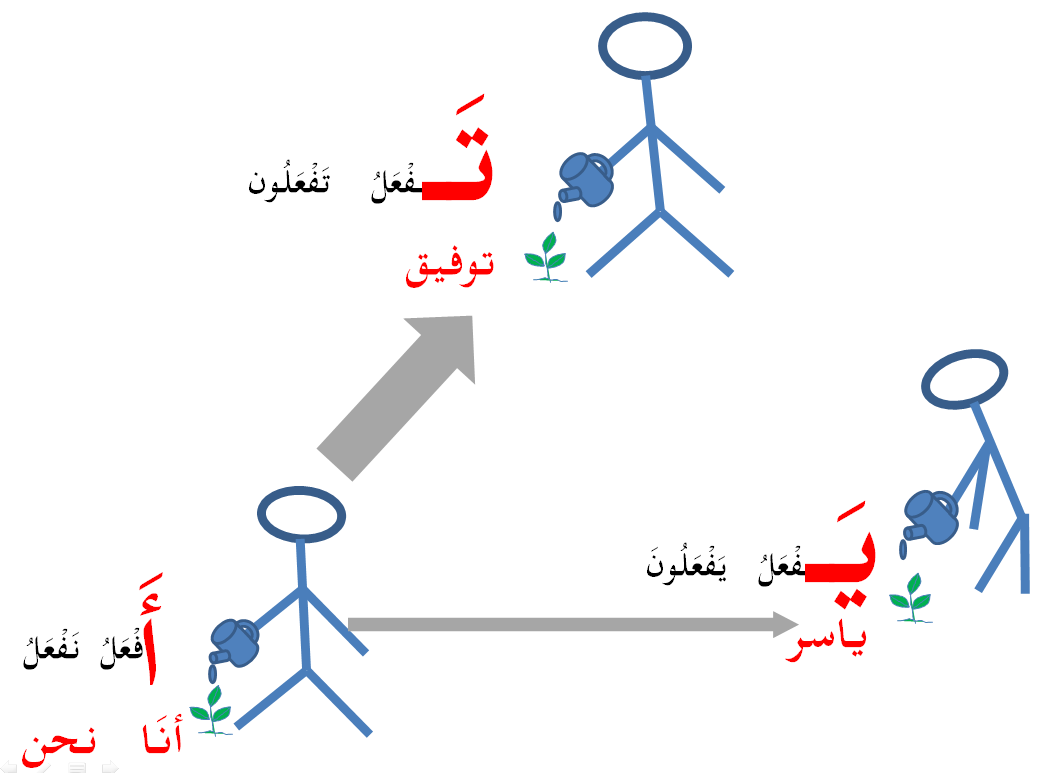
* این خبر خوشِ بزرگی برای ما گنهکاران است. هر گز نباید از رحمت الهی مأیوس شویم. از صدق دل توبه نمائیم (یعنی اعتراف به گناه، احساس ندامت و شرمندگی و عزم بر ترک همیشگی آن) و به قبولیت توبه‌ی‌مان یقین داشته باشیم.
* مثال: اگر ما گرسنه باشیم، و فردی بگوید من صدها نفر را غذا می‌دهم آیا فورا نمی‌گوئیم که برای ما نیز طعام بده! در اینجا نیز وعده‌ی قبولیت توبه است، پس فورا توبه کنیم، و از الله بخواهیم گناهان ما را عفو فرماید.

**گرامر:** حال و مستقبل هر دو در فعلِ مضارع داخل اند.

در این درس ما شش صیغه‌ی داده شده‌ی فعل مضارع را به وسیله‌ی TPI تمرین می‌کنیم. این روش در صفحه‌ی بعدی آمده است.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **فعل مضارع را با استفاده از روش TPI تمرین کنید چنانچه قبلا در فعل ماضی انجام دادید.** البته این تفاوت را به یاد داشته باشید که هنگام تمرین فعل مضارع، اشاره‌ی دست به سطح چشم بوده و صدا بلند باشد. (هنگام تمرین فعل ماضی اشاره به سطح سینه بوده و صدا پائین باشد).  **Fonts** صیغه‌های فعلِ **ماضی *CITALI* شده بود، اما برخلاف آن صیغه‌های فعل مضارع** (upright) نگه داشته شده، گویا این کار در حال انجام شدن است و یا به زودی انجام خواهد شد.  **ویژگیِ صیغه‌های فعلِ مضارع:** بر عکس فعل ِماضی تغییر مهم صیغه‌های فعل مضارع در قسمت جلوِ آن نمودار می‌شود. این تغییرات (ی، تَ، أَ، نَ) (گویا حاضر یا مستقبل) در قسمت جلوِ طیاره/هواپیمای در حال فرود نشان داده شده است. این دو عکس به خاطر این آورده شده تا برای فرد مبتدی ذهن‌نشین شود که تغییر در آخر صیغه‌های فعل ماضی و در قسمت جلو و ابتدای صیغه‌های فعل مضارع نمودار می‌شود. | فِعْل مُضَارِع **Imperfect tense** | |  | No. | Person |
| او انجام می‌دهد (اکنون)  او انجام خواهد داد (مستقبل) | يَفْعَلُ | | *sr.* | *3rd* |
| وہ کرتے ہیں  وه كريں گے | يَفْعَلُونَ | | *pl.* |
| آپ کرتے ہیں  آپ كريں گے | تَفْعَلُ | | *sr.* | *2nd* |
| آپ سب کرتے ہیں  آپ سب كريں گے | تَفْعَلُونَ | | *pl.* |
| میں کرتا ہوں  ميں كروں گا | أَفْعَلُ | | *sr.* | *1st* |
| ہم کرتے ہیں  هم كريں گے | نَفْعَلُ | | *dl.,*  *pl.* |

|  |
| --- |
| يَ تَ أَ نَ |



برای یادگرفتن فعلِ مضارع یک روش دیگر نیز به خاطر سپرده می‌شود. برای یادگرفتن آن فردی به اسم اسامه را تصوّر نمائید که در جانب راست شما یک گُل کاشت می‌کند. (به یاد داشته باشید که در فعل ماضی ما درخت را مثال آورده بودیم؛ زیرا در آنجا کار انجام گرفته بود). اسامه در برابر گل کوچک بزرگ دیده می‌شود. لذا اسامه را در ذهن داشته باشید که اسامه يَفْعَلُ. اگر چند اسامه در یکجا کار کنند حتما صداهای شنیده می‌شود که . . وون، وون! لذا صیغه‌ی آن جمع می‌آید: يَفْعَلُون.

همین‌طور عثمان را در جلو چشم خویش قرار دهید که در حال کارکردن است یعنی هم اکنون گل را کاشت می‌کند. عثمان در مقابل گل خیلی بزرگ دیده می‌شود، و ما عثمان را با تَفْعَلُ مورد خطاب قرار می‌دهیم. و اگر چند نفر باشند: تَفْعَلُون.

من تنها أنا هستم، لذا با أنا أفعل و با نون نحن نفعل را به خاطر می‌سپاریم. فراموش نکنیم که در این‌جا نفعلون نمی‌آید، نون قبلا آمده. اینجا صِرف نفعل است.

اگر صحبت تنها از نفی باشد، ما می‌گوئیم: لاَ يَفْعَل، لاَ يَفْعَلُونَ، لاَ تَفْعَل، لاَ تَفْعَلُونَ، لاَ أَفعَلُ، لاَ نَفْعَلُ. گه‌گاهی واژه‌ی: «مَا» نیز به کار گرفته می‌شود.

**درس** دهم**: سورة الإخلاص**

با پایان یافتن این درس شما **2** واژه فرا می‌گیرید

که **432** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

**پیشکش:** این سوره اگرچه خیلی قصیر است اما یکی از مهمترین سوره‌های قرآن‌کریم به شمار می‌رود. این سوره را در نماز صرف به این خاطر نخوانیم که سوره‌ی کوتاه است، بلکه اهمیت‌های ذیل آن را در نظر داشته باشیم:

(1). این سوره‌ی مبارکه معادل یک ثُلث قرآن‌کریم است، (2). این سوره بهترین پاسخ برای این سوال است: ما که را پرستش کنیم، یا کی می‌تواند معبود باشد؟، (3 )خواندن این سوره به همراه هر دو سوره‌ی آخری یک‌مرتبه بعد از هر نماز و سه دفعه بعد از نماز مغرب و فجر سنت رسول اللهﷺ است.

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| قُلْ | هُوَ | اللهُ | اَحَدٌ ٪﴿1٪﴾ۚ |
| بگو (ای محمد ج): | او | اﷲ | یکتاست |
| قُلْ : صدها بار در قرآن‌کریم آمده است |  |  | أَحَدٌ : یگانه، یک‌تا |
| ترجمہ : بگو: او، الله یکتاست (که در ذات و صفاتش، یگانه می‌باشد). | | | |

* هیچ انبازی در ذات الله وجود نداشته، و خداوند با کسی خویشاوندی ندارد.
* هیچ شریکی در صفات الله وجود ندارد، به طور مثال احدی جز الله غیب را نمی‌داند، هیچ کس همانند او تعالی شنیده، دیده و کمک کرده نمی‌تواند و ... .
* هیچ کس در حقوق الله شریک نیست؛ به طوری‌که مورد پرستش قرار گیرد و در مقابلش سر فرود آورده شود.
* الله در دایره‌ی اختیارش هیچ انبازی ندارد که به طور مثال قانونش در برابر قانون الله ارزشی داشته باشد. صرف الله متعال اختیار دارد قانون حلال و حرام، جایز و ناجایز را برای جهانیان محدّد نماید.
* احتساب: چند مرتبه خواهش نفس را پذیرفته‌ایم؟ ﴿أفرأيتَ من اتّخذ إلهه هواه﴾ چند بار گفته‌ی شیطان را قبول نموده‌ایم؟ با وجودی که خداوند فرموده: ﴿ألّا تعبدوا الشيطان﴾ پس چرا گفته‌ی شیطان رانده‌شده را قبول کرده‌ایم؟ دوستان ناباب، خلافکاران، استفاده‌ی نادرست از وسایل جدید (انترنت، تي‌وي، . . . ) نیز از این قبیل اند. بعد از این تلاش ورزیم خرابی‌های موجود در زندگی‌مان را ترمیم کرده و در بدل آن نیکی و زیبائی را در زندگی خویش داخل کنیم.
* قُل: يعني تبليغ كن ای محمد ج! (ما نیز باید تبلیغ کنیم، با حکمت، با روش احسن چنانچه محمد مصطفی ج نموده اند).

|  |  |
| --- | --- |
| اَللهُ | الصَّمَدُ ٪﴿2٪﴾ۚ |
| اﷲ | بی‌نیاز است |
| الله نام ذاتی پروردگار متعال است، بقیه‌ی اسامی حسنی صفات الهی اند، مانند: الرّحيم، الكريم. | الصَّمَدُ: بی‌نیاز، همه نیازمند اویند، و او خود محتاج کسی نیست. |
| ترجمہ : الله، یگانه‌سرورِ بی‌نیاز است (که همه‌ی نیازمندان برای رفع نیازشان به سوی او روی می‌آورند). | |

* تصوّر کنید که الآن ملیاردها انسان و مخلوقات بی‌شماری به فضل و کرم الله متعال زنده و محتاج او تعالی اند. همین طور عظمت الله را به خاطر داشته و این آیت را مطالعه کنید.
* اینگونه نیز دعا کرده می‌توانیم که ای الله! تو همیشه نیازمندی‌هایم را تکمیل می‌کنی، بعد از این نیز من محتاج تو هستم. بارالها! مرا صرف محتاج خود داشته باش، نیازمند کسی دیگر مگردان.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| لَمْ يَلِدْ٪لا۟ | | وَلَمْ يُوْلَدْ ٪﴿3٪﴾ۙ | | |
| نه (فرزندی) زاده | | و نه (خود،) زاده شده است | | |
| لَمْ | يَلِدْ | وَ | لَمْ | يُولَد |
| نه | (او) زاده | و | نہ | او زاده شده |
| **يَلِد** : او زائیده (active voice)  **لَمْ** : Did not **لَنْ :** Will not | | **يُولَد** : او زاده شده (passive voice)  واژه‌های مشابه با این ماده: والد، والده، والدين،اولاد، ولادت | | |
| ترجمہ : نه (فرزندی) زاده و نه (خود،) زاده شده است. | | | | |

* این آیه‌ی کریمه را تلاوت نموده و تصمیم بگیریم پیغام توحید را به یک و نیم ملیارد مسیحی که گمان می‌کنند عیسی ؛ فرزند الله است، و هم چنین به مسلمان‌نماهای که بندگان ضعیف الله را با او تعالی شریک قرار می‌دهند برسانیم.
* اولاد برای چی؟ انسان خسته می‌شود نیاز به همدمی دارد. پیر می‌شود فرزندانش به او کمک می‌کنند. می‌میرد فرزندانش وارث اموال و ثروت او می‌شوند. الله متعال از همه‌ی این نقایص پاک است. او از ازل تا ابد باقی و دایم است، لذا به اولاد چه نیازی دارد؟

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَلَمْ يَكُنْ | | | لَّه | | كُفُوًا | اَحَدٌ ٪﴿4٪﴾ۧ |
| و نه است | | | برای او | | ہمسر و همتا | هیچ کس |
| وَ | لَمْ | يَكُن | لَّ | هٗ | كُفُو : ہمسر، برابر | قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ = یک (صرف برای الله)  وَلَمْ يَكُن لَّه، كُفُوًا أَحَدٌ هیچ‌کس (به معنای منفی) |
| و | نه | است | برای | او |
| ترجمه: و هیچ‌کس، همسر و همتای او نیست. | | | | | | |

درس‌های از سوره‌ی إخلاص:

یکی از صحابه‌ی جان‌نثار پیامبر در هر هر رکعت سوره‌ی اخلاص را خوانده و بعد از آن سورتی دیگر نیز با آن ضمیمه می‌کرد. رسول گرامی اسلام ج از او سوال کردند که چرا این عمل را انجام می‌دهد؟ او در پاسخ گفت: «من با این سوره محبتی فراوان دارم». پیامبر مهربان ج فرمودند: «محبت تو با این سوره تو را به بهشت داخل کرد».

**مکررا با محبت تلاوت کنید:** مثال: هر انسانی اقوام و خویشاوندان با عزت و محترم خویش را همیشه و به هر بهانه‌ای ذکر ‌کرده، و با ذکر نمودن آنها احساس خوشی و سرور می‌کند. الله متعال آفریننده، روزی‌دهنده، پروردگار و بزرگترین محسن ما است، او بر ما از مادر نیز مهربان‌تر است!! پس چرا ما مکرر و به طور متوالی یاد او را ننمائیم؟ پروردگار ما ذاتی است که هیچ‌کس همانند او آفریننده، حاکم، معبود، توانمند، دوست، صاحب‌بخشش نمی‌باشد! و نه هم قبلا وجود داشته، و نه هم بعدا خواهد آمد. کوشش کنیم هنگام تلاوت این سوره قلب ما مالامال از دوستی و عظمت او تعالی شده، و در پهلوی آن برنامه‌ی گسترش یکتاپرستی و محبت را نیز داشه باشیم.

**گرامر**: امر و نهى را به وسیله‌ی TPI تمرین کنید. این روش نیز در جدول ذیل داده شده است.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| * هنگام گفتن اِفْعَلْ با انگشت تشهد به جانب مقابل (دست خویش را کمی از جانب بالا به پائین آورده) اشاره کنید گویا که برای فرد مقابل دستور می‌دهید. و برای اِفعَلُوا نیز همین اشاره را با چهار انگشت خویش انجام دهید. * لاَ تَفْعَلْ گفته و با انگشت تشهد به جانب راست اینطور (دست را از جانب راست به جانب چپ حرکت داده) اشاره کنید گویا که شما فرد مقابل را از انجام دادن کاری منع می‌کنید. و با گفتن «لاَ تَفعَلُوا» همین اشاره را با چهار انگشت خویش انجام دهید. | نَهْي Prohibitive | | أَمْر Imperative | |
| نکن | لاَ تَفْعَلْ | بکن | اِفْعَلْ |
| نکنید | لاَ تَفْعَلُوا | بکنید | اِفْعَلُوا |

هر گاه ضمیر با فعل آمد، به آن مفعول به (objects) گفته می‌شود. مثال را با یک فعل مشاهده فرمائید:

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ***خَلَقَ* + ... او (اللہ) آفرید** | | **ضَمَائِر مُتَّصِلَة (با فعل)** | | | Number | Person |
| او را آفرید | خَلَقَـهٗ | | او را | ـهٗ | **sr.** | **3rd** |
| آنان را آفرید | خَلَقَـهُمْ | | آنها را | ـهُمْ | **pl.** |
| تو را آفرید | خَلَقَــكَ | | تو را | ــكَ | sr. | **2nd** |
| (همه‌ی) شما را آفرید | خَلَقَـكُمْ | | شما را | ـكُمْ | pl. |
| مرا آفرید | خَلَقَنِي | | مرا | نِي | **sr.** | **1st** |
| ما را آفرید | خَلَقَــنَا | | ما را | ــنَا | **dl.,**  **pl.** |

با پایان یافتن این درس شما **3** واژه فرا می‌گیرید

که **2289** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

**درس یازدهم: سورة الفلق**

**پیشکش:** سوره‌ی الفلق و سوره‌ی الناس را مُعَوِّذَتَيْن (دو سوره‌ی که بدان وسیله پناه خواسته می‌شود) نامیده اند. خواندن معوذتین یک دفعه بعد از هر نماز و سه دفعه بعد از فجر و مغرب سنت رسول الله ج است. از ام‌المؤمنین عائشه‌ی صدیقه ل روایت شده که هر گاه پیامبر خدا بر بستر خویش به قصد استراحت تشریف می‌بردند معوذتین را تلاوت فرموده و بر دست‌های خویش می‌دمیدند و سپس بر جسم خویش می‌کشیدند (صحیح بخاری و صحیح مسلم). این سوره بهترین سوره‌ی قرآنی برای دفع شر، حسد و جادو است که خواندن آن را خود الله متعال به ما آموزش داده. کدام یک از ما است که نخواسته باشد از شرّ نجات یابد؟ لذا باید همه تلاش بورزیم این سوره‌‌ها را با معنای آن فرا بگیریم.

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| قُلْ | اَعُوْذُ | بِرَبِّ | | الْفَلَقِ ٪﴿1٪﴾ۙ |
| بگو: | پناه مى‌برم | به پروردگار | | سپيده‌دم |
|  |  | بِ | رَبِّ |  |
| به | پروردگار |
| ترجمه: بگو: به پروردگار سپيده‌دم پناه مى‌برم | | | | |

* به یاد داشته باشیم که انسان در حلقه‌ی فتنه‌ها، آفت‌های شباروزی، انسان‌های شرور، حاسدان، و دیگر ویروسها محاصره شده است.
* عظمت الله را احساس نموده، و از پروردگار متعال که تا اکنون ما را نگه داشته بخواهیم که از این به بعد نیز ما را حفظ فرماید.
* قل: يعني برسان! (ما نیز باید تبلیغ کنیم و برسانیم به بهترین روش چنانچه محمد مصطفی ج تبلیغ نموده اند).
* به واژه‌ی «رب الفلق» غور فرمائید، خوب تصور کنید. چگونه او صبح را می‌آورد؟ آفتاب، تنظیم نور، بُعد آن از زمین، گردش متناسب و سنجیده‌شده‌ی آن، لایه‌ی مخصوص اطراف زمین که اشعه‌ی مضر را تصفیه کرده و شعاعهای مفید را اجازت ورود می‌دهد، و انتظامات ویژه‌ی دیگر را به دیده‌ی غور بنگریم.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مِن شَرِّ | | مَا | خَلَقَ ٪﴿2٪﴾ۙ |
| از شرّ | | آنچه | آفریده است |
| مِن | شَرِّ | مَا دو معنی دارد: نه، و چی،که معادل (what) است.  مَا فِيه :در آن نیست (در گفتگوی عربی)  مَا دِينُكَ؟ : دِین تو چی است؟ | خَلَق : آفرید  الفاظ دیگر: خالق، مخلوق ، خلقِ خدا |
| شرّ | از |
| ترجمہ : از شرّ آنچه آفریده است. | | | |

* شر دو معني دارد: زشتی و تکلیف. برخی از بدی‌ها ظاهرا خوب معلوم می‌شوند مگر عاقبت آن بسیار بد است لذا بد می‌باشند.
* به خاطر داشته باشیم: ما از شر چیزهای که خدا آفریده یعنی از شر مخلوقاتش به او تعالی پناه می‌بریم.
* مثلاً الله متعال انسان‌ها را برای کارهای نیک آفریده مگر برخی از انسان‌ها همیشه شر به پا می‌کنند، ما از شرّ آنان به الله متعال پناه می‌بریم.
* و همینطور از شرّ همه‌ی جاندارها و بی‌جان‌ها به الله متعال پناه می‌بریم.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَمِن شَرِّ | | | غَاسِقٍ | إِذَا | وَقَبَ ٪﴿3٪﴾ۙ |
| و از شرّ | | | شب تاريك | آن‌گاه | همه جا را فرا گيرد |
| وَ | مِن | شَرِ | غَاسِق: تاريك | إِذْ إِذَا: آن‌گاه | وَقَبَ: همه جا را فرا گیرد. إِذَا وَقَبَ: آنگاه که همه جا را فرا گیرد  هرگاه بعد از «إذا» ماضی بیاید معنایش مضارع می‌شود. |
| و | از | شر |
| ترجمہ : و از شرّ شب تاريك، آن‌گاه كه همه جا را فرا گيرد. | | | | | |

* همیشه بعد از هر 12 ساعت شب می‌آید، هنگام شب به طور عموم فرصت بیکاری پیش آمده و انسان به استراحت می‌پردازد. زمان بیکاری می‌تواند مورد سوء استفاده‌ی شیطان قرار گیرد.
* شب‌هنگام به طور عموم برنامه‌های مبتذل تلویزیون‌ها، سینماها، کلپ‌های شبانه و کارهای زشت دیگر افزایش می‌یابد.
* حملات تخریب‌کارانه در شب گسترش پیدا می‌کند.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَمِن شَرِّ | | | النَّفّٰثٰتِ | فِى الْعُقَدِ ٪﴿4٪﴾ۙ | |
| و از شرّ | | | زنان جادوگری که می‌دمند | در گره‌ها | |
| وَ | مِن | شَرِ | نَفَّاثَةِ: زنِ جادوگری که می‌دمد، نفسِ جادوگر  نَفَّاثَاتِ (جمع): زنان جادوگری که می‌دمند ، نفوسِ جادوگر | فِى | الْعُقَدِ |
| و | از | شر | در | گرہ‌ها |
| و از شرّ | | | **عَقْد**: گرہ عروسی؛ عُقْدَة: گرہ . عُقَد: گرہ‌ها | |
| ترجمہ : و از شرّ زنان جادوگری که در گره‌ها می‌دمند. | | | | | |

* در برخی از خانواده‌های ما یک موضوع خیلی بزرگ وجود دارد. به اطفال می‌گویند: این کار را نکن، این چیز را نخور و این چیز را ننوش. این سوره‌ی مبارکه بهترین علاج برای موارد فوق است.
* سحر یک امتحان بزرگ است، عقیده‌ی بسیاری از مردم متزلزل شده، و برای دفع آن مرتکب کارهای حرام می‌شوند.
* يك گروه دیگر از کسانی که در گره‌ها می‌دمند وجود دارند که همه روزه بر سر هر کدام از ما 3 گره بسته و می‌دمند!! آن گروه شیطان‌ها اند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَمِن شَرِّ | حَاسِدٍ | اِذَا حَسَدَ ٪﴿5٪﴾ۧ |
| و از شر | حسدکننده | آن‌گاه که حسادت می‌ورزد |
| ترجمہ : و از شر هر حسودی، آن‌گاه که حسادت می‌ورزد. | | |

* حسود هنگام حسدورزیدن تلاش می‌ورزد حیثیت و آبروی فرد مورد نظر را خدشه‌دار نموده و به او زیان معنوی و مادی برساند. به حضور الله متعال نیایش می‌کنیم ما را از حسدنمودن و از شر حاسد در پناه خویش نگه دارد.

**گرامر:** در زمانه‌ی نه چندان دور مسلمانان به تمام دنیا دانش، هنر و تکنالوژی آموخته و در اکتشافات جدید پیش‌قدم بودند. با گفتن فاعل (کننده‌ی کار) با دست راست به دادن و اعطا نمودن اشاره کنید. دست گیرنده آن است که به او کمک شده، و او اثر را پذیرفته باشد، هنگام گفتن مفعول (آن که اثر را قبول کرده باشد) به دست گیرنده اشاره کنید. و در آخر با گفتن فعل (کار کردن) مشت خویش را گره نموده و به کار و تلاش اشاره داشته باشید. این اشاره‌ها یک انسان تازه‌وارد را به تعجب وا می‌دارد، مگر به خاطر یادگرفتن از این اشاره‌ها استفاده نمائیم. برای فراگرفتن زبان هر چقدر تمام وجود خود را (Total Physical Interaction) مورد استفاده قرار دهیم به همان تناسب سود خواهیم برد. به خواست الله متعال شما خود خواهید دید با استفاده از این روش به چه آسانی‌ای شما همه‌ی این واژه‌ها را فرا خواهید گرفت.

فَاعِل انجام دهنده (جمع: فَاعِلُون، فَاعِلِين) مَفْعُول آنکه کاری بر او صورت پذیرفته (جمع: مَفْعُولُون، مَفْعُولِين) Verbal noun (vn). فِعْل کردن، انجام دادن

فَعَلَ (105)- از جمله‌ی این 21 صیغه دو صیغه‌ی اخیر واحد مؤنث است، افعالی که در ذیل داده شده را تمرین نمائید. از این جمله دو اسم (اسم فاعل و اسم مفعول) و مصدر يعنى نام کار (فعل) نیز داده شده. عدد 105 برای توضیح این مسأله می‌باشد که این فعل به صورت‌های مختلف خویش 105 مرتبه در قرآن کریم آمده است.

برای صیغه‌های مؤنث دست چپ را به خاطر اشاره استفاده کنید. به یاد داشته باشید که ما دست راست را برای اشاره به صیغه‌های مذکر به کار گرفته بودیم. هدف صرف آموزش است نه سلوک امتیازی با طبقه‌ی اناث. این را نیز به خاطر داشته باشید که صیغه‌ی واحد مؤنث در مقایسه با صیغه‌های دیگر مؤنث در قرآن‌کریم بیشتر به کار رفته است.

(هِيَ **آن زن** she، رَبُّهَا پروردگار آن زن her Lord، فَعَلَتْ **آن زن انجام داد** she did، تَفْعَلُ **آن زن انجام می‌دهد** she does)

هنگام تمرین فعل مضارع اگر شما برای سهولت و آسانی ترجمه‌ی آن را صرف «او انجام می‌دهد، آنها انجام می‌دهند، شما انجام می‌دهید، ...» و غیره بکنید بهتر خواهد بود. البته هنگام تدریس حتما به شاگردان خاطر نشان سازید که ترجمه‌ی آن: «او انجام خواهد داد، آنها انجام خواهند داد، شما انجام خواهید داد، ...» نیز می‌شود.

**فَعَلَ** 105 (ف) **فَعَلَ**: آن مرد انجام داد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول ***فَعَلَ*، يَفْعَلُ، اِفْعَلْ** | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او انجام می‌دهد/ می‌کند | يَفْعَلُ | او کرد/ انجام داد | *فَعَلَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌کنند یا خواهند کرد | **يَفْعَلُونَ** | آنها کردند | ***فَعَلُوا*** |
| انجام مده | لاَ تَفْعَلْ | انجام بده | اِفْعَلْ | تو می‌کنی یا خواهی کرد | تَفْعَلُ | تو کردی | *فَعَلْتَ* |
| انجام ندهید | لاَ تَفْعَلُوا | انجام دهید | اِفْعَلُوا | شما می‌کنید یا خواهید کرد | تَفْعَلُونَ | شما کردید | *فَعَلْتُمْ* |
| فَاعِل: انجام‌دهنده | | | | من می‌کنم یا خواهم کرد | أَفْعَلُ | من کردم | *فَعَلْتُ* |
| مَفْعُول: آنکه بر او کاری انجام شده باشد | | | | ما می‌کنیم یا خواهیم کرد | نَفْعَلُ | ما کردیم | *فَعَلْنَا* |
| فِعْل : انجام دادن، نام کار | | | | آن زن می‌کند /خواهد کرد | هِيَ تَفْعَل | آن زن انجام داد | *هِيَ فَعَلَتْ* |

**درس دوازدهم: سورة النّاس**

**پیشکش:** مقدمه‌ای که در سوره‌ی الفلق آورده بودیم این سوره را نیز شامل می‌شود.

با پایان یافتن این درس شما **7** واژه فرا می‌گیرید

که **587** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| قُلْ | اَعُوْذُ | بِرَبِّ النَّاسِ ٪﴿1٪﴾ۙ | |
| بگو: | (من) پناه می‌برم | به پروردگار مردم | |
| قل: يعني تبلیغ کن و برسان (ای محمد ج) | أَعُوذُ: بر وزن أَفْعَلُ | بِرَبِّ | النَّاسِ |
| به پروردگار | مردم |
| ترجمہ : بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم | | | |

* قل: يعني تبليغ كن و برسان (ای محمد ج) (ما نیز باید با حکمت و موعظه‌ی حسنه تبلیغ نمائیم چنانچه نبی مهربان ؛ نموده اند).
* نخست خویشتن را در معرض خطر احساس کنیم، مورد آماج فتنه‌ها، در تیررس آفات شباروزی، زیر سندان برخی انسان‌های شریر و تبلیغات بدعت‌گرایان معاند و در صدها مصیبت دیگر.
* بعدا عظمت آن پرورد گار را احساس نمائیم؛ پروردگاری که تا اکنون ما را نگه داشته است، از او تعالی بخواهیم که امروز نیز ... .
* پروردگار مردم: جمعیت کره‌ی زمین را به یاد داشته باشیم، تقریبا هفت ملیارد انسان! پرورش‌دهنده و نگهبان تمام این جمعیت! و همزمان پروردگار مردم از زمان آدم ؛ تا هم اکنون، و تا رستاخیز بزرگ.
* پروردگاری که برای مخلوقات باران فرود آورده، گیاهان را رشد داده، گردش آفتاب و زمین را منظم کرده و همه کارها را انجام می‌دهد.
* ذاتی که تمام مخلوق را حفظ می‌کند، و ذره ذره‌ی جسم را پرورش می‌دهد.

|  |  |
| --- | --- |
| مَلِكِ النَّاسِ ٪﴿2٪﴾ۙ | اِلهِ النَّاسِ ٪﴿3٪﴾ۙ |
| به فرمانروا (پادشاه) مردم | به معبود مردم |
| مَلِك: پادشاہ ، مَلَكَ: فرشتہ، مَالِك: مالك | إِلــه به معنای معبود،جمع آن آلِهَةٌ |
| ترجمہ: به فرمانروای (مطلق) مردم. به معبود مردم. | |

* الله پادشاه واقعی (که همه چیز در اختیار او است).
* ای الله مهربان! توفیقم ده که تو را پادشاه و پروردگار واقعیِ خویش بپذیرم. یعنی به من توفیق عطا کن صرف از قانون تو پیروی کنم.
* معبود راستین همان است که مردم هنگام مصیبت او را ندا کنند، اگر چه در اوقات دیگر انکارش کنند.
* به من توفیق ده که تو را به حیث معبود راستین خود قبول کنم، و تنها تو را پرستش و عبادت کنم (از پذیرفتن دستورات نفس و شیطان رهائیم ده).
* «آیا شما آن شخصی را دیده‌اید که نفسش را اله خود گردانیده است؟».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مِن شَرِّ | الْوَسْوَاسِ٪لا۟ | الْخَنَّاسِ ٪﴿4٪﴾ۙ |
| از شرّ | (شیطانِ) وسوسه‌گر | کمین‌گرفته |
| دو معنای شر= بدی، تكليف | الْوَسْوَاسِ: وسوسه‌گر  وَسْوَسَه: به طور مداوم و پی در پی در قلب کسی حرف بدی انداخته شود به طوری که او متوجه نگردد.  ماده‌ی و س و س: 4 حرف دارد | الْخَنَّاسِ  1. پنهان‌شونده بعد از آشکار شدن  2. عقب‌نشینی‌کننده |
| ترجمہ : از شرّ (شیطانِ) وسوسه‌گر و کمین‌گرفته که (چون انسان، الله را یاد نماید، دیگر توان وسوسه ندارد و) عقب‌نشینی می‌کند. | | |

* حملات شيطان را فراموش نکنیم، و از صدق دل به الله متعال پناه ببریم.
* اهمیت ذکر الله را به خاطر بسپاریم، که با ذکر الله قلب مطمئن شده، شیطان رسوا گشته و فرار می‌کند.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| الَّذِي | يُوَسْوِسُ | فِي صُدُورِ | | | النَّاسِ ٪﴿5٪﴾ۙ |
| ذاتی که | وسوسه می‌اندازد | در دل‌های | | | مردم |
| الَّذِي **304**  دفعه در قرآن،  الَّذِينَ **حدود 1000 مرتبه** |  | صَدْر : سینه، دل صُدُور (جمع) | فِي | صُدُورِ | جمع انسان = ناس |
| در | دل‌های |
| ترجمہ : کسی که در دل‌های مردم وسوسه می‌اندازد. | | | | | |

* شیطان تلاش می‌ورزد در قلب انسان وسوسه بیندازد.
* سینه صندوقچه‌ی دل است، حمله‌ی دزد (شیطان) از سینه شروع می‌شود. اگر دل با ذکر الله زنده و قوی باشد، شیطان به آن نزدیک نمی‌شود. و گرنه انسان تسلیم حملات مرگبار شیطان شده و مرتکب گناه می‌گردد، و در نتیجه دلش سیاه می‌شود.
* الله در توصیف قرآن‌کریم در سوره‌ی یونس فرموده است: **﴿**شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ﴾ : (و درماني براي آنچه در سينه‌هاست؛ (درماني براي دلهاي شما).

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مِنَ الْجِنَّةِ | | وَالنَّاسِ ٪﴿6٪﴾ۧ | |
| از جن‌ها | | و انسان‌ها | |
| مِنَ | الْجِنَّةِ | وَ | النَّاسِ |
| از | جن‌ها | و | انسان‌ها |
| ترجمہ : از جن‌ها و انسان‌ها(ی وسوسه‌گر به الله پناه می‌برم). | | | |

* به همراه هر انسان یک جن (شیطان) نیز می‌باشد، او مثل یک دشمن شریر و مُضر همیشه در حال حمله و زیان‌رساندن است. متوجه حضور جن با خود باشیم.
* شیاطین انسی کدام‌ها اند؟ هر فرد و یا گروه از انسان‌ها که بر علیه دین اسلام به تبلیغات سوء دست می‌زنند و یا مردم را به فحشاء و منکر تشویق نمود و وسایل منکرات را به دسترس آنها قرار می‌دهند، آنها کار و وظیفه‌ی شیطان را به پیش می‌برند. آیا تلویزیون‌ها، سایت‌های مبتذل انترنیتی، اخبار و بیشتر رساله‌های که می‌بینیم فحشا و منکر را نشر نمی‌کنند؟ از چنین انسان‌های باید به الله متعال پناه برد. و باید در تعامل با آنها هشیار بود، و برای ریشه‌کن کردن و نابودی آنان از هیچ کوششی دریغ نورزید.
* در پهلوی دعاکردن باید برای پاک‌نمودن محیط از فساد و فحشا به طور انفرادی و مجموعی تلاش بورزیم.

**گرامر:** 21 صیغه‌ی مهمی که در ذیل داده شده را خوب تمرین نمائید. دو صیغه‌ی آخر واحد مؤنث اند. عدد 29 برای توضیح این مسأله است که این فعل با صیغه‌های گوناگون 29 مرتبه در قرآن کریم آمده است. «ف» داخل قوس قِسم فعل از باب فتح را می‌رساند.

فَتَحَ 29 (ف) **فَتَحَ**: او باز کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: فَتَحَ ، يَفْتَحُ ، اِفْتَحْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او (مرد) باز می‌کند /باز خواهد کرد | **يَفْتَحُ** | او باز کرد | ***فَتَحَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها باز می‌کنند/باز خواهند کرد | **يَفْتَحُونَ** | آنها باز کردند | ***فَتَحُوا*** |
| باز مکن! | **لاَ تَفْتَحْ** | باز کن! | **اِفْتَحْ** | تو باز می‌کنی /باز خواهی کرد | **تَفْتَحُ** | تو (مرد) باز کردی | ***فَتَحْتَ*** |
| باز نکنید! | **لاَ تَفْتَحُوا** | باز کنید! | **اِفْتَحُوا** | شما باز می‌کنید/ باز خواهید کرد | **تَفْتَحُونَ** | شما باز کردید | ***فَتَحْتُمْ*** |
| **فَاتِح**: گشاینده | | | | من باز می‌کنم/ باز خواهم کرد | **أَفْتَحُ** | من باز کردم | ***فَتَحْتُ*** |
| **مَفْتُوح**: گشوده شده/ باز شده | | | | ما باز می‌کنیم/ باز خواهیم کرد | **نَفْتَحُ** | ما باز کردیم | ***فَتَحْنَا*** |
| **فَتْح**: باز کردن | | | | او (مؤنث) باز می‌کند /باز خواهد کرد | **تَفْتَحُ** | آن زن باز کرد | ***فَتَحَتْ*** |

**جَعَلَ** 346 (ف) **جَعَلَ**: آن (مرد) قرار داد

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: جَعَلَ، يَجْعَلُ، اِجْعَلْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | | |
| آن (مرد) قرار می‌دهد /قرار خواهد داد | **يَجْعَلُ** | | آن (مرد) قرار داد | ***جَعَلَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها قرار می‌دهند /قرار خواهند داد | **يَجْعَلُونَ** | | آنها قرار دادند | ***جَعَلُوا*** |
| قرار مده! | **لاَ تَجْعَلْ** | قرار ده! | **اِجْعَلْ** | تو قرار می‌دهی/ قرار خواهی داد | **تَجْعَلُ** | | تو قرار دادی | ***جَعَلْتَ*** |
| قرار ندهید! | **لاَ تَجْعَلُوا** | قرار دهید! | **اِجْعَلُوا** | شما قرار می‌دهید/ قرار خواهید داد | **تَجْعَلُونَ** | | شما قرار دادید | ***جَعَلْتُمْ*** |
| **جَاعِل**: قرار دهنده | | | | من قرار می‌دهم/ قرار خواهم داد | **أَجْعَلُ** | | من قرار دادم | ***جَعَلْتُ*** |
| **مَجْعُول**: قرار گیرنده | | | | ما قرار می‌دهیم/ قرار خواهیم داد | **نَجْعَلُ** | | ما قرار دادیم | ***جَعَلْنَا*** |
| **جَعْل**: قرار دادن | | | | او (زن) قرار می ‌دهد /قرار خواهد داد | **تَجْعَلُ** | | آن (زن) قرار داد | ***جَعَلَتْ*** |

**درس سیزدهم: سورة الكافرون**

**پیشکش:** این سوره‌ی مبارکه هنگامی نازل شد که مشرکان مکه مشاهده کردند اسلام به سرعت گسترش یافته و دین آنها ضعیف می‌شود. آنان برای توقف انتشار اسلام به آن‌حضرت ج پیشنها کردند که یک سال مشرکان صرف یک خدا را بپرستند و سال دیگر محمد ج بت‌ها را نیز عبادت کند. الله واحد و لاشریک در اینجا صراحتا پاسخ آنان را بیان فرموده و شرک و دوگانگی را مورد تردید قرار داد.

با پایان یافتن این درس شما **6** واژه فرا می‌گیرید

که **1136** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

* رسول الله ج در نمازهای سنت فجر و مغرب سوره‌ی الكافرون و سوره‌ی الإخلاص را تلاوت می‌کردند (مسند امام احمد، سنن ترمذي، سنن نسائي، سنن ابن ماجه و غيره)
* رسول گرامی اسلام ج به برخی از صحابه‌ی کرام ش فرمودند: «اگر در شب هنگام خوابیدن این سوره را تلاوت کنی از شرک نجات خواهی شد.» (ابو داوود حدیث نمبر: 5050).

أَعُوْذْبِاللّٰه مِنَ الشَّيْطَان الرَّجِيْم بِسْمِ اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحِيْم

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| قُلْ | يٰۤاَيُّهَا | الْكٰفِرُوْنَ ٪﴿1٪﴾ۙ |
| بگو: | ای | کافران! |
| قل: يعني تبليغ كن: با بهترین اسلوب برسان | يَا، أيُّهَا ، يَا أَيُّهَا : ای | از فَعَلَ: فاعِل، از كَفَرَ: كَافِر  كَافِر : انکار کننده كَافِرُون، كَافِرِين: انکار کنندگان |
| ترجمہ : بگو: ای کافران! | | |

* کافر شخصی است که بعد از شنیدن اصول دین اسلام با علم و آگاهی آن را انکار کند. قرآن کریم عموم غیرمسلمانها را یا أیها الناس گفته و مورد خطاب قرار داده است.
* آنگاه که ما خوردسال بودیم اگر پدر ما بر یکی از اطفال خانه خشم می‌گرفت، همه‌ی ما ترسیده و کوشش می‌کردیم هر طور شده پدر را خرسند کنیم. در این جا الله متعال بر کفار خیلی خشم گرفته، لذا ما باید ترسیده و آماده باشیم و متوجه باشیم که او تعالی از هیچ سخن ما خشمگین نشود.
* مشکل اصلی کفار در کجا بود؟ آنها حق را به خوبی می‌دانستند اما بخاطر حفظ نفس، خودخواهی، ثروت، مقام و رسم و رواج مشرکانه‌ی خویش آن را مورد انکار قرار می‌دادند.
* به حضور الله نیایش کنیم که ای پروردگار مهربان! توفیقمان ده بخاطر خودخواهی خویش از قول حق روی نگردانیم. و تکبر، غرور و خواهشات نفسانی خویش را در برابر پذیرش حق دخیل نگردانیم.
* **احتساب:** چند بار اتفاق افتاده که من حق و حقیقت را انکار کرده باشم؟ و یا فورا آن را قبول نکرده باشم؟
* **برنامه‌ریزی کنیم:** خویشتن را به استغفار، حمد و ستایش الله و تربیه‌ی نفس خود عادت دهیم.
* **تبلیغ کنیم:** به مردم بگوئیم، و اضرار خودخواهی و انانیت را توضیح دهیم.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| لَاۤ اَعْبُدُ | | مَا | تَعْبُدُوْنَ ٪﴿2٪﴾ۙ |
| نمی‌پرستم | | آنچه را | شما می‌پرستید |
| لَاۤ | اَعْبُدُ | دو معنای «مَا»: نہ و چی (What)  مَا فِيه :در آن نیست، (جمله‌ی مشهور در محاوره‌ی عربی)  مَا دِينُكَ؟: دِین تو کدام است؟ | **تَعْبُدُوْنَ: (بر وزن تَفْعُلُونَ**) |
| نه | می‌پرستم |
| من پرستش نمی‌کنم | |
| ترجمہ : من، آنچه را که شما می‌پرستید، نمی‌پرستم. | | | |

* فرد مؤمن در موضوع عقيده از مداینت کار نمی‌گیرد. عبادت سه معنی دارد: ۱) پرستش . ۲) اطاعت و فرمانبرداري. ۳) غلامي. در هر سه معنی صرف باید الله پرستیده شود.
* کافر امروز: برای بدنام نمودن اسلام تمام تلاش خود را به کار می‌برد، اما مسلمان پریشان و غمگین است! در چنین شرایط و محیطی با یقین و اطمینان کامل شکر الله را بجا آورده و بر دین او با خورسندی و افتخار تمام و بدون کوچکترین احساس حقارت عمل کنیم، و در سطح ملی و بین‌المللی از هیچ تلاشی برای بالابردن نام الله و از بین‌بردن شرک و دشمنان اسلام دریغ نورزیم. معاندین توحید و مستکبرین جهان با دیدن این طرز تفکر ما مأیوس شده و مضمحل می‌گردند.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَلَاۤ اَنْتُمْ | | | عٰبِدُوْنَ | مَاۤ | اَعْبُدُ ٪﴿3٪﴾ۚ |
| و نه شما | | | پرستش‌کننده هستید | آنچه را | من می‌پرستم |
| وَ | لَاۤ | اَنْتُمْ | **عَابِد:** عبادت کننده  **عَابِدُون، عَابِدِين**: عبادت کننده‌ها  **عبد:** غلام | دو معنای «مَا»: نہ و چی(What)  مَا فِيه :در آن نیست، (جمله‌ی مشهور در محاوره‌ی عربی)  مَا دِينُكَ؟ : دِین تو چی است؟ (سوال دوم قبر) | اَعْبُدُ : **(بر وزن أَفْعُلُ**) |
| و | نہ | شما |
|  | | |
| ترجمہ : و نه شما آنچه را که من می‌پرستم، پرستش می‌کنید. | | | | | |

يعني در این اشتباه نباشید که شما الله را پرستش می‌کنید. عبادت با شرک پذیرفته نمی‌شود.

تمام ادیان یکی شده نمی‌تواند. عبادتی که آغشته به شرک باشد هرگز به درگاه الهی قابل قبول نیست.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَلَاۤ اَنَا | | | عَابِدٌ | مَّا | عَبَدْتُّمْ ٪﴿4٪﴾ۙ |
| و نه من (هستم) | | | پرستش‌گر | آنچه | که شما پرستش کردید |
| وَ | لَاۤ | اَنَا | **عَابِدٌ:** **(بر وزن فَاعِل**ٌ) |  | **عَبَدْتُّمْ:** **(بر وزن فَعَلْتُمْ**) |
| و | نہ | من |
| ترجمہ : و نه من پرستش‌گر و عبادت‌گزار چیزی هستم که شما می‌پرستید. | | | | | |

**به شدّت انکار شده که پرستش معبودان شما را:**

* نه حالا می‌کنم (لا أعبد) و نه در مستقبل (ولا أنا عابد).
* نه معبودان موجود تان را پرستش می‌کنم (ما تعبدون) و نه هم معبودان گذشته‌ی شما را (ما عبدتّم)

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| وَلَاۤ اَنْتُمْ | عٰبِدُوْنَ | مَاۤ | اَعْبُدُ ٪﴿5٪﴾ |
| و نه شما | پرستش‌گر | آنچه | من می‌پرستم |
| ترجمہ : و شما هم پرستش‌گر آنچه که من می‌پرستم، نیستید. | | | |

* با وجود قائم شدن دلائل، از شما این توقع نمی‌رود که صرف عبادت الله لاشریک را به جا آورید.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| لَكُمْ | دِينُكُمْ | وَلِيَ | دِيْنِ ٪﴿6٪﴾ۧ |
| برای شما | دین خود تان | و برای من | دین من |
| ترجمہ : دین شما، برای خودتان و دین من برای خودم. | | | |

* هدف این نیست که همه‌ی ادیان در حقّیت مساوی اند.
* و نه هم این هدف است که ما تبلیغ و نشر دین اسلام را رها نمائیم. آیا پیامبر گرامی اسلام ج بعد از فرود آمدن این سوره تبلیغ دین اسلام را رها نمودند؟ اصلا این‌گونه نبوده است، بلکه بر غزوات و مجاهدت‌های خویش افزودند. در اینجا سخن صرف پاسخی برای پیشنهاد مصالحه (Compromise) بوده است.
* آیا ما واقعا دین راستین خویش را به دیده‌ی قدر و بزرگداشت می‌نگریم؟ و آیا تلاش می‌ورزیم که بر دین خود عمل نموده و آن را به دیگران برسانیم؟

این سوره را در زندگی روزمره‌ی خویش عملی سازیم، یعنی این سنت رسول مهربان ج را مدّ نظر داشته باشیم و آن را در نمازهای فجر و مغرب قرائت نموده، و قبل از خواب‌شدن نیز بخوانیم، و بر پیغام آن عمل نمائیم.

**گرامر:** 21 صیغه‌ی داده شده در ذیل را تمرین نمائید. قبل از این شما فَتَحَ، يَفْتَحُ، اِفْتَحْ (یعنی باب فَتَحَ ف) را فرا گرفته بودید. این باب نَصَرَ (ن) است. تصریف اساسی همان فَعَلَ بوده، و فرق صرف در زر، زیر و پیش می‌باشد. در اینجا بجای نَصَرَ، يَنْصَرُ، اِنْصَر. نَصَرَ، يَنْصُرُ، اُنْصُر است ، یعنی به جای فتحه بر ص ضمه است. **در زبان عربی بیشتر افعال بر این وزن می‌آید.**

نَصَرَ 92  (ن) **نَصَر**: آن (مرد) یاری (مدد)رساند

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: نَصَرَ، يَنْصُرُ، اُنْصُرْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او یاری می‌رساند /خواهد رساند | يَنْصُرُ | او یاری رساند | ***نَصَرَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها یاری می‌رسانند /خواهند رساند | يَنْصُرُونَ | آنها یاری رساندند | ***نَصَرُوا*** |
| یاری مرسان! | لاَ تَنْصُر | یاری رسان! | **اُنْصُرْ** | تو یاری می‌رسانی /خواهی رساند | تَنْصُرُ | تو یاری رساندی | ***نَصَرْتَ*** |
| یاری مرسانید! | لاَ تَنْصُرُوا | یاری رسانید! | **اُنْصُرُوا** | شما یاری می‌رسانید/خواهید رساند | تَنْصُرُونَ | شما یاری رساندید | ***نَصَرْتُمْ*** |
| نَاصِر:**یاری دهنده** | | | | من یاری می‌رسانم /خواهم رساند | أَنْصُرُ | من یاری رساندم | ***نَصَرْتُ*** |
| مَنْصُور:**نصرت داده‌شده** | | | | ما یاری می‌رسانیم /خواهیم رساند | نَنْصُرُ | ما یاری رساندیم | ***نَصَرْنَا*** |
| نَصْر: **مدد کردن** | | | | آن زن یاری می‌رساند /خواهد رساند | تَنْصُرُ | آن زن یاری رساند | ***نَصَرَتْ*** |

خَلَقَ248 (ن) **خَلَقَ:** او آفرید

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول : خَلَقَ، يَخْلُقُ، اُخْلُقْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او می‌آفریند /خواهد آفرید | يَخْلُقُ | او آفرید | ***خَلَقَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌آفرینند /خواهند آفرید | يَخْلُقُونَ | آنها آفریدند | ***خَلَقُوا*** |
| پیدا نکن! | **لَا تَخْلُقْ** | پیدا کن! | **اُخْلُقْ** | تو پیدا می‌کنی /پیدا خواهی کرد | تَخْلُقُ | تو آفریدی | ***خَلَقْتَ*** |
| پیدا نکنید! | **لَا تَخْلُقُوا** | پیداکنید! | **اُخْلُقُوا** | شما می‌آفرینید /پیدا خواهید کرد | تَخْلُقُونَ | شما آفریدید | ***خَلَقْتُمْ*** |
| خَالِق:**آفریننده** | | | | من می‌آفرینم /خواهم آفرید | أَخْلُقُ | من آفریدم | ***خَلَقْتُ*** |
| مَخْلُوق: **آفریده‌شده** | | | | ما می‌آفرینیم /خواهیم آفرید | نَخْلُقُ | ما آفریدیم | ***خَلَقْنَا*** |
| خَلْق: **پیدا کردن/ آفریدن** | | | | او (زن) می‌آفریند /خواهد آفرید | تَخْلُقُ | آن زن آفرید | ***خَلَقَتْ*** |

ذَكَرَ 143 (ن) **ذَكَرَ**: آن (مرد) یاد کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: ذَكَرَ، يَذْكُرُ، اُذْكُرْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او یاد می‌کند /خواهد کرد | يَذْكُرُ | او یاد کرد | ***ذَکَرَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها یاد می‌کنند /خواهند کرد | يَذْكُرُونَ | آنها یاد کردند | ***ذَکَرُوا*** |
| یاد مکن! | لاَ تَذْكُرْ | یاد کن! | اُذْكُرْ | تو یاد می‌کنی /خواهی کرد | تَذْكُرُ | تو یاد کردی | ***ذَکَرْتَ*** |
| یاد نکنید! | لاَ تَذْكُرُوا | یاد کنید! | اُذْكُرُوا | شما یاد می‌کنید /خواهید کرد | تَذْكُرُونَ | شما یاد کردید | ***ذَکَرْتُمْ*** |
| ذَاكِر: **یاد کننده** | | | | من یاد می‌کنم /خواهم کرد | أَذْكُرُ | من یاد کردم | ***ذَکَرْتُ*** |
| مَذْكُور: **یاد شده** | | | | ما یاد می‌کنیم /خواهیم کرد | نَذْكُرُ | ما یاد کردیم | ***ذَکَرْنَا*** |
| ذِكْر: **یاد کردن** | | | | آن (زن) یاد می‌کند /خواهد کرد | تَذْكُرُ | آن (زن) یاد کرد | ***ذَکَرَتْ*** |

رَزَقَ122 (ن) **رَزَقَ**: آن (مرد) روزی داد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: رَزَقَ، يَرْزُقُ، اُرْزُقْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او روزی می‌دهد /خواهد داد | يَرْزُقُ | او روزی داد | ***رَزَقَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آن‌ها روزی می‌دهند /خواهند داد | يَرْزُقُونَ | آنها روزی دادند | *رَزَقُوا* |
| روزی مده! | لاَ تَرْزُقْ | روزی بده! | اُرْزُقْ | تو روزی می‌دهی /خواهی داد | تَرْزُقُ | تو روزی دادی | ***رَزَقْتَ*** |
| روزی ندهید! | لاَ تَرْزُقُوا | روزی بدهید! | اُرْزُقُوا | شما روزی می‌دهید /خواهید داد | تَرْزُقُونَ | شما روزی دادید | ***رَزَقْتُمْ*** |
| رَازِق: **روزی‌دهنده** | | | | من روزی می‌دهم /خواهم داد | أَرْزُقُ | من روزی دادم | ***رَزَقْتُ*** |
| مَرْزُوق: **روزی‌داده‌شده** | | | | ما روزی می‌دهیم /خواهیم داد | نَرْزُقُ | ما روزی دادیم | ***رَزَقْنَا*** |
| رِزْق: **روزی** | | | | آن (زن) روزی می‌دهد /خواهد داد | تَرْزُقُ | آن (زن) روزی داد | ***رَزَقَتْ*** |

**درس چهاردهم: كلمات اذان و دعای وضو ء**

با پایان یافتن این درس شما **11**واژه فرا می‌گیرید

که **2225** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |
| --- | --- |
| اَللهُ أَكْبَرُ اَللهُ أَكْبَرُ | اَللهُ أَكْبَرُ اَللهُ أَكْبَرُ |
| الله بزرگتر است، الله بزرگتر است | الله بزرگتر است، الله بزرگتر است |

* الله تعالي در قوت، شان و شوكت، عزت و هر صفت نیکی از همه بزرگتر و والاتر است.
* دُعا: یا الله! توفیقم ده که در زندگی خود تو را به حیث بزرگ‌‌ترین و والاترین قبول کنم، یعنی به جای پذیرفتن گفته‌های نفس، فامیل و دوستان و یا سایر مردم فقط کلام تو را از دل و جان بپذیریم، و برایم توفیق عمل عطا فرما.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| أَشْهَدُ | أَنْ | لّا | إِلـٰـهَ | إِلّا | اللهُ (2 بار) |
| من گواهی می‌دهم | کہ | نیست | هیچ معبودی | به جز | اﷲ |
| أَشْهَدُ: **(بر وزنأَفْعَلُ**)  شھادت، شہيد، عينی شاہد |  | لاَ = نه مَا: نہ، چی، آن چه  لَمْ: نہ، did not لَنْ :هر گز نہ، will not |  | إلّا :به جز، مگر |  |
| ترجمه:من گواهی می‌دهم که معبودِ بر حقی جز الله نیست | | | | | |

سه معنای مهم اله: ۱) آنکه مورد عبادت و پرستش قرار گیرد ۲) برآورنده‌ی نیازها ۳) آنکه حکمش پذیرفته شود. در هر سه معنای یادشده به جز الله هیچ معبود دیگری وجود ندارد. من گواهی می‌دهم یعنی گفتار و کردار من (در خانه یا بازار، در محل کار و یا بیرون آن) اینطور می‌گوید که من:

* با الله از همه بیشتر محبت می‌کنم.
* الله را به حیث خالق، مالك و رب قبول دارم، او را حاکم تمام کائنات میدانم، او را پرستش کرده و از او اطاعت می‌کنم، تنها از او یاری می‌جویم، و تنها بر او توکل می‌نمایم.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| أَشْهَدُ | أَنَّ | مُحَمَّدًا | رَّسُولُ اللهِ(2 بار) |
| من گواهی می‌دهم | کہ | محمدﷺ | فرستاده‌ی الله (است) |
| أَشْهَدُ: **(بر وزن أَفْعَلُ**)، شھادت، شہيد، عينی شاہد |  |  | جمع رسول = رسل |
| ترجمه: من گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستاده‌ی الله است | | | |

زبان من یعنی سخنانی که می‌گویم و کردارم (در خانه یا بازار، در دفتر کار یا بیرون آن) اینطور می‌گوید که:

* من با الله و پیامبرش ﷺ از همه بیشتر محبت می‌کنم.
* آموزه‌های با ارزش آن‌حضرت ﷺ را بدون کوچکترین چون و چرا می‌پذیرم، قرآن‌کریم و سنت رسول‌الله ج را فرق‌کننده بین حق و باطل می‌دانم.
* برای اطاعت آن حضرت ﷺ دیگر به هیچ دلیلی نیاز ندارم، خوشنودی و ناخوشنودی من تابع رضایت ایشان است.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| حَيَّ عَلَى | | الصَّلَوٰةِ | (2 بار) | حَيَّ عَلَى | الْفَلاَحِ | (2 بار) |
| بشتاب به سوی | | نماز |  | بشتاب به سوی | کامیابی |  |
| حَيَّ: بشتاب | حَيَّ عَلَى: بشتاب به سوی | بشتاب به سوی نماز | | بشتاب به سوی رستگاری | | |

* "بشتاب به سوی نماز" آمده، و گفته نشده که در جای خود و یا خانه‌ی خود "نماز بخوان". یعنی برای نمازخواندن به مسجد بیا، و نماز را قائم کن. الله صرف دستور به نمازخواندن نداده، بلکه دستور به برپاداشتن آن داده است. اگر به سوی نماز بشتابی هر گونه رستگاری و فلاح را به دست خواهی آورد. نماز یک ذکر کامل است. با ذِکر الله نفس مطمئن شده و عقل صیقل می‌یابد. نماز فوائد جسمانی زیادی نیز دارد، از جمله: خواب‌شدن و بیدارشدن در وقت مشخص و معین، و با خواندن نماز انسان برای همیشه به پایبندی وقت عادت پیدا می‌کند. نماز فوائد اجتماعی بی‌شماری نیز دارد، مثلا: روابط اجتماعی تقویه می‌گردد. و از همه مهمتر اینکه در رستاخیز رستگاری دائمی نصیبِ انسان می‌شود.

تذکّر: انسان مسلمان به سوی نماز صرف به این خاطر می‌رود که دروازه‌های رستگاری به سویش باز شود.

|  |  |
| --- | --- |
| اَللهُ أَكْبَرُ اَللهُ أَكْبَرُ | لاَ إِلـٰـهَ إِلّا اللهُ |
| الله بزرگتر است، الله بزرگتر است | معبودِ بر حقی جز الله وجود ندارد |

* در اخیر همان کلماتی را می‌آوریم که اذان بدان شروع شده است. مگر در اینجا اعلان شده است که اگر بزرگیِ او تعالی را قبول داری که بشتاب و اگر هم تو نمی‌پذیری باز هم او بزرگ است و در بزرگی او هیچ تردیدی وجود ندارد. ما نماز بخوانیم یا نخوانیم هیچ تأثیری بر بزرگی الله به وجود نمی‌آید. و اگر هم نماز نخوانیم این خود ما هستیم که زیان‌مند شده‌ایم. در حالی‌که با پذیرفتن این ندا رستگاری می‌یابیم.

اذکار وضوء: **بِسْمِ اللهِ** دعای شروع کردن وضوء است، و دعای بعد از وضوء در ذیل داده شده:

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| أَشْهَدُ | أَنْ | لّا | إِلـٰـهَ | إِلّا | اللهُ |
| من گواهی می‌دهم | کہ | نیست | هیچ معبودی | به جز | اﷲ |
| أَشْهَدُ: **(بر وزنأَفْعَلُ**)  شھادت، شہيد، عينی شاہد |  | لَا = نہ مَا: نہ، چی، آن چه  لَمْ: نہ، did not لَنْ: هر گز نه، will not |  | إلّا :به جز، مگر |  |
| ترجمه:من گواهی می‌دهم که معبود بر حقی به جز الله نيست. | | | | | |

زبان من یعنی سخنانم و کرداری که انجام می‌دهم (در خانه یا بازار، در محل کار و یا بیرون) این گواهی را می‌دهد که من الله را:

* قبول دارم که الله خالق، مالك و پروردگار من است، الله را به حیث فرمانروای تمام کائنات قبول دارم، او را اطاعت نموده و فرمانش را می‌پذیرم، و تنها از او کمک می‌خواهم.
* و از همه بیشتر با الله محبت می‌کنم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَحْدَه، | لاَ شَرِيكَ | لَه، |
| او یکتا است | انبازی نیست | برای او |
| وَاحِد أَحَد تَوْحِيْد موحّد | شَرِيكَ، شُرَكَاء، شِرْك ، مُشْرِك | لَه، : او را،برای او |
| ترجمہ: او یکتا است و انبازی برای او وجود ندارد | | |

* در اینجا دوباره اقرار به یکتائی الله و اعلان بیزاری کامل از شرک است، و در غیر این صورت هیچ راهی برای نجات وجود ندارد؛ زیرا الله متعال هرگز شرک را معاف نمی‌کند. لذا خطر شرک را در ذهن خویش تصور نموده و از نزدیک شدن به امور مشرکانه به شدت اجتناب نمائیم، و گواهی دهیم:

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَأَشْهَدُ | أَنَّ | مُحَمَّدًا | عَبْدُه، | | وَرَسُولُه، | | |
| و من گواهی می‌دهم | کہ | محمدﷺ | بنده‌ی او (الله) | | و فرستاده‌ی او (است) | | |
| أَشْهَدُ: **(بر وزن أَفْعَلُ**)  شھادت، شہيد، شاهد عينی | أَنْ أَنَّ: کہ بی‌شک | مُحَمَّد: ستوده‌شده | عَبْد | ه، | وَ | رَسُولُ | ه، |
| بنده‌ی | او | و | پیغمبر | او است |
| ترجمہ:و من گواهی می‌دهم که محمد ج بنده و فرستاده‌ی الله است. | | | | | | | |

* قبلا در کلمات اذان آن را تشریح دادیم. در اینجا واژه‌ی عبد (بنده) اضافه شده است. امت‌های گذشته بندگان نیکی که در بین آنها وجود داشت را به خاطر کارنامه‌های نیک آنان فرزند یا شریک خدا می‌دانستند. الله متعال مرتبه‌ی واقعی محمد ج را بیان نموده و بر آن از هر مؤمنی گواهی گرفته و برای همیش دروازه‌ی شرک را بر روی امت ایشان بسته است.
* تمام انسان‌ها و موجودات را الله متعال آفریده است. لذا باید ما بنده‌ی واقعی او تعالی باشیم. محمد مصطفی ج برترین بنده‌ی الله و قدوه‌ی ما می‌باشند.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| اَللّهُمَّ | اجْعَلْنِي | | مِنَ التَّوَّابِينَ | وَاجْعَلْنِي | | | مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ |
| ای اﷲ | مرا بگردان | | از توبه‌کنندگان | و مرا بگردان | | | از پاکان |
|  | اِجْعَلْ: بگردان | نِي: مرا | **تَابَ :** **رجوع کرد تَائِب: رجوع‌کننده**  **تَوَّاب:** به کثرت رجوع‌کننده | وَ | اِجْعَلْ | نِي | مُتَطَهِّر: مُتَطَهِّرُون مُتَطَهِّرِينَ (جمع)  طَاهِر طَهُور طَهَارَة |
| **اِجْعَل: بر وزن اِفْعَل** | | و | بگردان | مرا |
| ترجمہ: بارالها! مرا از توبه‌کنندگان و پاکان بگردان | | | | | | | |

* انسان همیشه مرتکب اشتباهاتی می‌شود. کاری که نباید بکند را می‌کند، و یا کاری که باید انجام دهد را به طور درست انجام نمی‌دهد، لذا نیاز دارد همیشه توبه کند.
* مقصد از پاکی این است که بار الها! طهارت لباس، مکان، عقیده، افکار و هر نوع پاکی‌ای را نصیبم فرما.

**گرامر:** 21 صیغه‌ی مهم داده‌شده در ذیل را تمرین نمائید. دو صیغه‌ی اخیر برای واحد مؤنث است.

كَفَرَ َ 461 (ن) **كَفَرَ**: او انکار کرد، ناشكرى كرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: كَفَرَ، يَكْفُرُ، اُكْفُرْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او کفر می‌کند /خواهد کرد | يَكْفُرُ | او کفر ورزید | ***کَفَرَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها کفر می‌کنند /خواهند کرد | يَكْفُرُونَ | آنها کفر نمودند | *كَفَرُوا* |
| کفر مکن! | لاَ تَكْفُر | کفر کن! | اُكْفُرْ | تو کفر می کنی /خواهی کرد | تَكْفُرُ | تو کفر ورزیدی | ***کَفَرْتَ*** |
| کفر نکنید! | لاَ تَكْفُرُوا | کفر بورزید! | اُكْفُرُوا | شما کفر می‌کنید /خواهید کرد | تَكْفُرُونَ | شما کفر کردید | ***کَفَرْتُمْ*** |
| **کَافِر**: **کفر کننده** | | | | من کفران می‌کنم /خواهم کرد | أَكْفُرُ | من کفران نمودم | ***کَفَرْتُ*** |
| **مَکْفُور**: **آنکه مورد کفران قرار گرفته** | | | | ما ناسپاسی می‌کنیم /خواهیم کرد | نَكْفُرُ | ما انکار نمودیم | ***کَفَرْنَا*** |
| **کُفْر**: **کفر کردن** | | | | آن زن کفر می‌ورزد /خواهد ورزید | تَكْفُرُ | آن زن کفر ورزید | ***کَفَرَتْ*** |

دَخَلَ 78 (ن) دَخَلَ: او داخل شد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: دَخَلَ، يَدْخُلُ، اُدْخُلْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او داخل می‌شود /خواهد شد | يَدْخُلُ | او داخل شد | *دَخَلَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها داخل می‌شوند /خواهند شد | يَدْخُلُونَ | آنها داخل شدند | *دَخَلُوا* |
| داخل نشو! | لاَ تَدْخُلْ | داخل شو! | اُدْخُلْ | تو داخل می‌شوی /خواهی شد | تَدْخُلُ | تو داخل شدی | *دَخَلْتَ* |
| داخل نشوید! | لاَ تَدْخُلُوا | داخل شوید! | اُدْخُلُوا | شما داخل می‌شوید /خواهید شد | تَدْخُلُونَ | شما داخل شدید | *دَخَلْتُمْ* |
| **دَاخِل**: **داخل شونده** | | | | من داخل می‌شوم /خواهم شد | أَدْخُلُ | من داخل شدم | *دَخَلْتُ* |
| **مَدْخُول**: **آن‌که به او داخل شده باشد** | | | | ما داخل می‌شویم /خواهیم شد | نَدْخُلُ | ما داخل شدیم | *دَخَلْنَا* |
| دُخُوْل: **داخل شدن** | | | | آن زن داخل می‌شود /خواهد شد | تَدْخُلُ | آن زن داخل شد | دَخَلَتْ |

عَبَدَ 143 (ن) عَبَدَ: او پرستش کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: عَبَدَ، يَعْبُدُ، اُعْبُدْ | | | | | فِعْل مُضَارِع | | | فِعْل مَاضِي | | |
| او پرستش می‌کند /خواهد کرد | | يَعْبُدُ | او پرستش کرد | *عَبَدَ* | |
| نَهْي | | أمْر | | | آنها پرستش می‌کنند /خواهند کرد | | يَعْبُدُونَ | آنها پرستش کردند | *عَبَدُوا* | |
| پرستش مکن! | لاَ تَعْبُدْ | عبادت کن! | | اُعْبُدْ | تو عبادت می‌کنی /خواهی کرد | | تَعْبُدُ | تو پرستش کردی | *عَبَدْتَّ* | |
| عبادت نکنید! | لاَ تَعْبُدُوا | پرستش کنید! | اُعْبُدُوا | | شما عبادت می‌کنید/خواهید کرد | تَعْبُدُونَ | | شما پرستش کردید | *عَبَدْتُّمْ* | |
| عَابِد:ع**بادت کننده** | | | | | من عبادت می‌کنم /خواهم کرد | | أَعْبُدُ | من پرستش کردم | *عَبَدْتُّ* | |
| مَعْبُود:**آنکه مورد پرستش قرار گرفته باشد** | | | | | ما عبادت می‌کنیم /خواهیم کرد | | نَعْبُدُ | ما پرستش کردیم | *عَبَدْنَا* | |
| عِبَادَة: **عبادت ، پرستش کردن** | | | | | آن زن پرستش می‌کند /خواهد کرد | | تَعْبُدُ | آن زن پرستش کرد | | عَبَدَتْ |

**درس پانزدهم: ثناء، ركوع، سجده**

با پایان یافتن این درس شما **8** واژه فرا می‌گیرید

که **733** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* ثناء \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* | | | | | | | | | | | | |
| سُبْحَانَكَ | | | اللّهُمَّ | وَبِحَمْدِكَ | | | | وَتَبَارَكَ | | اسْمُكَ | | |
| پاک هستی تو | | | ای الله | و ستایش برای تو است | | | | و مبارک است | | نام تو | | |
| سُبْحَانَ | كَ | (سُبْحَانَ اﷲ) | اللّٰهُمَّ: بار الها! | وَ | بِ | حَمْدِ | كَ | وَ | تَبَارَكَ | اسْمُ | كَ | ( بِسْمِ اللهِ) |
| پاک هستی | تو | و | به همراه | ستایش | تو | و | مبارک است | نام | تو |
| ترجمہ: یا الله! تو پاک ہستی و همه‌ی ستایش‌ها برای تو است و نام تو پر برکت است | | | | | | | | | | | | |

* سبحانك اللهم: الله متعال قوی بوده و با وجود آن به کسی ظلم نمی‌کند، به کمک کسی نیاز نداشته، در ذات پاکش هیچ شائبه‌ای از نقص وجود ندارد، او تعالی در امتحان زندگی هر آنچه برایم داده کاملا درست بوده و من از آن کوچکترین شکایتی ندارم. (این نظریه اصل روش مثبت است، یعنی: positive attitude )
* وبحمدك: ستایش و سپاس نیز یکی از اصول مهم دین می‌باشد. تا هنگامی که پاکیِ الله به وجه صادقانه بیان نشود ستایش و سپاس واقعی بیان شده نمی‌تواند. راز شخصیت کامیاب: روش مثبت داشتن و ستایش‌کردن.
* وتبارك اسمك: اگر شما صرف بگوئید: «کار خوب است» کار خوب نمی‌شود. اما اگر کاری با نام الله شروع شود، نصرت او تعالی شامل آن شده، و برکت در آن داخل می‌گردد. و در آخرت کسانی که نام او را همیشه بر زبان داشته اند و برای خوشنودی او کار می‌کرده اند مستحق برکات ابدی شده و نعمت‌های جنت الفردوس را به دست می‌آورند.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَتَعَالَى | | جَدُّكَ | | وَلاَ إِلـٰـهَ | | | غَيْرُكَ | |
| و برتر و والاتر است | | بزرگی تو | | ومعبودی نیست | | | جز تو | |
| وَ | تَعَالَى | جَدُّ | كَ | وَ | لاَ | إِلـٰـهَ | غَيْرُ | كَ |
| و | برتر و والاتر است | بزرگیِ | تو | و | نه (نیست) | معبودی | به جز | تو |
| عالي شان | | واژه‌های فارسی: جدّ امجد،آباء و اجداد | |  | | |  | |
| ترجمه: و برتر و والاتر است بزرگیِ تو، و جز تو معبودی نیست | | | | | | | | |

* وتعالى جدّك: بزرگی Majesty تو از همه بلندتر است، حکمران‌ها و پادشاهان نیرومند دنیا در برابر تو چیزی نیستند.
* وَلا إله غيرك: اقرار بر وحدانیت او تعالی و بیزاری کامل از شرک، وگرنه نجات مشکل است. الله بزرگ به هیچوجه شرک را نمی‌بخشد، لذا خطر شرک را درک نموده و بخوانیم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* اذکار رکوع \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* | | |
| سُبْحَانَ | رَ بِّيَ | الْعَظِيم |
| پاک است | پروردگارم | که عظیم و بزرگ است |
| از هر عیب و نقصانی پاک است | پرورش دهنده‌ی ذره ذره از جسم من | الْعَظِيم: بزرگ، با عظمت، ذاتی که هرگز ناتوان نمی‌شود |
| ترجمہ: پروردگار بزرگِ من پاک است | | |

با مدّنظرداشتن چهار موضوع آن را بخوانیم: (1) پاکی‌ای الله متعال، (2) ربوبیت او، (3) او پروردگار من است، (4) عظمت او تعالی.

او پاک است:

* پروردگارم ظالم نیست، عدل و انصاف را به کار می‌برد، اشیاء را برای اهداف خاصی آفریده، نه خستگی عائد حالش می‌شود و نه هم به خواب می‌رود، قوی و بزرگ است و از کسی ترسی ندارد.
* پروردگارم از شائبه‌ی هر نقصی پاک است، در شرائط سخت و امتحانات زندگی از پروردگارم هیچ شکایتی ندارم، او پرورش‌دهنده‌ی ذره ذره از وجود من می‌باشد، او بزرگ است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سَمِعَ الله ُ | لِمَنْ | حَمِدَهٗ |
| الله شنید | برای آنکه | او را ستایش کرد |
| ترجمہ: الله شنید (سخن) آنکه او را ستایش کرد | | |

* الله سخنان همه را می‌شنود اما در اینجا از ستایش‌کنندگان به طور ویژه نام برده شده است، که می‌رساند ستایش الله باید با اشتیاق تمام بر زبان آورده شود (ربنا ولك الحمد).
* الله متعال به حمد و ستایش ما هیچ نیازی ندارد، سپاس ما هیچ نفعی به او نمی‌رساند، و اگر ستایش او را به جا نیاوریم هیچ ضرری متوجه او نمی‌شود. فایده‌ و ثواب سپاسگزاری الله متعال تنها و تنها به ما می‌رسد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رَ بَّنَا | وَلَكَ | الْحَمْدُ |
| ای پروردگار ما | تنها برای تو است | هر نوع ستایش |
| ترجمہ: ای پروردگار ما! هر نوع ستایش تنها برای تو است | | |

* دو معنای حمد را به یاد داشته باشیم: ستایش‌نمودن و شکر به جا آوردن از صمیم قلب، با اشتیاق فراوان و با اخلاص کامل (يعني: یا الله! تو بزرگ هستی، کریم و رحیم و ... هستی). ستایش او تعالی را به جا آورده و بگوئیم: ربّنا ولك الحمد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* اذکار سجده \*\*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* | | |
| سُبْحَانَ | رَ بِّيَ | الْأَعْلَىٰ |
| پاک است | پروردگارم | که از همه بلندتر است |
|  |  | عَلِيّ أَعْلَى الْأَعْلَى  بلند بلندتر از همه والاتر |
| ترجمہ: پاک است پروردگارم که از همه والاتر است | | |

در حالت سجده: در این حالت خویشتن را به طور کامل تسلیم خدای بزرگ می‌کنیم. اذکار سجده را نیز با درنظرداشت چار مطلب ذیل بخوانیم: (1) پاکیِ الله متعال، (2) ربوبیت او تعالی، (3) او تعالی پروردگار من است، (4) والابودن ذات پاک او.

* من بر زمین افتاده و تواضع‌کنان ... و الله بر عرش و والاتر از همه ... این موقعیت صحیح بنده است. لذا انسان در حالت سجده بیش از هر حالت دیگر به الله خود نزدیک می‌باشد.

معنی و مفهوم **سبحان ربّي الأعلي** را در زندگی خویش بیاوریم

**نیایش**: یا الله! توفیقم ده در امتحان زندگی کامیاب و سر افراز شده و از تو هیچ شکوه و شکایتی نداشته باشم (که چرا با من چنین شده؟ و غیره).

احتساب: من تا اکنون از شکل و قیافه‌ی خودم، فامیل، شرایط موجود، آب و هوا و غیره چند بار شکایت نموده‌ام؟

**برنامه:** به این سخن یقین کامل داشته باشیم هر کاری که الله می‌کند کاملا به جا است. شرایط موجوده برای آزمایش ما می‌باشد و گاهی در نتیجه‌ی اشتباهاتی که از ما سر می‌زند.

تبلیغ: این پیغام را به همه برسانیم که الله متعال از هر عیب و نقصی پاک است.

ضَرَبَ 58 (ض) ضَرَبَ: او زد، ضَرَبَ مَثَلاً: او مثال زد (مثال آورد)

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: ضَرَبَ، يَضْرِبُ، اِضْرِبْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او می‌زند/خواهد زد | **يَضْرِبُ** | او زد | ***ضَرَبَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌زنند /خواهند زد | **يَضْرِبُوْنَ** | آنها زدند | ***ضَرَبُوْا*** |
| مزن! | **لَا تَضْرِبْ** | بزن! | **اِضْرِبْ** | تو می‌زنی /خواهی زد | **تَضْرِبُ** | تو زدی | ***ضَرَبْتَ*** |
| نزنید! | **لَا تَضْرِبُوْا** | بزنید! | **اِضْرِبُوْا** | شما می‌زنید /خواهید زد | **تَضْرِبُوْنَ** | شما زدید | ***ضَرَبْتُمْ*** |
| **ضَارِبٌ**: آن‌که می‌زند | | | | من می‌زنم /خواهم زد | **أَضْرِبُ** | من زدم | ***ضَرَبْتُ*** |
| **مَضْرُوب**: **آن‌که زده‌شده** | | | | ما می‌زنیم /خواهیم زد | **نَضْرِبُ** | ما زدیم | ***ضَرَبْنَا*** |
| **ضَرْب**: **زدن** | | | | آن (زن) می‌زند /خواهد زد | **تَضْرِبُ** | آن زن زد | ***ضَرَبَتْ*** |

ظَلَمَ 266 (ض) ظَلَمَ: او ظلم کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: ظَلَمَ، يَظْلِمُ، اِظْلِمْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل مَاضِي | |
| او ظلم می‌کند/خواهد کرد | **يَظْلِمُ** | او ستم کرد | ***ظَلَمَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها ظلم می‌کنند /خواهند کرد | **يَظْلِمُوْنَ** | آنها ظلم نمودند | ***ظَلَمُوْا*** |
| ظلم نکن! | **لَا تَظْلِمْ** | ظلم کن! | **اِظْلِمْ** | تو ظلم می‌کنی /خواهی کرد | **تَظْلِمُ** | تو ظلم نمودی | ***ظَلَمْتَ*** |
| ظلم مکنید! | **لَا تَظْلِمُوْا** | ظلم کنید! | **اِظْلِمُوْا** | شما ظلم می‌کنید /خواهید کرد | **تَظْلِمُوْنَ** | شما ظلم نمودید | ***ظَلَمْتُمْ*** |
| **ظَالِم**: ظلم کننده | | | | من ظلم می‌کنم /خواهم کرد | **أَظْلِمُ** | من ظلم نمودم | ***ظَلَمْتُ*** |
| **مَظْلُوم**: **آنکه مورد ظلم واقع شده** | | | | ما ظلم می‌کنیم /خواهیم کرد | **نَظْلِمُ** | ما ظلم نمودیم | ***ظَلَمْنَا*** |
| **ظُلم**:ستم | | | | آن زن ظلم می‌کند /خواهد کرد | **تَظْلِمُ** | آن زن ظلم نمود | ***ظَلَمَتْ*** |

صَبَرَ53 (ض) صَبَرَ: او شکیبائی کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: صَبَرَ، يَصْبِرُ، اِصْبِرْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | فِعْل ماضِي | | |
| او صبر می‌کند/خواهد کرد | **يَصْبِرُ** | | او بردباری ورزید | ***صَبَرَ*** |
| نَهْي | | أمر | | آنها صبر می‌کنند /خواهند کرد | **يَصْبِرُوْنَ** | | آنها شکیبائی کردند | ***صَبَرُوْا*** |
| شکیبائی مکن! | **لَا تَصْبِرْ** | شکیبائی کن! | **اِصْبِرْ** | تو صبر می‌کنی /خواهی کرد | **تَصْبِرُ** | | تو شکیبائی کردی | ***صَبَرْتَ*** |
| شکیبائی مکنید! | **لَا تَصْبِرُوْا** | شکیبائی کنید! | **اِصْبِرُوْا** | شما صبر می‌کنید /خواهید کرد | **تَصْبِرُوْنَ** | | شما شکیبائی کردید | ***صَبَرْتُمْ*** |
| **صَابِرْ**: شکیبائی کننده | | | | من صبر می‌کنم /خواهم کرد | **أَصْبِرُ** | | من شکیبائی کردم | ***صَبَرْتُ*** |
| -- | | | | ما صبر می‌کنیم /خواهیم کرد | **نَصْبِرُ** | | ما شکیبائی کردیم | ***صَبَرْنَا*** |
| **صَبر**:بردباری، شکیبائی | | | | آن زن صبر می‌کند /خواهد کرد | **تَصْبِرُ** | | آن زن شکیبائی کرد | ***صَبَرَتْ*** |

غَفَرَ 95(ض) غَفَرَ: او عفو کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: غَفَرَ، يَغْفِرُ، اِغْفِرْ | | | | فِعْل مُضَارِع | | | فِعْل ماضِي | |
| او عفو می‌کند/خواهد کرد | **يَغْفِرُ** | | او درگذر کرد | ***غَفَرَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها عفو می‌کنند /خواهند کرد | **يَغْفِرُوْنَ** | | آنها عفو کردند | ***غَفَرُوْا*** |
| عفو نکن! | **لَا تَغْفِرْ** | عفو کن! | **اِغْفِرْ** | تو عفو می‌کنی /خواهی کرد | **تَغْفِرُ** | | تو عفو کردی | ***غَفَرْتَ*** |
| عفو مکنید! | **لَا تَغْفِرُوْا** | عفو کنید! | **اِغْفِرُوْا** | شما عفو می‌کنید /خواهید کرد | | **تَغْفِرُوْنَ** | شما عفو کردید | ***غَفَرْتُمْ*** |
| **غَافِر**: عفو کننده/ آمرزنده | | | | من عفو می‌کنم /خواهم کرد | **أَغْفِرُ** | | من عفو کردم | ***غَفَرْتُ*** |
| **مَغْفُور**: **عفو شده/ آمرزیده‌شده** | | | | ما عفو می‌کنیم /خواهیم کرد | **نَغْفِرُ** | | ما عفو کردیم | ***غَفَرْنَا*** |
| **غَفر**:آمرزید | | | | آن زن عفو می‌کند /خواهد کرد | **تَغْفِرُ** | | آن زن عفو نمود | ***غَفَرَتْ*** |

**در این درس چهار فعل از باب فَعَلَ بیان شد. هر چهار مثال را در یک جمله این گونه به خاطر سپرده می‌توانیم:**

* اگر كسي دیگری را به ناحق زد (ضَرَبَ) پس او ظلم روا داشته است (ظَلَمَ).
* آنکه مورد ستم واقع شد اگر ضعیف بود بردباری پیشه می‌ورزد (صَبَر).
* و آنکه بر دیگری ظلم روا داشته، باید از مظلوم عفو و درگذر بخواهد تا الله متعال او را بیامرزد (غَفَرَ).

با پایان یافتن این درس شما **8** واژه فرا می‌گیرید

که **1387** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

**درس شانزدهم: تشھّد**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اَلتَّحِيَّاتُ | لِلهِ | | وَالصَّلَوَاتُ | وَالطَّيِّبَاتُ |
| تمام عبادات قولی | خاص برای الله است | | و تمام عبادت‌های جسمی | و تمام عبادت‌های مالی (نیز برای او است) |
| تَحِيَّة: تَحِيَّات (جمع)  تمام عبادت‌های گفتاری | لِ | اﷲ | صَلَوٰةِ: صَلَوَات (جمع)  همه عبادت‌های جسمی | طَيِّبَة: طَيِّبَات (جمع)  تما م عبادات مالی |
| برای | اﷲ |
| ترجمه:تمام عبادات قولی، بدنی و مالی تنها ویژه‌ی الله است | | | | |

* در حدیثی به روایت امام بخاري و امام مسلم آمده که رسول الله ج فرمودند: هفتاد هزار انسان هستند که بدون حساب و کتاب به جنت داخل می‌شوند»، و ایشان این را نیز فرمودند که: «آنها کسانی اند که نه دیگران را تعویذ و افسون می‌کنند و نه خود طلب تعویذ و افسون می‌کنند، و بدفالی نمی‌نمایند و صرف بر پروردگار خویش توکل می‌کنند». عکاشه بن محصن س با شنیدن این سخنان ایستاد شده و گفت: یا رسول الله! برای من دعا کنید که الله مرا از زمره‌ی آنها گرداند. رسول گرامی ج فرمودند: «تو از جمله‌ی آنان هستی». بعدا یکی دیگر از صحابه‌ی کرام ش به پا خواسته و گفت: یا رسول الله! دعا کنید که من نیز از آن جمله باشم. نبی مهربان ج فرمودند: «عکاشه از تو سبقت گرفت (او قبل از تو این درخواست را کرد)».
* از این حدیث مبارک این را به خوبی فرا گرفتیم که با شنیدن سخن خوب باید هر چه سریع‌تر دعا کنیم که الله متعال ما را توفیق انجام آن عمل عطا فرماید و ما را از زمره‌ی نیکان گرداند، وگرنه کسی دیگر از ما پیشی می‌گیرد.
* یا الله! مرا بر انجام این سه کار توفیق عطا فرما.
* احتساب كه: 1- زبانم در چه حالی قرار دارد. 2- توان‌های موجود در بدن خویش (به ویژه قوت فکری و ذهن) را در کدام‌ راه‌ها استعمال می‌کنیم‌، 3. ثروت و دارائی‌مان را در کدام راه مصرف می‌کنیم؟

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| اَلسَّلاَمُ | عَلَيْكَ | | أَيُّهَاالنَّبِيُّ | وَرَحْمَتُ اللهِ | | | وَبَرَكَاتُه | | |
| سلامتی باد | بر تو | | ای پیامبر | و رحمتِ الله | | | و برکت‌های او تعالی | | |
| السَّلاَمُ : سلام باد  **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** | عَلَى | كَ | يَا، أيُّهَا، يَا أَيُّهَا :ای | وَ | رَحْمَت | اﷲ | وَ | بَرَكَاتُ | هٗ |
| بر | تو | و | رحمت | اﷲ | و | برکت‌های | او |
| بر تو | |  | | | بَرَكَة بَرَكَات (جمع)= برکت‌ها | | |
| ترجمه:ای پیامبر! سلامتی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد | | | | | | | | | |

* بر شخصیتی که سه امر فوق را به ما یاد داد و ما را آموخت که امور دین و زندگی مادی خویش را چگونه به پیش ببریم، سلام و رحمت و برکات الهی نازل باد.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| اَلسَّلاَمُ | عَلَيْنَا | | وَعَلَىٰ | | عِبَادِ اللهِ | الصَّالِحِينَ |
| سلام باد | بر ما | | و بر | | بندگان خدا | (که) نیک (اند) |
| السَّلاَمُ : سلام باد  **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** | عَلَى | نَا | وَ | عَلَىٰ | عَبْدُ اﷲ: عِبَادُ اﷲ (جمع)  عَابِد: عَابِدُون، عَابِدِين (جمع) | صَالِح: صَالِحُون، صَالِحِين (جمع) |
| بر | ما | و | بر |
| ترجمه: سلام باد بر ما و بربندگان نیک خدا | | | | | | |

* انعام و فضل خاص الله بر: انبياء، صديقين، شهداء و صالحين می‌باشد. در اینجا نخست بر پیامبر ج سلام شده و سپس بر صالحان.
* دعا برای پیامبر ج و صالحان إن شاء الله قبول می‌شود. در این دعا (علینا= بر ما) در وسط است، و چون دعای نخست و آخر قبول شود جمله‌ی وسط نیز پذیرفته‌شده است. به خاطر داشته باشیم رحمت خداوندی شامل حال کسانی می‌شود که برای بدست آوردن آن تلاش ورزیده باشند، چنانچه صالحان کرده اند.
* در این دعا برای ما این پیغام نیز وجود دارد که ما در پهلوی نیایش سعی‌مان را به کار بریم که از زمره‌ی نیکان شویم؛ زیرا در قرآن‌کریم در ضمن چهار گروه مذکور که بر آنان انعام شده نخست از انبیاء یادآوری شده، و صالحین در اخیر آمده است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| أَشْهَدُ | أَنْ | لّا إِلـٰـهَ | إِلّا اللهُ |
| من گواهی می‌دهم | کہ | نیست معبودی (بر حق) | به جز الله |
| أَشْهَدُ: **(بر وزنأَفْعَلُ**)  شھادت، شہيد، شاهد عينی | أَنْ أَنَّ : کہ همانا | لاَ = نیست مَا: نہ، چی  إِلـٰـه آلِهَةٌ (جمع): معبود | إلّا:به جز، مگر |
| ترجمه:من گواهي میدهم که معبودی بر حق جز الله وجود ندارد | | | |

تشریح آن در درس اذان گذشت.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَأَشْهَدُ أَنَّ | | | مُحَمَّدًا | عَبْدُه، | | | وَرَسُولُه، | | |
| و من گواهی می‌دهم کہ | | | محمد ﷺ | بنده‌ی او | | و رسول او (است) | | | |
| وَ | أَشْهَدُ | أَنَّ | مُحَمَّد ﷺ  ستوده‌شده | عَبْد | ه، | وَ | | رَسُولُ | ه، |
| و | من گواهی می‌دهم | کہ | بنده‌ی | او | و | | پیغمبر | او |
| ترجمه:و من گواهی می‌دهم که محمد ج بنده و فرستاده‌ی الله است | | | | | | | | | |

تشریح این جمله ضمن درس اذان گذشت. در اینجا واژه‌ی عبد: بنده، اضافه شده. همه‌ی ما و تمام موجودات هستی را الله متعال آفریده است. لذا می‌بایست ما بنده‌ی واقعی‌ِ او تعالی باشیم. محمد مصطفی ج برترین بنده‌ی الله و اسوه و پیشوای ما اند.

**گرامر:**  21 صیغه‌ی مهم داده‌شده در ذیل را تمرین نمائید.

**سَمِعَ** 100 (س) **سَمِعَ**: او شنید

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: سَمِعَ، يَسْمَعُ، اِسْمَعْ | | | | مَعْل مُضَارِع | | مَعْل ماضِي | |
| او می‌شنود/خواهد شنید | **يَسْمَعُ** | او شنید | ***سَمِعَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌شنوند /خواهند شنید | **يَسْمَعُوْنَ** | آنها شنیدند | ***سَمِعُوْا*** |
| مشنو! | **لَا تَسْمَعْ** | بشنو! | **اِسْمَعْ** | تو می‌شنوی /خواهی شنید | **تَسْمَعُ** | تو شنیدی | ***سَمِعْتَ*** |
| مشنوید! | **لَا تَسْمَعُوْا** | بشنوید! | **اِسْمَعُوْا** | شما می‌شنوید /خواهید شنید | **تَسْمَعُوْنَ** | شما شنیدید | ***سَمِعْتُمْ*** |
| **سَامَع**: شنونده | | | | من می‌شنوم /خواهم شنید | **أَسْمَعُ** | من شنیدم | ***سَمِعْتُ*** |
| **مَسْمُوع**: **شنیده‌شده** | | | | ما می‌شنویم /خواهیم شنید | **نَسْمَعُ** | ما شنیدیم | ***سَمِعْنَا*** |
| **سَمع**:شنیدن | | | | آن زن می‌شنود /خواهد شنید | **تَسْمَعُ** | آن زن شنید | ***سَمِعَتْ*** |

عَلِمَ518 (س) عَلِمَ: او دانست

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: عَلِمَ، يَعْلَمُ، اِعْلَمْ | | | | فعْل مُضَارِع | | مَعْل ماضِي | |
| او می‌داند /خواهد دانست | يَعْلَمُ | او دانست | *عَلِمَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌دانند/ خواهند دانست | يَعْلَمُونَ | آنها دانستند | *عَلِمُوا* |
| ندان! | لاَ تَعْلَمْ | بدان! | اِعْلَمْ | تو می‌دانی/خواهی دانست | تَعْلَمُ | تو دانستی | *عَلِمْتَ* |
| ندانید! | لاَ تَعْلَمُوا | بدانید! | اِعْلَمُوا | شما می‌دانید/خواهید دانست | تَعْلَمُونَ | شما دانستید | *عَلِمْتُمْ* |
| عَالِم : دانا، دانشمند | | | | من می‌دانم/خواهم دانست | أَعْلَمُ | من دانستم | ***عَلِمْتُ*** |
| مَعْلُوم: **دانسته شده** | | | | ما می‌دانیم/خواهیم دانست | نَعْلَمُ | ما دانستیم | ***عَلِمْنَا*** |
| عِلْم:دانستن، دانش | | | | آن زن می‌داند / خواهد دانست | تَعْلَمُ | آن زن دانست | *عَلِمَتْ* |

عَمِلَ318 (س) عَمِلَ: او عمل کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: عَمِلَ، يَعْمَلُ، اِعْمَلْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | | |
| او عمل می‌کند/خواهد کرد | يَعْمَلُ | | او عمل کرد | *عَمِلَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها عمل می‌کنند / خواهند کرد | يَعْمَلُونَ | | آنها عمل کردند | *عَمِلُوا* |
| عمل مکن! | لاَ تَعْمَلْ | عمل کن! | اِعْمَلْ | تو عمل می‌کنی/خواهی کرد | تَعْمَلُ | | تو عمل کردی | *عَمِلْتَ* |
| عمل نکنید! | لاَ تَعْمَلُوا | عمل کنید! | اِعْمَلُوا | شما عمل می‌کنید/خواهید کرد | تَعْمَلُونَ | | شما عمل کردید | *عَمِلْتُمْ* |
| عَامِل ،: عمل کننده | | | | من عمل می‌کنم / خواهم کرد | أَعْمَلُ | | من عمل کردم | ***عَمِلْتُ*** |
| مَعْمُول: **عمل کرده شده** | | | | ما عمل می‌کنیم/ خواهیم کرد | نَعْمَلُ | | ما عمل کردیم | ***عَمِلْنَا*** |
| عمل:عمل کردن | | | | آن زن عمل می‌کند / خواهد کرد | تَعْمَلُ | | آن زن عمل نمود | *عَمِلَتْ* |

رَحِمَ148 (س) رَحِمَ: او رحم کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: رَحِمَ، يَرْحَمْ، اِرْحَمْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او رحم می‌کند/خواهد کرد | يَرْحَمُ | او رحم کرد | *رَحِمَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها رحم می‌کنند/خواهند کرد | يَرْحَمُونَ | آنها رحم کردند | *رَحِمُوا* |
| رحم نکن! | لاَ تَرْحَمْ | رحم کن! | اِرْحَمْ | تو رحم می‌کنی/خواهی کرد | تَرْحَمُ | تو رحم نمودی | *رَحِمْتَ* |
| رحم نکنید! | لاَ تَرْحَمُوا | رحم کنید! | اِرْحَمُوا | شما رحم می‌کنید/خواهید کرد | تَرْحَمُونَ | شما رحم کردید | *رَحِمْتُمْ* |
| رَاحِم: رحم کننده | | | | من رحم می‌کنم / خواهم کرد | أَرْحَمُ | من رحم کردم | ***رَحِمْتُ*** |
| مَرْحُوم: **رحم کرده‌شده** | | | | ما رحم می‌کنیم/خواهیم کرد | نَرْحَمُ | ما رحم کردیم | ***رَحِمْنَا*** |
| رحم:رحم کردن | | | | آن زن رحم می‌کند / خواهد کرد | تَرْحَمُ | آن زن رحم کرد | *رَحِمَتْ* |

**درس هفدهم: درود**

با پایان یافتن این درس شما **7** واژه فرا می‌گیرید

که **457** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

**پیشکش:** هنگام دعا برای رسول گرامی ﷺ قربانی‌ها و تضحیات ایشان را به خاطر داشته باشیم. اگر ما فعلا بعد از 14 قرن و اندی، هزاران کیلومتر دورتر از حرمین شریفین به فضل و کرم الهی مسلمان هستیم، این نتیجه‌ی تلاش‌ها و قربانی‌های ایشان است.

امروزه ما برای ایشان چه کار کرده می‌توانیم؟ آیا ایشان را به مهمانی دعوت کرده می‌توانیم و یا برای‌شان هدیه داده می‌توانیم؟ نه خیر، بلکه صرف می‌توانیم به سنت ایشان عمل کنیم، مطابق روش ایشان زندگی به سر برده و برای ایشان درود بفرستیم.

رسول الله ج از جانب الله متعال پاداش و اجر خود را به طور کامل دریافت می‌نمایند، حالا ما دعا بکنیم یا نکنیم. دعا نمودن برای ایشان در حقیقت برای ما اعزاز و افتخار است، بلکه مستحق اجر و ثواب نیز می‌شویم.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اَللّهُمَّ | صَلِّ | عَلَىٰ مُحَمَّدٍ | وَّعَلَىٰ ا ٰلِ | مُحَمَّدٍ |
| یا الله | درود (رحمت) بفرست | بر محمد ﷺ | و بر آل | محمد ﷺ |
|  | صَلِّ : درود بفرست، | عَلَىٰ: بر | آل: اولاد و همسران ایشان، محبت‌کنندگان و اتباع‌کنندگان، آنهائی که بر روش ایشان حرکت می‌کنند |  |
| ترجمہ: بار الها! بر محمد ج و بر آل محمد ﷺ درود (رحمت) بفرست | | | | |

دعاء کنیم که یا الله بر محمد ج:

* بارش رحمت نازل فرما، مهربان باش، نام و درجات آیشان را بالا ببر.
* پیامبر مهربان ج بر ما احسان‌های فراوانی فرموده، اکنون ما نمی‌توانیم بدله‌ی ایشان را بدهیم، ما چی می‌توانیم به آن‌حضرت ج بدهیم؟ بار الها! تو خود پاداش پیامبر مهربانت را بده.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| كَمَا | صَلَّيْتَ | عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ | وَعَلَىٰ ا ٰلِ | إِبْرَاهِيمَ |
| چنانچه | درود فرستاده‌ای | بر ابراهیم ؛ | و بر آل | ابراهیم ؛ |
| كَ ,كَمَا : چنانچه | صَلَّيْتَ : تو درود فرستاده‌ای | صَلَّيْتَ عَلَى: درود فرستاده‌ای بر | آل: اولاد و همسران ایشان، محبت‌کنندگان و اتباع‌کنندگان، آنهائی که بر روش ایشان حرکت می‌کنند |  |
| چنانچه تو بر ابراهیم ؛ و بر آل ابراهیم ؛ درود فرستاده‌ای | | | | |

* الله متعال برای ابراهيم عليه السلام چنان امامت و مقام شامخی ارزانی فرمود که مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دنیا ایشان را به حیث پیامبر قبول دارند. پس ای الله مهربان! به محمد > نیز مقامی عطا کن که بیشتر مردم زمین پیامبری ایشان را بپذیرند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إِنَّكَ | حَمِيدٌ | مَّجِيدٌ |
| همانا تو | شایسته‌ی ستایش | بزرگ و والا (هستی) |
| إِنَّ : همانا، یقینا كَ: تو | حَمِيد : شایسته‌ی ستایش، حَمْد: ستایش | ذاتی که بر درجه‌ی اعلای جلال، عظمت و کمال (perfection) قرار داشته باشد |
| همانا تو شایسته ی ستایش و باعظمت هستی | | |

* این فضل و احسان ویژه‌ی تو است که چنان پیامبر مهربانی را فرستادی، تو قابل ستایش هستی. تو مجید هستی یعنی در جلال، عظمت و منتهای کمال قرار داری.

چون به پیامبر ؛ درود می‌فرستیم جانفشانی‌های ایشان را به یاد داشته باشیم، و بعدا متوجه باشیم که آن‌حضرت ج به حیث معلم آمده بودند. دعا کنیم: یا الله! توفیقم ده که شاگرد واقعیِ ایشان باشم، یعنی قرآن را به خوبی بیاموزم.

**احتساب:** ما برای خواندن و تحقیق در قرآن و سنت چقدر از وقت خویش را صرف می‌کنیم؟ یا صرف همیشه و همه‌جا می‌گوئیم: «خیلی مشغول هستم». برنامه‌ریزی کنیم: وقت معینی را برای خواندن قرآن و حدیث اختصاص دهیم، کلاسها/صنوف درسی بگذاریم. و تمام تلاش خویش را به کار بیندازیم که پیغام قرآن و سنت را در زندگی روزمره‌ی خود عملی نموده و آن را برای تمام جهانیان برسانیم.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اَللّهُمَّ | بَارِكْ | عَلَىٰ مُحَمَّدٍ | وَّعَلَىٰ ا ٰلِ | مُحَمَّدٍ |
| یا الله! | بر کت عطا فرما | بر محمدﷺ | و بر آل | محمد ﷺ |
|  | عِيد مُبَارك : عید (شما) پر برکت باشد |  | آل: اولاد و همسران ایشان، محبت‌کنندگان و اتباع‌کنندگان، آنهائی که بر روش ایشان حرکت می‌کنند |  |
| ترجمہ: بارالها! بر محمدﷺ و بر آل محمد ﷺ برکت عطا فرما | | | | |

پیامبر بزرگ اسلام ج با تقدیم تضحیات و قربانی‌های فراوان بر ما احسان نموده‌اند، و چون ما برای ایشان خدمتی انجام داده نمی‌توانیم لذا به درگاه الهی دعا می‌کنیم که بار الها! تو خود برای آن حضرت ج پاداش عنایت فرما. در درود نخست به واژه‌ی صلوة دعا شده (اللهم صلّ علی محمد). در صلوة برکت شامل است. بعد از دعا به واژه‌ی صلاة در اینجا به برکت دعا شده است. به این دلیل که در دعا یک سخن به الفاظ و عبارات مختلف تقدیم می‌شود.

جانفشانی‌های رسول الله در میدان جهاد و دعوت را به یاد آورده و برای ایشان به برکت دعا کنید.

معنای برکت خوبی، نیکی، عطای نعمات فراوان، همیشه بودن، و زیادشدن و ترقی می‌باشد. برکت در اعمال به معنای قبولیت آن و بهترین پاداش برای آن می‌باشد. برکت در اولاد این است که نیکو بوده و تا چندین نسل به همین طریق ادامه داشته باشند. بر آل محمد برکت عطا فرما، به این معنی است که: بر اولاد و بر آنانی که بر روش ایشان هستند برکت بده.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| كَمَا | بَارَكْتَ | عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ | وَعَلَىٰ ا ٰلِ | إِبْرَاهِيمَ |
| چنانچه | برکت عطا فرموده‌ای | بر ابراهیم ؛ | و بر آل | ابراہیم ؛ |
| چنانچه تو بر ابراهیم ؛ و بر آل ابراهیم ؛ برکت عطا فرموده‌ای | | | | |

* الله متعال برای ابراهيم عليه السلام چنان امامت و مقام شامخی داد که مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دنیا ایشان را به حیث پیامبر قبول دارند. پس ای الله مهربان! به محمد ج نیز مقامی عطا کن که بیشتر مردم زمین پیامبری ایشان را بپذیرند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إِنَّكَ | حَمِيدٌ | مَّجِيدٌ |
| همانا تو | شایسته‌ی ستایش | بزرگ و والا (هستی) |
| إِنَّ : همانا، كَ: تو | حَمِيد: شایسته‌ی ستایش (حمد : ستایش) | ذاتی که بر درجه‌ی اعلای جلال، عظمت و کمال (perfection) قرار داشته باشد |
| همانا تو شایسته ی ستایش و باعظمت هستی | | |

یا الله مهربان! تو شایسته‌ی تمام تعریفات و ستایش‌ها می‌باشی؛ زیرا که بهترین پیامبر را برای هدایت ما فرستادی. تو مجید هستی که در منتهای کمال، عظمت و بزرگی قرار داری.

هنگامی که بر رسول الله درود می‌فرستیم، باید که نصایح گهربار آن هادی مهربان را به یاد داشته باشیم. به طور مثال ایشان فرمودند: «بلّغوا عنی ولو آیة: از جانب من اگرچه یک آیت هم باشد برسانید».

ما اگر خود دانسته نباشیم چطور می‌توانیم پیغام الهی را به دیگران برسانیم؟. لذا هرچه زودتر برنامه‌ریزی کنیم که قرآن و حقائق زیبا و احکام دلنشین آن را بفهمیم، و این دوره‌ی آموزشی را به پایان برسانیم. فرض کنیم که ما در یک صحرای وسیع و سوزان محاصره شده‌ایم و در حال مردن هستیم. در این شرایط طاقت‌فرسا شخصی می‌آید و برای ما طعام و نوشیدنی می‌دهد، و می‌گوید: این طعام را به کسی بدهید که از گرسنگی و تشنگی در حال هلاکت می‌باشند، حالا ما با تعجب می‌گوئیم چه کسی از ما نیازمندتر؟.

ما نیز باید قبل از این که فرموده‌ی الهی و پیغام رسول الله را به کسی دیگر برسانیم خود بر آن عمل نموده و از فیوضات و برکات آن استفاده نمائیم. و در پهلوی آن متوجه باشیم که محبتِ الله و رسول را در قلب خویش رشد داده، و سیرت و کردار خود را طبق سیرت و روش رسول الله ج و صحابه‌ی جان‌نثار ایشان ش عیار بسازیم.

**گرامر:** 21 صیغه‌ی مهم داده‌شده در ذیل را تمرین نمائید. دو صیغه‌ی اخیر از واحد مؤنث است. گردان اصلی همان فَعَلَ است، اختلاف صرف در فتحه، کسره و ضمه می‌باشد. به یاد داشته باشیم که در این باب افعالی می‌آید که همانند ضَرَبَ باشد.

***وَعَدَ***107 (و) ***وَعَدَ***: او وعده کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: وَعَدَ، يَعِدُ، عِدْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او وعده می‌کند/خواهد کرد | **يَعِدُ** | او وعده کرد | ***وَعَدَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها وعده می‌کنند/خواهند کرد | **يَعِدُوْنَ** | آنها وعده کردند | ***وَعَدُوْا*** |
| وعده مکن! | **لاَ تَعِدْ** | وعدہ کن! | **عِدْ** | تو وعده می‌کنی / خواهی کرد | **تَعِدُ** | تو وعده کردی | ***وَعَدْتَّ*** |
| وعده نکنید! | **لَا تَعِدُوْا** | وعدہ کنید! | **عِدُوْا** | شما وعده می‌کنید/خواهید کرد | **تَعِدُوْنَ** | شما وعده کردید | ***وَعَدْتُّمْ*** |
| وَاعِد: وعدہ کننده | | | | من وعده می‌کنم/ خواهم کرد | **أَعِدُ** | من وعده کردم | ***وَعَدْتُّ*** |
| مَوْعُود: **آنچه وعده شده** | | | | ما وعده می‌کنیم /خواهیم کرد | **نَعِدُ** | ما وعده کردیم | ***وَعَدْنَا*** |
| وَعْد:وعدہ | | | | آن زن وعده می‌کند / خواهد کرد | **تَعِدُ** | آن زن وعده کرد | ***وَعَدَتْ*** |

***وَجَدَ***107 (و) ***وَجَدَ***: او یافت

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: وَجَدَ، يَجِدُ، جِدْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او می‌یابد /خواهد یافت | **يَجِدُ** | او یافت | ***وَجَدَ*** |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌یابند /خواهند یافت | **يَجِدُوْنَ** | آنها یافتند | ***وَجَدُوْا*** |
| میاب! | **لاَ تَجِدْ** | بیاب! | **جِدْ** | تو می‌یابی /خواهی یافت | **تَجِدُ** | تو یافتی | ***وَجَدْتَّ*** |
| نیابید! | **لَا تَجِدُوْا** | بیابید! | **جِدُوْا** | شما می‌یابید /خواهید یافت | **تَجِدُوْنَ** | شما یافتید | ***وَجَدْتُّمْ*** |
| وَاجِد: دارنده | | | | من می‌یابم/خواهم یافت | **أَجِدُ** | من یافتم | ***وَجَدْتُّ*** |
| مَوْجُود : **موجود، آنکه به وجود آمده** | | | | ما می‌یابیم /خواهیم یافت | **نَجِدُ** | ما یافتیم | ***وَجَدْنَا*** |
| وُجُود:وجود، بودن | | | | آن زن می‌یابد /خواهد یافت | **تَجِدُ** | آن زن یافت | ***وَجَدَتْ*** |

**وَلَدَ**54 (و) **وَلَد**َ: او فرزندی به دنیا آورد، زائید

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: وَلَدَ، يَلِدُ، لِدْ | | | | | فعل مضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او فرزند می‌آورد /خواهد آورد | **يَلِدُ** | او فرزندی به دنیا آورد | ***وَلَدَ*** |
| نَهْي | | | أمْر | | آنها فرزند می‌آورند /خواهند آورد | **يَلِدُوْنَ** | آنها فرزند آوردند | ***وَلَدُوْا*** |
| فرزند میاور! | | **لاَ تَلِدْ** | فرزند بیاور! | **لِدْ** | تو فرزند می‌آوری/خواهی آورد | **تَلِدُ** | تو زائیدی | ***وَلَدْتَّ*** |
| فرزند نیاورید! | **لَا تَلِدُوْا** | | فرزند بیاورید! | **لِدُوْا** | شما فرزند می‌آورید/خواهید آورد | **تَلِدُوْنَ** | شما زائیدید | ***وَلَدْتُّمْ*** |
| وَالِد: والد، پدر | | | | | من فرزند می‌آورم /خواهم آورد | **أَلِدُ** | من فرزند به دنیا آوردم | ***وَلَدْتُّ*** |
| مَوْلُود : **مولود، زائیده‌شده** | | | | | ما فرزند می‌آوریم /خواهیم زائید | **نَلِدُ** | ما فرزند آوردیم | ***وَلَدْنَا*** |
| وِلاَدَة:ولادت | | | | | آن زن می‌زاید/ولادت خواهد کرد | **تَلِدُ** | آن زن فرزند زائید | ***وَلَدَتْ*** |

**درس هیجدهم: بعد از درود**

در اثنای نماز از الله متعال درخواست عفو و بخشش نمائیم، و بعد از نماز عزم راسخ داشته باشیم که بر راه راست ثابت و پا برجا باشیم. «از یک نماز تا نماز دیگر» برای گزراندن زندگی برنامه‌ریزی کنیم. در نماز دیگر حاضر می‌شویم، و در آن نیز به حضور خداوند دست به نیایش می‌بریم. این دعا را رسول گرامی اسلام به بهترین امت ابوبکر صدیق س آموزش داده اند. پیغام را نگاه کنیم، و بعد ببینیم که با کدام اخلاص و جذبه این دعا را بر زبان آوریم:

با پایان یافتن این درس شما **7** واژه فرا می‌گیرید

که **2466** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اَللّٰهُمَّ | إِنِّي | ظَلَمْتُ | نَفْسِي | ظُلْمًا كَثِيرًا |
| بار الها! | همانا من | ستم کردم | بر نفس خود | ظلمی زیاد |
| اَللّٰهُمَّ : یا الله! | إِنِّيْ**:** همانا من | ظَلَمْتُ: بر وزن ***فَعَلْتُ*** | نَفْس: نُفُوس، أَنْفُس (جمع) |  |
| ترجمہ: بار الها! همانا من بر نفسم ظلم فراوان روا داشته ام | | | | |

* ای الله! من ستم نموده‌ام، در نظام خلقت و در احکام تو هیچ نوع کمی و یا قصوری نیست، بلکه این من هستم که با ارتکاب معاصی بر خویشتن ستم روا داشته ام. با وجود تمام احسان‌ها و الطاف تو باز هم من بر خویشتن ظلم روا می‌دارم.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَلاَ يَغْفِرُ | | | الذُّنُوبَ | إِلّا | أَنْتَ |
| و نمی‌آمرزد (آمرزیده نمی‌تواند) | | | گناهان را | مگر | تو |
| وَ: و | لاَ : نه | يَغْفِرُ: می‌آمرزد | ذَنْبٌ : گناه، الذُّنُوب (جمع) |  |  |
| و به جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد (آمرزیده نمی‌تواند) | | | | | |

* حالا هیچ واسطه و وسیله‌ای کارآمد نیست. صرف تو گناهانم را بخشوده می‌توانی.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| فَاغْفِرْ لِي | | | مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدِكَ | | | وَارْحَمْنِي | | |
| پس بر من بیامرز | | | آمرزشی ویژه از نزد خود | | | و بر من رحم فرما | | |
| فَ: پس | اغْفِرْ: بیامرز | لِيْ: برای من | مَغْفِرَةً : آمرزش | مِّنْ: از | عِنْدِك: نزد خود | وَ : و | ارْحَمْ: رحم فرما | نِيْ: بر من |
| پس بر من از نزد خود آمرزشی خاص عطا فرما و مرا مورد رحمت خود قرار ده | | | | | | | | |

* معنای مغفرت درگذر نمودن و از بین بردن گناهان است. و بعد از این نیز محتاج فضل و رحمت خاص تو هستیم وگرنه ما در نقصانی آشکار قرار خواهیم داشت.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| إِنَّكَ أَنْتَ | | الْغَفُورُ | الرَّحِيمُ |
| همانا تو (هستی) | | آمرزنده | مهرورز |
| إِنَّكَ: همانا تو | أَنْتَ: تو | مغفرت، استغفار | الرَّحِيمُ:رحم‌کننده‌ی دائمی |
| همانا تو آمرزنده‌ی مهرورز هستی | | | |

* با وجود گناهانی که از من سر می‌زند فوری مرا سزا مده؛ زیرا رحم و کرم تو فراوان است.

گرامر: عند ، قَالَ، وقَامَ را تمرین نمائید.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| عِنْدَهٗ | | نزد او | در درس فوق واژه‌ی عِنْدَ آمده است. با یک مثال از محاوره‌ی عربی معنای آن را به خاطر بسپارید:  كَمْ دینار عِنْدِكَ؟تو چند دینار داری؟  هفت واژه‌ی داده‌شده در جانب راست را توسط TPI تمرین نمائید. |
| عِنْدَهُمْ | | نزد آنان |
| عِنْدَكَ | | نزد تو |
| عِنْدَكُمْ | | نزد شما |
| عِنْدِي | | نزد من |
| عِنْدَنَا | | نزد ما |
| عِنْدَهَا | نزد آن زن | |

*قَالَ* **1719** (ق) قَالَ: او گفت

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: قَالَ، يَقُولُ، قُلْ | | | | فعل مضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او می‌گوید/خواهد گفت | يَقُولُ | او گفت | *قَالَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌گویند /خواهند گفت | يَقُولُونَ | آنها گفتند | *قَالُوا* |
| مگو! | لاَ تقُلْ | بگو! | قُلْ | تو می‌گوئی/خواهی گفت | تَقُولُ | تو گفتی | *قُلْتَ* |
| نگوئید! | لاَ تَقُولُوا | بگوئید! | قُولُوا | شما می‌گوئید/خواهید گفت | تَقُولُونَ | شما گفتید | *قُلْتُمْ* |
| قَائِل :گوینده  مَقُول : گفته‌شده  قَوْل:گفتن | | | | من می‌گویم/خواهم گفت | أَقُولُ | من گفتم | *قُلْتُ* |
| ما می‌گوئیم/خواهیم گفت | نَقُولُ | ما گفتیم | *قُلْنَا* |
| آن زن می‌گوید/خواهد گفت | تَقُولُ | آن زن گفت | *قَالَتْ* |

**قَامَ 55** (ق) قَامَ: او ایستاد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: قَامَ، يَقُومُ، قُمْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او می‌ایستد/ خواهد ایستاد | يَقُومُ | او ایستاد/برخواست | *قَامَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌ایستند/خواهند ایستاد | يَقُومُونَ | آنها ایستادند | *قَامُوا* |
| نایست! | لاَ تقُمْ | برخیز، بایست! | قُمْ | تو می‌ایستی/خواهی ایستاد | تَقُومُ | تو ایستادی | *قُمْتَ* |
| نایستید! | لاَ تَقُومُوا | ایستاد شوید! | قُومُوا | شما می‌ایستید/ خواهید ایستاد | تَقُومُونَ | شما ایستادید | *قُمْتُمْ* |
| قَائِم: ایستاده  -  قِيَام:ایستادن | | | | من می‌ایستم/ خواهم ایستاد | أَقُومُ | من ایستادم | *قُمْتُ* |
| ما می‌ایستیم/خواهیم ایستاد | نَقُومُ | ما ایستادیم | *قُمْنَا* |
| آن زن می‌ایستد /خواهد ایستاد | تَقُومُ | آن زن ایستاد | *قَامَتْ* |

**درس نوزدهم: ادعیه**

با پایان یافتن این درس شما **8** واژه فرا می‌گیرید

که **2203** دفعه در قرآن‌کریم آمده است!

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رَبَّنَاۤ | | اٰتِنَا | | فِي الدُّنْيَا | | حَسَنَةً |
| پروردگارا! | | بده ما را | | در دنیا | | نیکی |
| رَبَّ | نَاۤ | اٰتِ | نَا | فِي | الدُّنْيَا |  |
| ای پروردگار | ما | بده | (برای) ما | در | دنیا |
| ترجمہ: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا فرما | | | | | | |

بیشتر دعاها با ربّنا شروع می‌شوند. تشریح رب را به یاد داشته باشیم، یعنی هر نیاز بشر را برآورده ساخته و ما را پرورش می‌نماید.

امور ذیل در ضمن حسنه‌ی دنیا شامل اند:

1. نیازهای اساسی زندگی: صحت، خوشحالی خانواده، عزت، وقار، ثروت، وظیفه، تجارت، دوست و غیره.
2. امن و آرامش که بر احکام اسلام عمل شود.
3. اموری که برای آخرت سودمند است، همانند علم مفید، عقیده‌ی صحیح، اعمال نیکو، اخلاص، اخلاق شایسته، تربیت و غیره.

اما هیچ چیز (مال، ثروت، وظیفه، تجارت، فرزند، دوست و غیره) اگر آخرت انسان را به خطر بیندازد حسنه شده نمی‌تواند.

**احتساب :** آیا تا کنون فکر کرده‌ایم که چیزی که در دنیا دنبال آن هستیم درست است؟ و اگر بعد از تلاش زیاد باز هم آن چیز را به دست آورده نتوانیم آیا مطمئن خواهیم بود؟.

**برنامه:** خواندن این دعا را جزء برنامه‌ی همیشگی خود قرار دهیم.

**تبلیغ:** در بین خاندان و دوستانمان این پیغام را نشر کنیم: یقین داشته باشیم که این کار حسنه است.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| وَفِي الْاٰخِرَةِ | | | حَسَنَةً | وَّقِنَا | | | عَذَابَ | النَّارِ |
| و در آخرت | | | نیکی | و محفوظ بدار ما را | | | از عذاب | آتش (دوزخ) |
| وَّ | فِي | الْاٰخِرَةِ |  | وَ | قِ | نَا |  | نار جهنم : آتش دوزخ |
| و | در | آخرت |  | و | محفوظ بدار | ما را |  |  |
| و در آخرت نیز نیکی بده و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار | | | | | | | | |

امور ذیل در حسنه (نیکی) شامل اند: خوشنودی الله، بهشت، دیدار خداوند، همسایگی با رسول الله ج و انبیای دیگر و صالحان در جنت و غیره.

علماءِ كرام می‌گویند: اگر گناه فردی زیاد باشد نخست در آتش دوزخ به قدر گناهش می‌سوزد تا از آن پاک شود. دعا می‌کنیم که الله گناه ما را معاف نموده و توفیق هرچه بیشتر کارهای نیک را به ما داده، و از عذاب دوزخ ما را برهاند.

**یکی از مهم‌ترین دعاهای بعد از نماز:** از معاذ رضي الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ج دستم را گرفتند و فرمودند: «ای معاذ! به الله سوگند که من تو را دوست دارم» بعد فرمودند: «من تو را سفارش می‌کنم که بعد از اتمام این نماز هرگز خواندن این دعا را فراموش مکن:

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اَللّهُمَّ | أَعِنِّي | عَلَىٰ ذِكْرِكَ | وَشُكْرِكَ | وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ |
| بار الها! | کُمکم کن | بر (ادای) ذکر خود | و شکر خود | و بر عبادت کردن نیک خود |

بعد از ادای نماز ما با احساسات مختلف این دعا را خوانده می‌توانیم، مثلا یا الله! اگر چه من هم اکنون نماز خوانده ام اما نتوانسته ام آن را طوری ادا کنم که تو دوست داری، لذا از تو می‌خواهم مرا کمک نمائی که بتوانم به طرز احسن عبادت تو را به جا بیاورم. یا الله! توفیقم ده که بعد از نماز در اثنای کارهای دنیوی تو را فراموش نکنم، در ذکر و شکر خود موفقم دار! و مرا توان بده که در تمام زندگی عبادت تو را به بهترین وجه ممکن به جای آورده بتوانم.

**گرامر:** 21 صیغه‌ی داده‌شده در ذیل را تمرین نمائید. اینها افعالی اند که حرف دوم آن حرف علت weak letter است یعنی: یکی از حروف: واو، الف و یا.

**كَانَ 1361**(ق) **كَانَ** : او بود

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: كَانَ، يَكُونُ، كُنْ | | | | فعل مضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او می‌باشد/ خواهد بود | يَكُونُ | او بود | *كَانَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها می‌باشند/خواهند بود | يَكُونُونَ | آنها بودند | *كَانُوا* |
| نباش! | لاَ تكُنْ | باش! | كُنْ | تو می‌باشی/ خواهی بود | تَكُونُ | تو بودی | *كُنْتَ* |
| مباشید! | لاَ تَكُونُوا | باشید! | كُونُوا | شما می‌باشید/ خواهید بود | تَكُونُونَ | شما بودید | *كُنْتُمْ* |
| كَائِن : باشنده، موجود  -  كَوْن:هستی | | | | من می‌باشم/ خواهم بود | أَكُونُ | من بودم | *كُنْتُ* |
| ما می‌باشیم/ خواهیم بود | نَكُونُ | ما بودیم | *كُنَّا* |
| آن زن می‌باشد/ خواهد بود | تَكُونُ | آن زن بود | *كَانَتْ* |

تَابَ**72** (ق) تَابَ: او توبه کرد

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| صیغه‌های مهم این جدول: تَابَ، يَتُوبُ، تُبْ | | | | فعل مُضَارِع | | فعل ماضِي | |
| او توبه می‌کند/خواهد کرد | يَتُوبُ | او توبه کرد | *تَابَ* |
| نَهْي | | أمْر | | آنها توبه می‌کنند /خواهند کرد | يَتُوبُونَ | آنها توبه کردند | *تَابُوا* |
| توبه مکن! | لاَ تَتُبْ | توبہ کن! | تُبْ | تو توبه می‌کنی/خواهی کرد | تَتُوبُ | تو توبه کردی | *تُبْتَ* |
| توبه نکنید! | لاَ تَتُوبُوا | توبہ کنید! | تُوبُوا | شما توبه می‌کنید/خواهید کرد | تَتُوبُونَ | شما توبه کردید | *تُبْتُمْ* |
| تَائِب: توبه کننده  -  تَوْبَة:توبه | | | | من توبه می‌کنم/خواهم کرد | أَتُوبُ | من توبه کردم | *تُبْتُ* |
| ما توبه می‌کنیم/خواهیم کرد | نَتُوبُ | ما توبه کردیم | *تُبْنَا* |
| آن زن توبه می‌کند/خواهد کرد | تَتُوبُ | آن زن توبه کرد | *تَابَتْ* |

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته